

# نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۶۲، چهارشنبه اول مهر ۱۳۹۴ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۵

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، جعفر پویه، مهدی سامع

## در این شماره می خوانید:

- \* شاهرخ زمانی به وسیله مزدوران خامنه ای به قتل رسید.....ص ۲
- \* پنجاه سال پایداری با کدام رویا؟ - مهدی سامع.....ص ۳
- \* مسیر طولانی چانه زنی از "پول کثیف" تا "نظارت استصوابی" - منصور امان.....ص ۵
- \* جهان در آینه مرور - لیلا جدیدی.....ص ۸
- \* آسیب شناسی و ایمنی شناسی یک جنبش - امید برهانی.....ص ۱۲
- \* خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم استبداد (قسمت آخر) - شهره صابری.....ص ۱۶
- \* برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۴ - زینت میرهاشمی.....ص ۱۸
- \* چالش‌های معلمان در شهریور ماه - فرنگیس بایقره.....ص ۲۷
- \* زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری.....ص ۳۱
- \* کارورزان سلامت - امید برهانی.....ص ۳۵
- \* دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد.....ص ۳۸
- \* گزارشی از جلسه ایران خودرو و سایپا - پرویز شجاعی.....ص ۴۲
- \* اسرائیل: مبارزه برای تساوی حقوق جنسیتها در مدارس - برگردان: بابک.....ص ۴۳
- \* جنگل سوزی، بحران محیط زیست - حامی پرهام.....ص ۴۵
- \* برنامه رادیو پیشگام در یادمان قتل عام زندانیان سیاسی.....ص ۴۸
- \* رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی.....ص ۵۱
- \* از زنده یاد رفیق شاهرخ زمانی و درباره او.....ص ۵۶
- \* فراسوی خبرها.....ص ۶۱
- \* در گذشت مجاهد خلق عبدالعلی قنبری در آلبانی.....ص ۶۵
- \* شهدای فدایی در مهرماه.....ص ۶۵
- \* انتشارات تصویری سازمان.....ص ۶۶

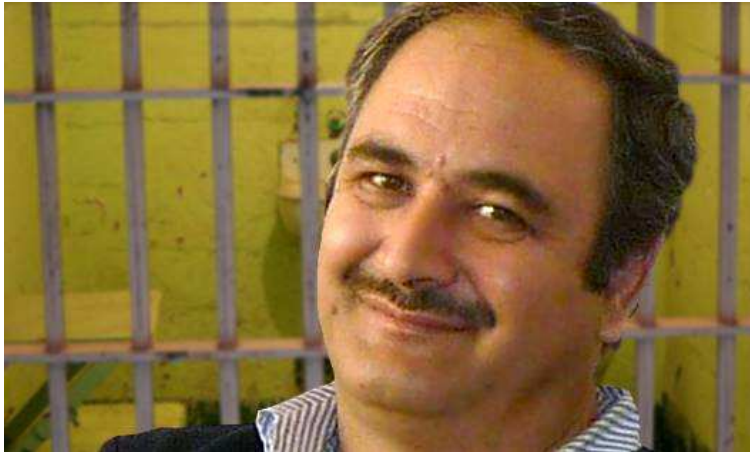
«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## شاهرخ زمانی به وسیله مزدوران خامنه ای به قتل رسید

امروز یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۴، مزدوران خامنه ای در یک اقدام جنایتکارانه و بزدلانه، زندانی سیاسی مقاوم و فعال کارگری، شاهرخ زمانی را در زندان رجایی شهر به قتل رساندند.

زندانیان سیاسی همبند با زنده یاد شاهرخ زمانی اعلام کرده اند که دهان وی پر از خون و بر سر او آثار ضربه وجود دارد. رفیق شاهرخ زمانی یک فعال کارگری شناخته شده بود که چه به دلیل فعالیت‌های خستگی ناپذیر در راه حقوق کارورزان و چه به خاطر مقاومت شجاعانه اش در برابر مزدوران رژیم، در میان کارگران و زندانیان سیاسی محبوبیت و نفوذ وسیعی داشت. حاکمان جمهوری اسلامی در هراس از این نقش برجسته و با هدف بی سر کردن جنبش‌های اعتراضی دست به این قتل زده اند و بی گمان آن را علیه کوشندگان بخش‌های دیگر جامعه نیز به کار خواهند بست.



تردیدی وجود ندارد که زنده یاد شاهرخ زمانی به وسیله ایادی استبداد مذهبی حاکم بر ایران به قتل رسیده و خامنه ای و روحانی مسوولان مستقیم این جنایت هستند.

قتل شاهرخ زمانی همگام با تشدید سازمان یافته فشار حکومت بر فعالان و تشکلهای صنفی صورت گرفته و تلاش بیهوده و جنایتکارانه ای علیه جامعه برای توازن بخشیدن به عقب نشینی خارجی است. در هفته های اخیر دستکم سه تن از فعالان صنفی معلمان دستگیر شده اند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با محکوم کردن این جنایت بزدلانه، شهادت این رزمنده راه آزادی را به خانواده او، به زندانیان سیاسی و عقیدتی و به مردم ایران تسلیم می گوید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران کوشندگان سیاسی، فعالان کارگری و صنفی و تشکلهای حقوق بشری و مدنی را به اعتراض یکپارچه علیه این جنایت فرا می خواند. ما خواهان انجام تحقیقات مستقل بین المللی برای روشن شدن چگونگی این جنایت و نیز رسیدگی به وضعیت زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.

**سازمان چریکهای فدایی خلق ایران**

یکشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۴ - ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۵

## از زنده یاد رفیق شاهرخ زمانی و درباره او

مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی، گزارشی کوتاه کانون مدافعان حقوق کارگر...ص ۵۶

پیام تشکر خانواده شاهرخ از شرکت کنندگان در مراسم ۲۴ شهریور ۹۴...ص ۵۷

برگزاری مراسم گرامیداشت شاهرخ زمانی توسط زندانیان سیاسی زندان گوهردشت...ص ۵۷

نامه شاهرخ زمانی به دخترش...ص ۵۸

گمدی حقوق بشر ولایت فقیهی - زینت میرهاشمی...ص ۵۹

ای سرو ایستاده این مرگ توست که می سازد - لیلا جدیدی...ص ۵۰

تیر خلاص رسانه حکومتی به زنده یاد شاهرخ زمانی - زینت میرهاشمی...ص ۶۰

## پنجاه سال پایداری با کدام رویا؟

مهدی سامع

در ماه گذشته سازمان مجاهدین خلق ایران پنجاهمین سال تاسیس خود را پشت سر گذاشت. این سازمان از شش سالگی که با اولین تهاجمات ساواک روبرو شد تا اکنون که تحت ضد انسانی ترین و ظالمانه ترین فشارها در کمپ بدتر از زندان لیبرتی محاصره شده، دورانی پر از تلاطم و چالش را گذرانده و در این مسیر پر از فراز و نشیب هزینه های کلانی را آگاهانه پذیرفته و با جانفشانی پرداخت کرده است. مبارزه مداوم و خستگی ناپذیر علیه دشمن اصلی در دو نظام و همزمان رویارویی با پیچیده ترین و بی سابقه ترین توطئه های رژیم از جانب قدرتهای استعماری و امپریالیستی، این سازمان را آبدیده کرده است. برای من که طی چهل و چهار سال گذشته از نزدیک با مجاهدین آشنا و با نگاه از بیرون آنان را ارزیابی کرده ام، پایداری، ایثار و ماندگاری این جریان شگفت انگیز است. همگان می دانند که عمّله و آکره خمینی و خامنه ای بارها مرگ و نابودی این سازمان را با تبلیغات پرمایه اعلام کرده و همزمان از سر دادن شعار «مرگ بر منافق» غافل نشده اند. شگفتا که کمترین زاویه کارگزاران حکومت با ولی فقیه، با برچسب «منافق» معرفی و شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه، همدریف شعار مرگ بر منافق می شود. این پدیده بسیار ساده که به طور مداوم در جریان است، از نظر سیاسی یک قطب بندی مشخص را روشن می کند؛ مجاهدین خلق به عنوان تشکیلاتی قدرتمند بر محور نیروهایی که برای سرنگونی استبداد مذهبی حاکم بر ایران و تحقق دموکراسی، استقلال، آزادی و جمهوری غیر دینی تلاش می کنند قرار دارد. این جایگاه سیاسی، صرف نظر از میزان موافقت و یا مخالفت با این سازمان، به طور عینی وجود داشته و از نظر سیاسی بیان تضاد اساسی جامعه ما و مبارزه مردم ما برای رهایی است. کتمان این واقعیت، نادیده گرفتن مهمترین قطب بندی در درون جامعه است و هنگامی که این کتمان در سیاستهای راهبردی و کاربردی تبلور پیدا کند، به هدر دادن انرژیهای لازم برای رسیدن به هدف مبارزه آزادیبخش منجر می شود.

چنین است جایگاه و نقش مجاهدین خلق در آغاز پنجاه و یکمین سال تاسیس آن و بنابراین این ماندگاری و پایداری شایان تبریک به همه کسانی است که در چارچوب این سازمان خود را تعریف می کنند.

در قطب مخالف، ولایت خامنه ای قرار دارد. در مورد موقعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین المللی رژیم حاکم، در بیانه سال جاری شورای ملی مقاومت ایران که مجاهدین خلق هم به آن رای مثبت داده اند، به تفصیل نوشته شده و بنابراین تکرار آن نباید جایی در این یادداشت کوتاه داشته باشد. اما طرح یک نکته در مورد ولی فقیه برای شناخت عمیق تر این قطب بندی را ضروری می دانم.

خامنه ای نمونه کامل یک سیاستمدار مستبد و یک آخوند ریاکار است. ریاکاری علی خامنه ای هیچ حد و مرزی ندارد. او از جمله آن واعظانی است که چون به خلوت می رود آن کار دیگر می کند و چون به منبر می رود با روده درازی در نقش «اولیا و انبیا» ظهور می کند. برملا شدن مذاکرات و ساخت و پاخت او با آمریکا نمونه ای از ریاکاری اوست. گماشتگان رنگارنگ علی خامنه ای از او به عنوان «سید خراسانی» که از اولین کسانی است که در رکاب امام غایب شیعیان خواهد بود، یاد می کنند. برخی از مزدبگیران بی دنده و ترمز ولی فقیه از دیدار او با امام غایب صحبت کرده و خامنه ای در این موارد سکوت، به علامت تایید، کرده است. خامنه ای به چندین دوجین جریان ارتجاعی و تروریستی در سراسر جهان که نام «الله» را در تابلو خود حک کرده اند جیره و مواجب می پردازد تا در حفاظت از امنیت ولایت مطلقه اش شریک باشند. عملکرد این نیروها سیمای ریاکار خامنه ای را برملا می کند. این نیروها به عنوان «الله و اسلام» به کشتار مسلمانان کمر بسته اند. کشتارهای سبّانه مردم عراق، سوریه و... نمونه ای روشن از حرص و طمع خامنه ای برای حفظ قدرت است. این شخصیت به بیان زردشتیان، اهریمنی و به بیان مسلمانان شیطانی با گفته زیر به بهترین نحو تعریف می شود.

ابلیس گفت؛ هان ای به ره مانده مُریدان نابکار، با نام ما چه کار،  
زین پس به سادگی نام خدا برید و به دل کار ما کنید.

این یادداشت در ستایش از مبارزه و پایداری مجاهدین خلق طی پنجاه سال گذشته می تواند به همین جا خاتمه یابد. اما همان گونه که یک انقلاب تنها یک کنش سیاسی نبوده و انباشتی از شور، شوق، غم، شادی، عشق، تخیل و رویای ملیونها تن از مردم است، یک سازمان و یا فرد انقلابی هم بدون این احساسها به طور کامل نمی تواند تعریف شود.

به گمان من هر انقلاب، اختراع، تحول و آرمانی، بدون رویا تحقق پذیر نیست. بنابراین سوال این است که مجاهدین با کدام رویا زندگی و مبارزه می کنند؟ آیا پاسخ مجاهدین به این سوال «جامعه بی طبقه توحیدی» و یا تحقق «اسلام دمکراتیک» است؟ من تاکنون از هیچ مجاهدی این سوال را نپرسیده ام. اما به گمانم اگر پاسخ آنان چنین باشد، به چند دلیل گنه مساله بیان نشده است.

اول آن که درک از این مفاهیم می تواند متفاوت و حتی از راس تا قاعده ناهمگون باشد. به سختی می توان درک یکسان و همگون از این مفاهیم را تصور کرد.

دوم آن که این مفاهیم به خاطر کلی بودن و بنابراین به میزانی انتزاعی بودن می تواند به یک دُگم یا تعصّب منجر شود که برای یک جریان پیشرو مهلک است.

سوم آن که تحقق چنین رویاهایی در مدت کوتاه عملی نیست و بنابراین در زندگی روزمره در حالی که طعم شیرین آن حس نمی شود، تلخی، سختیها و ناهمواریها می تواند ذهن و جان انسان را درهم شکنند. رژی دبره به درستی می نویسد: «اگر یک ملاک بلند مدت تاریخی نتواند تبدیل به ملاک کوتاه مدت سیاسی و عملی شود، انتظار این که چنین مفهوم مجردی بتواند پایه های استراتژی موثر در تاکتیک را بریزد بیهوده است.» (رژی دبره، نقد سلاح، برگردان: م. امین لاهیجی)

به خاطر این سه دلیل باید به دنبال چیز دیگری بود که نه فقط در کوتاه مدت که در لحظه به لحظه زندگی عملی باشد. این چیز دیگر و یا این رویا که نه با اندیشیدن به «مدینه فاضله» که با رفتار و کردار در هر شرایط قابل حس است، چیزی جز مبارزه برای بازیافتن «انسانیت خود» نیست. رویای انسانی که به دنبال بازیافتن و پروراندن انسانیت در خود است، رویای انسانی که «انسان» را در ثقل هر اندیشه و عمل خود قرار می دهد، رویایی دور و غیرقابل لمس نیست. لحظه به لحظه در جدال درونی و بیرونی می توان به میزانی انسانیت خود را پیدا کرد و پرورش داد و یا آن را ویران کرد.

با شناختی که طی چهل و چهار سال گذشته از مجاهدین خلق دارم، تصور می کنم رویای «انسانی که در تلاش برای بازیافتن انسانیت» خود است، عمیق ترین و در عین حال عملی ترین و قابل حس ترین و بدون تردید زیباترین رویا و نقطه مشترک همه اجزای این سازمان از راس تا قاعده است.

**آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران**

**در شبکه جهانی اینترنت**

**نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و**

**جهان**

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

## مسیر طولانی چانه زنی از "پول کثیف" تا "نظارت استصوابی"

منصور امان

در حاشیه صحنه سیاست در جمهوری اسلامی جنجال و هیاهو بر سر "جام زهر" هسته ای همچنان نقش اول را بازی می کند. آیت الله خامنه ای در تلاش برای مدیریت زیرمجموعه خود، با دادن یک تریبون تبلیغاتی به مجلس بر شدت و حرارت کشمکشها افزوده و تلاش او برای کانال دهی و پایین آوردن درجه صدای مخالفان توافقی وین، به نتیجه وارونه ای راه برده است.

درگیری پرده درانه و رُسوایی بار بر سر رد یا قبول "برجام" در حالی صورت می گیرد که در صحنه اصلی سیاست، جایی که تصمیمها ساخته و برای به تحقق گراییدن به میدان آورده می شود، دوران پسا توافقی دیرگاهی است که آغاز شده و گروه بندیهای درون دستگاه قدرت، سازگار با دوران جدید آرایش گرفته اند و یا در حال انطباق خود با آن هستند.

### نظارت استصوابی روی پیشخوان

نخستین نشانه آشکاری که ورود رژیم جمهوری اسلامی به دوران پسا توافقی را اعلام داشت، به میان افکنده شدن "نظارت استصوابی" در هنگامه جدال دو باند اصلی قدرت و تبدیل آن به موضوع بحث و مُشاجره علنی است. حُجت الاسلام حسن روحانی، رئیس جمهور رژیم مُلاها، با به چالش گرفتن شورای نگهبان و اختیارات رویایی آن برای "تعیین صلاحیت" و به بیان روشن تر، غربال و دست چین کردن نامزدهای آرگانهای انتخاباتی به سود باند حاکم، زیر ادعای جناح میانه حکومت برای گسترش سهم خود از کیک قدرت خط تاکید کشید. او نقش تازه ای را برای شورای نگهبان تعریف کرد و آن را "ناظر و نه مجری" خواند تا سپس ارگان تحت کنترل خود، دولت، را برکشد و بر جایگاه آن بنشاند: "آن جایی که باید بگوید فردی برای شرکت در انتخابات صالح است یا نه، هیاتهای اجرایی هستند."

حمله مُستقیم به باند غالب از این زاویه حساس، تلاش مهار ناپذیر "تیم مذاکره کننده" را برای ایجاد توازن جدید زیر "خیمه نظام" پس از دستیابی به توافقی با طرفهای خارجی به تصویر می کشد. جوهره سُخن آقای روحانی این است که ساختار قدرت نمی تواند منعکس کننده تعادل عینی نیروهای تشکیل دهنده آن نباشد، از این رو ضرورت دارد که دایره عمل ابزار "نظام" برای "مهندسی انتخابات" و تقسیم سهم نیز مورد تجدید نظر قرار بگیرد.

همانگونه که می توان تصور کرد، با این حال اشتیاق جناح میانه حکومت برای افزایش سهم خود در این شراکت تا آنجا پیش نمی رود که به طور جدی خواهان حذف نظارت استصوابی و برچیدن یک امکان حیاتی برای انحصار قهری قدرت در چنگ "نظام" به گونه عام گردد. آویختن آقای روحانی به استدلال "قانون" و "قانون اساسی" برای نقد شورای نگهبان، شاهد گویایی از این رویکرد و برخورد فرمال و نمایشی به آن است.

در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی با دو اصل ۹۸ و ۹۹، ریش و سبیل و قیچی انتخابات را به دست شورای نگهبان سپرده است، نقد و حمله به نظارت استصوابی با استناد به این قانون هر چیز جز تلاش جدی برای لگام زدن بدان و بیان مُحکم خواست در این باره است.

### مانور با پول کثیف

جناح میانه حکومت در اواخر سال گذشته نیز تهاجمی مُشابه را با هدف تولید فشار و چانه زنی بر سر تقسیم سهم در آرگانهای انتخابی سازمان داده بود. در این هنگام، وزیر کشور آقای روحانی دست به یک افشاگری جنجالی زد و از "ورود پول کثیف مواد مخدر به عرصه سیاست، انتخابات و انتقال قدرت" خبر داد.

این یک تهاجم روشن علیه باند رقیب به حساب می آمد که فیلتر و بیرون راندن نامزدهای آن را هدف گرفته بود. آقای رحمانی فضلی به باند رقیب هشدار می داد: "هم اکنون اسناد مُتعدد قضایی در خصوص ورود پول کثیف به حوزه قدرت در دست داریم."

با این حال، آنچه که جناح میانه حکومت با طبل و شیپور آغاز کرده بود، با یک ناله ضعیف و پس گرفتن خفت بار ادعاهای قبلی به انتها رسید. موضوع رُسوایی بار "پولهای کثیف" برای مُحقق ساختن اهدافی که در پس طرح آن وجود داشت، می‌بایست وارد پهنه مکانیزمها و ساز و کارهای حفظ و تحکیم قُدرت می‌شد؛ چتری که همه دسته بندیها و جناحهای "نظام" را بنا به درجه نُفوذ و توان شان در بر می‌گیرد.

تجاوز از مرز ادعا به عمل اما برای جناح مزبور که منافع چشم پوشی ناپذیری در بقای مُناسبات توزیع قُدرت دارد، همچون بُریدن شاخه ای است که بر آن نشسته. از همین رو نیز هیاهوی "پول کثیف"، با وجود ژست قابل توجه و سخت نمای آن، از سطح یک مأنور تاکتیکی و ارسال علامت هُشدار فراتر نرفت.

آقای رحمانی فضلی که از سوی اعضای باند ولی فقیه برای توضیح در باره مرز شکنی به مجلس مُلاها فراخوانده شده بود، از باند رقیب عُذرخواهی کرد و سُخنانش را با مُتهم کردن "رسانه" ها به "تحریف" آن، پس گرفت. جالب اینجاست که وی توضیح داد حرفهایش "فقط جنبه هُشدار گونه" داشته است.

### هیاهو برای هیچ

ابتکار جدید جناح میانه و گشودن درب بحث و مُشاجره پیرامون "نظارت استصوابی" نیز از این سطح فراتر نمی‌رود و کارکردی بیشتر از یک ابزار تاریخ مصرف دار برای جلب توجه باند رقیب ندارد. هر گاه آقای روحانی در نقد خود از شورای نگهبان و اختیارات ویژه آن جدی می‌بود، دستکم باید روشن می‌ساخت که چگونه قصد دارد این نقد را از سطح حرف و شکایت به میدان عمل آورده و در جایگاه رسمی خود به عنوان رییس قُوه مُجریه، چه گامی برای محدود کردن آنچه که بدان اعتراض دارد، برمی‌دارد.

همانگونه که طرح "پول کثیف" بدون ارایه برنامه و راهکاری برای مُبارزه جدی با آن به صحنه سیاست و تبلیغات افکنده شد، به همان شکل نیز در سُخنان جنجالی آقای روحانی جای یک راهکار مُشخص خالی مانده است. سُخن سرایی در باره اینکه جایگاه شورای نگهبان چیست و هیات اجرایی چه وظیفه ای دارد، گذشته از آنکه بیان کننده چیزی نیست، همزمان، ژستی توخالی به نظر می‌رسد که همتراز با اختیارات قانونی گوینده نیست.

آقای روحانی می‌تواند هر تفسیری از روال انتخاب نامزدهای انتخابات داشته باشد و هر عبارتی را بنا به حال و هوای روز در این باره بپردازد، اما وظایف و حوزه مسوولیت شورای نگهبان را او تعیین نمی‌کند، این امتیاز در اختیار قانون اساسی است و همانجا نیز با تعریف جایگاه شورای نگهبان، نه فقط تکلیف "نظارت استصوابی"، بلکه دایره مسوولیت "هیاتهای اجرایی" نیز روشن شده است.

بنابراین، تنها راه عملی برای تبدیل شورای نگهبان به "چشم" و کاهش اختیارات آن به نظارت صرف، رجوع به همین منبع است. مسیر تغییر و محدود سازی اختیارات نهاد مزبور از منزل تغییر قانون اساسی گذر می‌کند. خواست کنار گذاشتن "نظارت استصوابی" بدون آنکه اراده یا گام عملی برای تغییر قانون اساسی را پُشتوانه داشته باشد و بدون آنکه ابزار همه پُرسی در این باره را روی میز بگذارد، فقط یک ژست است.

آقای روحانی چون در حفظ مُناسباتی که امکان انحصار قُدرت در دست یک اُلیگارشسی سیاسی و اقتصادی را فراهم آورده منافع چشم پوشی ناپذیری دارد، بر هم زدن آن از طریق حذف یک ابزار مُهم تامین این هدف را به مصلحت خویش نمی‌بیند، به ویژه آنکه در حال حاضر اَلترناتیو مُشخصی نیز برای نشان دادن به جای "نظارت استصوابی" ندارد. از این رو، سُکوت او پیرامون پروسه و راهکار جلوگیری از مُداخله شورای نگهبان در نمایشهای انتخاباتی، آگاهانه و حساب شده است و خط و مرزهای جناح میانه حکومت را ترسیم می‌کند.

### اصلاح طلبان

نوآوری آقای روحانی در این است که یک ویژگی استبداد سیاسی - مذهبی با بار حساس اجتماعی و ظرفیت کشاندن بخشهایی از جامعه به میدان را به محور جدال تبدیل کرده است. در حالی که تاکنون جناحها و دسته بندیهای درونی

حکومت تلاش کرده اند، مانع ورود جامعه به اختلافها در "بالا" شوند و یا حداکثر به صورت کنترل شده و محدود آن را علیه رقبای خود به خدمت بگیرند، ورق زدن پرونده خلع ید جامعه از انتخاب شدن و انتخاب کردن آزادانه، در برابر نگاه همگانی و در محیط باز، یک ریسک خطرناک و بازی با آتش به حساب می آید.

جناح میانه در نظر به چالشهایی که برای تحکیم موضع خود در برابر آن قرار گرفته و نیز برای آنکه بتواند سود معامله "جام زهر" را به گونه سیاسی نقد کند، ناچار به تن دادن به خطر است. از سوی دیگر آنها گمان می کنند جامعه امتیاز ریختن "جام زهر" هسته ای به کام باند رقیب را به پای شان حساب می کند و از این رو امکان مدیریت آن را هم دارند. جناح مزبور برای پیشبرد پروژه نزدیکی به آمریکا و اروپا و گشایش مسیر مشارکت داده شدن در ترتیبات سیاسی منطقه ای و بازار اقتصادی جهانی، به رفع موانع قانونی موجود و نیز وضع تسهیلات قانونی جدید به شدت وابسته است. در این راستا مجلس دهم مَلاها نه تنها نباید مانعی برای به جریان افتادن و پیشرفت این پروسه باشد، بلکه ضروری است که به گونه فعال در نقش همراه قانونی تحولات ایفای نقش نماید.

تا آنجا که به پروسه عقب نشینی اجباری "نظام" و "نرمش قهرمانانه" آن برمی گردد، استفاده از امکانات سیاسی و اقتصادی که توافق وین در اختیار می گذارد، در چارچوب این استراتژی قرار می گیرد. باند ولی فقیه به خوبی آگاه است که "کلید" باز شدن صندوق تحریمها و درب فروش نفت و دادوستد جهانی در دست جناح رقیب است و تا زمانی که آنها در هیرارشی قدرت وزنه به حساب می آیند، غرب با کس دیگری دور میز معامله نمی نشیند.

از سوی دیگر، بدون داشتن این جناح در پیشاپیش صحنه مناسبات بین المللی که به "نظام" امکان بهره برداری از منافع و امکانات سیاسی سازش اُتمی را می دهد، عقب نشینی دردناک و هزینه دار هسته ای، یک پروژه عقیم خواهد بود که آقای خامنه ای و همدستانش فقط در خسارات و لطمه های آن شریک هستند.

از این رو، برای آقای خامنه ای و همدستانش نشان دادن درجه مُعینی از تفاهم نسبت به خواست رُقا برای داشتن سهم بیشتر از قدرت و مشارکت بیشتر در اعمال آن، نه یک انتخاب، بلکه اجبار و ضرورت فهم پذیر است. در این راستا، تقسیم گُرسیهای مجلس مَلاها و مجلس خبرگان بخشی از این تفاهم است. توافق هسته ای، دو جناح اصلی حکومت را گرد تقسیم این دو نهاد به توافق رسانده است. سازش مزبور در پهنه مجلس خبرگان به دلیل ژرفای آثار آن بر آینده دستگاه قدرت تنها به طور مشروط اعتبار دارد، در حالی که پیرامون ترکیب مجلس مَلاها نقاط چالشی حل و فصل پذیر هستند؛ امری که علت احتیاط آقای روحانی در برخورد به مساله "نظارت استصوابی" را نیز توضیح می دهد.

## برآمد

باند حاکم به کُنج رانده شده و آثار "جام زهر" جُرعه به جُرعه در حال پدیدار شدن در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی است. به چالش کشیده شدن قدرت یکه تازانه ولی فقیه در تصفیه و جراحی انتخاباتی به کُمک ابزار شورای نگهبان، نشانگر آن است که رُقا به خوبی بر تنگنای "آقا" آگاهی دارند و زمان را برای آوردن فشار بر وی، در بالاترین و حساس ترین سطحها مناسب دیده اند.

با این حال، نقد نظارت استصوابی تا هنگامی که در خدمت گشودن راه مشارکت و مداخله جامعه در تنظیم سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود از طریق انتخابات آزاد نباشد، از سطح تریبونی برای حل و فصل نزاع دسته بندیهای حکومتی فراتر نمی رود.

اعتراض نمایشی آقای روحانی به کنار، حتی برچیده شدن بساط غربالگری شورای نگهبان بدون خاتمه یافتن امر انحصار قدرت که بر فراز آن قرار دارد، در ماهیت استبدادی و تمامیت خواهانه قدرت مُسلط تغییری نمی دهد.

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

**در این شماره می خوانید:**

- اقتصاد سرمایه داری جهانی بین حباب و رکود اقتصادی
- بررسی نشست "جی ۲۰" و پاسخ "کار ۲۰"
- مهاجران آینه شکست نو - لیبرالیسم و پوزخند دیگری به انگاره "پایان تاریخ"

مارکس فرآیندهای انباشت را نخست در کوتاه کردن دست روستاییان و کشاورزان و در ادامه، استفاده از قدرت دولتی برای تخصیص ثروت به سرمایه دارها و در نهایت به نظام بین المللی مالی و بتدریج شکلی از برده داری توصیف می کند. اکنون ما شاهد این امر در سطح جهان هستیم.

### اقتصاد سرمایه داری جهانی بین حباب و رکود اقتصادی

بحران نظام جهانی سرمایه داری اکنون به همه ارکان سرمایه داری جهانی رخنه کرده است. هفت سال پس از سقوط "وال ستریت" در سپتامبر ۲۰۰۸، ناتوانی قدرتهای بزرگ سرمایه داری برای یافتن یک راه حل هماهنگ جهت حل بحران، ناشی از دشواری در درک و یا کمبود دانش آنان نیست. مانع، بس پایه ای و بنیادی تر است و آن تضاد حل نشدنی در نظام سرمایه داری می باشد.

کانون هشدار دهنده این دوره، وضعیت اقتصادی در چین است که رشد اقتصادی آن که در چند دهه بسیار جذابیت داشت، در سالهای اخیر به سمت پایین گرایش یافته، به طوری که برخی از اقتصاد دانان آن را "سقوط آزاد" توصیف کرده اند. از ماه ژوئیه (تیر ماه) سال جاری، از ارزش بازار سهام چین ۴۰ درصد کاسته شده است و این در بازارهای مالی بین المللی تاثیر گذار بوده است.



اگر چه بسیاری از مفسران اقتصادی و سیاستمداران، چین را به خاطر بحران کنونی سرزنش می کنند و آن را به بی کفایتی یا بی مسوولیتی این کشور ربط می دهند، اما واقعیت این است که بحران چین به بحران کل سیستم جهانی گره خورده است. با اینکه بحران می رود بخشی از این بحران هراس بازار در دیگر نقاط جهان باشد، اما به طور کلی بحرانها ریشه های عمیق تری دارند.

نقش کنونی چین در کشیدن بازار مالی جهانی به وضعیت فعلی، از تاثیرات فرو پاشی مالی سال ۲۰۰۸ در ایالات متحده آمریکا است که آنهم نتیجه قمار بازی در کازینوی سرمایه داری جهانی است. موقعیت کنونی نتیجه یک پروسه طولانی در چند دهه اخیر است که ۷ سال پیش به اوج رسید.

در نتیجه بحران مالی سال ۲۰۰۸، اقتصاد چین با مشکلات زیادی روبرو شده است. رشد اقتصادی این کشور به سرمایه گذاری وابسته بوده و به طور هراس آوری بر سیستم اعتباری تکیه داشته است؛ پدیده ای که از دیدگاه مارکسیستی فراتر از "انباشت" و یا تراکم خوانده می شود و آن هنگامی است که سرمایه گذاری بیشتر از ظرفیت سود بری به کار افتاده و این حالتی است که در چین روی داده است.

تولید ثروت برای نخبگان مالی به طور فزاینده ای از هر فعالیت تولیدی جدا شده و به قمار و حدس و گمان تبدیل شده؛ پروسه ای که در ایالات متحده به شکل عریان تری به چشم می خورد.



"ریموند دالیو"، رییس سازمان "بریج واتر" (از بزرگترین صندوقهای اعتباری یا بانکهای سایه در جهان) می گوید: "پولی که از تولید کالا به دست می آید، در مقایسه با میزان پولی که از این طرف به آنطرف دست به دست می شود، رقم ناچیزی است."

از ماه ژوئیه امسال که ارزش سهام در بازار چین دچار کاهش شدیدی شد، مشکل بزرگ دیگری نیز برای مقامها و طبقه حاکمه این کشور ایجاد گردید. مبارزات طبقه کارگر این کشور نیز اوج گرفته است. حکومت چین که "طبقه متوسط" را دایم به سرمایه گذاری و پس انداز در بازار سهام تشویق کرده است، اکنون باید پاسخگوی کارگران و زحمتکشانی که دسترنج خود را از دست می دهند، باشد.

اینک جهان شاهد رفتاری ناهمگون و نامتناسب از رژیم می است که زیر نام "سوسیالیسم" قماربازی با سهام راه می اندازد و در پیامد آن میلیونها کارگر را بیکار می کند. این در حالی است که حکومت چین بی پروا و آشکار تعهد خود را به بازار را با اختصاص هزینه ۲۰۰ میلیارد دلاری از خزانه دولتی جهت سر پا نگهداشتن ارزش سهام به نمایش می گذارد. با این حال، روزنامه "گاردین" می نویسد: "چین احتمالاً در موقعیت بهتری برای رفع توفان اقتصادی قرار دارد. اقتصاد چین در حال سقوط است. اما در همان حال که رشد اقتصادی صادراتی آن به مصرفی کشیده می شود، نرخ رشد اقتصادی این کشور همچنان ۷ درصد است که نزدیک به سه برابر آمریکا و بریتانیا می باشد. حتی اگر آمار رسمی چین نادرست باشد، باز هم نرخ رشد اقتصادی آن دو برابر بیشتر از کشورهای نامبرده است. این مشکل اقتصادی به گونه ای است که نیمی از جهان آرزوی داشتن آن را دارند."

بی ثباتی اقتصاد جهانی و بازار سهام نشان از در راه بودن دوران سختی دارد و پیامدهای تهدید آمیز آن را در هر گوشه ای از جهان می توان دید. کشورهای فقیر و ثروتمند، هر دو، نتایج سخت آن را تجربه کرده اند و یا به زودی در خانه آنان را نیز می زند. بدون شک تاثیرات حاد تر آن را کارگران و زحمتکشان تجربه خواهند کرد.

اما پاسخ طبقه حاکمه به بحرانها گسترش فزون تر ثروت و امکانات مجلل خود از جیب اکثریت جامعه است. یک اشرافیت بی رحمانه مالی، نهادهای سیاسی که توسط بانکها و شرکتهای غول پیکر جهانی خریداری می شوند و یک نظام سرمایه داری جهانی که به بن بست تاریخی خود رسیده، مشخصات این دوره است.

روزنامه گاردین با استناد به یک پژوهش، بدهیهای جهانی را ۵۷ تریلیون دلار اعلام کرده که در ۷ سال آینده به ۱۹۹ تریلیون خواهد رسید. این میزان نشان از ۴۱ درصد رشد بدهی دارد. بدهی همه اقتصادهای بزرگ در حال حاضر بیشتر از دیون آنها در سال ۲۰۰۷ است. این گزارش هشدار دهنده همچنین حاکی از آن است که بدهی خانوارها نیز به قله های جدیدی رسیده، در واقع به بالاترین سطح پیش از بحران ۲۰۰۸.

این بحران اقتصادی برای طبقه کارگر و زحمتکش به معنی شدت و حدت یافتن همان دوران سختی است که پیشتر تجربه کرده اند. آنها باید برنامه های خود را با شناخت از نیروهایی که در مقابل شان قرار می گیرند، داشته باشند. تاریخ به ما نشان داده است که طبقه حاکمه اگر بتواند توده مردم را با اجبار و یا اختیار وادار به پرداخت هزینه بحران کند، همیشه توانسته است از زیر بار آن هر چقدر هم که سنگین باشد، بیرون بیاید.

## بررسی نشست جی ۲۰ و پاسخ "کار ۲۰"

رهبران "جی ۲۰" به اقتصاد جهانی با دلنگرانی نگریسته اند. رشد کند اقتصاد جهانی، بیکاری، نابرابری و بی عدالتی در دستمزدها امری نیست که بتوانند آنرا پنهان کنند و بدون شک به پیامدهای اجتناب ناپذیر آن نیز آگاهی دارند.

صندوق بین المللی پول کاهش رشد اقتصادی را بار دیگر تذکر داده و اعتراف می کند که بهبود شرایط اقتصادی شکننده و ضعیف است. همزمان، به مشکل نابرابری

اقتصادی نیز آگاه است، این نهاد مالی در گزارش سال پیش خود ۲۰۱۴، اعتراف کرده بود که افزایش نابرابری بر رشد اقتصادی، انسجام اجتماعی و کاهش اعتماد در بازار و موسسات تاثیر گذار است این نهاد در یادداشتی که پیش از این



نشست تهیه کرده بود، بدین اشاره می کند که پیش بینی قبلی اش پیرامون اقتصاد جهانی که در ماه ژوئیه ارائه داده، کهنه شده و رشد به زیر میزان پیش بینی شده در آمریکا، اروپا و چین و کشورهای فقیر رسیده است.

"کار ۲۰" (کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری) خواستار فاصله گرفتن از تحمیل ریاضتهای اقتصادی از جی ۲۰



شده و می گوید: "اگر جی ۲۰ بخواهد به هدف وزرای دارایی که ۲ درصد رشد تولید ناخالص داخلی در ۵ سال آینده است برسد، باید استراتژی خود را تغییر دهد. کشورهای عضو باید جهت رهایی از بحران موجود، برای شکاف طبقاتی و بحران اشتغال که نیاز به ۸۱ میلیون شغل تا سال ۲۰۱۸ دارد، پاسخی روشن داشته باشند."

پیشنهاد کار ۲۰ به جی ۸ ترکیبی از افزایش دستمزد و سرمایه گذاری در زیرساختهای کشورها است که می تواند رشد ۵/۸۴ درصد و بیشتر از ۳۳ میلیون

شغل در مقایسه با ادامه وضعیت موجود ایجاد کند: "رشد اقتصاد جهانی در مجموع به میزان دستمزد بستگی دارد. هر یک درصد کاهش دستمزد، منجر به کاهش در تولید ناخالص داخلی جهان به میزان ۰/۳۶ درصد می شود. دستمزد کم، تخصص و مهارت کمتر و مشاغل مخاطره انگیز نمی تواند به رشد اقتصادی کمک کند."

"جان اوانس"، دبیرکل کمیته مشورتی اتحادیه ای (TUAC) هشدار می دهد که کشورهای عضو جی ۲۰ باید بدانند و فکر نکنند که راه رشد اقتصادی، دستمزد پایین و افزایش موقتی سود سرمایه دار است. در یک کلمه، جهان به افزایش دستمزدها نیاز دارد. وی در ادامه اعلام می کند: "باید برای مشاغل خوب سرمایه گذاری شود، در پروژه هایی برای زیر ساختهای پایدار و سرمایه گذاری برای جوانان. این قابل قبول نیست که یک چهارم جوانان در جهان نمی توانند کاری که مزد بیش از ۱/۲۵ دلار در روز پیدا دارد، بیابند."

با این حال، در نشست وزرای مالی و بانکهای مرکزی جی ۲۰ هم که در ترکیه برگزار شد، نشانی از خواست قدرتهای بزرگ سرمایه داری برای حل بحران اقتصادی جهان به چشم نمی خورد، زیرا آنان طرحی برای اقدامی موزن ندادند و در بنیانه پایانی نشست خود به ماست مالی کردن شدت بحران و اهمیت مدیریت اقتصادی و مالی پرداختند. در واقع هیچ بهبود اقتصاد جهانی در چشم انداز دیده نمی شود.

یک زنگ هشدار دیگر برای جی ۲۰ در هنگام برگزاری کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل در ماه نوامبر (آبان ماه) در پاریس به صدا در می آید. تغییرات آب و هوا در کره زمین به حل بحران اقتصادی بستگی دارد. بحران تغییرات اقلیمی نیز مهر و نشان بحرانهای سرمایه داری را بر خود حمل می کند.

### مهاجران، آئینه شکست نو - لیبرالیسم و پوزخند دیگری به انگاره "پایان تاریخ"



دهها و صدها هزار نفر از مردم ستمدیده جهان در اوج درماندگی ترک دیار و خانواده و میهن خود کرده و مهاجرت می کنند تا به زندگی بهتر و امنیت برای خود و فرزندان شان دست یابند.

در همین حال، سیاستمداران کشورهای پذیرا، نگران تاثیرات فرهنگ مهاجران به درون فرهنگ خود هستند و عده ای هم تصور می کنند پذیرش مهاجران به هجوم تعداد بیشتری از آنان می انجامد. فاشیستها به ویژه در آلمان، به تلاطم مهاجر ستیزی افتاده اند. این در حالیست که در برخی از کشورها، مردم از پناهجویان استقبال کرده اند.

اما ریشه اصلی این نابسامانیها کجاست؟ آیا امکان پرهیز از وضعیت کنونی وجود دارد؟ چرا اینهمه انسان خطر به جان خریده و ترک دیار می کنند؟ چرا مهاجران از سوریه، آفریقا و آمریکای جنوبی می آیند؟ پاسخها گوناگون است. شماری می گویند، این وضعیت ناشی از خشونت در جامعه، جنگهای داخلی، ستمگری، درگیریهای قاچاقچیان مواد مخدر در آمریکای لاتین و غیره است. اگر هم بپذیریم که چنین است، چه عواملی این چنین فضایی را ایجاد کرده؟ در بالا به طور مختصر به بحران سرمایه داری و فجایعی که زندگی میلیون انسان را به تباهی کشانده، اشاره شد. نگاهی به وضعیت اقتصاد سرمایه داری جهانی و تسلط نو - لیبرالیسم و سیاستهایی به نام "بازار آزاد" یا در واقع، سیاست گشایش اقتصاد کشورها به روی تجارت و سرمایه گذاری خارجی، آزادی جریان سرمایه به هر سو، مقررات زدایی، خصوصی سازی و کوچک کردن دولت که توسط طبقه حاکمه حکومتهای غربی طراحی شده، نشان می دهد که اگر چه نو - لیبرالیسم بر ثروت عده ای ناچیز افزوده و در جاهایی سبب رشد شده، اما ضررهای آن به اکثریت مردم جوامع آن رسیده. نو - لیبرالیسم با خود معیشت ناپایدار، اختلال در اشکال سنتی کشاورزی و تولید و همچنین حذف خدمات دولتی که برای سالها کمابیش ارایه می شد، آورده است.

روزنامه "بوستون گلوب" میزان رشد نابرابری را ۱۱ درصد در کشورهای با اقتصاد متوسط و یا فقیر اعلام کرده است. این آمار از دهه ۱۹۹۰ تا اواخر ۲۰۰۰، تکیه بر گزارش سازمان ملل دارد. (بوستون گلوب ۲۰۱۵ - شکست لیبرالیسم) کاهش کمکهای تحصیلی، بهداشت و درمان، سخت شدن دسترسی به آب پاک و نظیر آن، اموری است که زندگی را برای به حاشیه کشانده شده ها هر چه سخت تر می کند.

تنها یک نمونه از جهانی سازی اقتصادی و اثرات متعدد آن در زندگی مردم، فقدان شغل و کار برای جوانان است. بخشی از این جوانان توسط دارو دسته های تبهکار و یا گروههای اسلامگرای تروریستی به کار گرفته می شوند.

پیشتر و در دهه ۳۰، سرمایه داری توانسته بود از تنها راهی که در برابر خود و جهت ادامه حیات داشت، یعنی ایجاد شکاف هر چه بیشتر طبقاتی، به طور موقت درمان پیدا کند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظریه پردازان این نظام، "پایان تاریخ" را اعلام داشتند. اکنون شاهد تاریخی هستیم که با سرمایه داری پایان نیافته. سرمایه داری با حقایق تلخی روبرو می شود و آن موج مهاجرینی است که از کشورهای تحت ستم که حامی دیکتاتورهای آنان بوده است، می آیند.



پس لرزه های بحران اقتصادی ۲۰۰۸، ناکارآمدی سیستم سرمایه داری را که در مقررات زدایی، خصوصی سازی و مزد پایین تجلی می یافت، در سراسر جهان ملموس کرد. از اروپا تا "اقتصادهای در حال رشد" و از چاره اندیشیهای ناکارآمد برای بازسازی یک سیستم شکست خورده

با تحمیل ریاضت اقتصادی بر زحمتکشان، این ناتوانی مادی شده است.

هر کس مدعی شود که رکود اقتصادی سرمایه داری غرب برطرف شده، جدی فکر نکرده. روند ترمیم بحران، کند ترین و کسب بهره کمترین در تاریخ بوده است، چرا؟ زیرا صاحبان سرمایه آماده برای هر نوع سرمایه گذاری هستند، غیر از سرمایه گذاری در تولید! این وضعیت همچنان ادامه خواهد داشت و روشن است که در صورت عدم تغییر آن، اقتصاد غرب به مرحله رکورد اقتصادی تام و تمام وارد می شود.

همین جا است که خانم مرکل تا زمانی که چشمها به سوی اوست، نمایش محبت و انسانیت و همبستگی خواهد داد، اما در دراز مدت، طبقه حاکمه اروپا طور دیگری رفتار خواهد کرد و راه را بر مهاجران می بندد.

اکنون بستگی به جنبشهای اجتماعی، چپ و مهاجران متشکل شده دارد که ریشه های این مشکل را مد نظر قرار دهند و خواستار راه حلهای بهتر و پایدار شوند.

## آسیب شناسی و ایمنی شناسی یک جنبش

امید برهانی

پیشگفتار: تجمعات اعتراضی یکسال اخیر پرستاران در ایران که از یکی دو بیمارستان دانشگاهی در تهران آغاز شد و به سرعت به شهرهای دیگر سرایت کرد، نوید تولد بخشی نوین از جنبش اجتماعی ایران در کنار بخشهای کارگری، دانشجویی، زنان و معلمان را سر داد. این بار کارورزان سلامت، پرستار و بهیار و پیراپزشک وارد گود شدند و آرایش صحنه پیکار اجتماعی علیه تمامیت خواهی و بی عدالتی رژیم در قالب بوروکراسی بهداشت و درمان را تغییر دادند. برنامه اعتراضهای منظم و روز افزون این بخش از نیروهای کار که با پایداری و هدایت تنی چند از فعالان جامعه پرستاری، از تجمع چند نفره تا اعتراضهای گروهی شروع شد و به تعطیل کشاندن بخشهای غیر اورژانس مراکز درمانی، و در نهایت، تجمع عظیم در برابر مجلس و قرار تجمع سراسری در برابر وزارت بهداشت انجامید، از همان ابتدای شکل گیری، از چشم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پنهان نماند و برای نخستین بار به طور دقیق، مستمر و روزآمد در قالب اخبار "کارورزان سلامت"، همراه با نوشته های تحلیلی پیرامون وضعیت بهداشت و درمان و طرح به اصطلاح "تحول نظام سلامت"، در نشریه "نبرد خلق" (ارگان سازمان)، سایت "جنگ خبر" و صفحات اجتماعی وابسته بازتاب گسترده پیدا کرد، به طوری که بعد از مدتی مورد توجه رسانه های دیگر گروههای اپوزیسیون خارج کشور قرار گرفت و حتی در یکی دو ماه اخیر مهم ترین حرکتی اعتراضی پرستاران در صفحه "بی بی سی" و "صدای آمریکا" هم قرار گرفت. بد نیست که در یک سالگی این جنبش، نگاه تحلیلی کوتاهی بر مکانیزم شکل گیری، پایگاه اجتماعی و طبقاتی، بررسی تطبیقی با سایر جنبشهای ایران امروز، نقاط ضعف و قوت و آینده حرکت آن داشته باشیم.

### چرا و چگونه؟

سازمان نظام پرستاری از یک دهه پیش با هدف ایفای خواستههای صنفی پرستاران که تا این زمان فاقد شکل صنفی بودند، تشکیل شد. اما از آنجا که هر گونه شکل صنفی مستقل برای حاکمیتی که در قاموس حقوق صنفی و اجتماعی بی معناست، یک معضل به حساب آید. از همان ابتدا تلاش شد که سازمان بر اراده پرستاران نچرخد و در راس شورای عالی آن افراد دولتی و حکومتی نیز چپانده شوند. به زودی این اتفاق افتاد و نظام پرستاری به سرنوشت "سازمان نظام پزشکی"، "نظام مهندسی" و "خانه کارگر" دچار شد و کسانی چون میرزابیگی بر ریاست سازمان تکیه زدند که سابقه کینه ورزی با همکاران و خوش خدمتی او برای تشکیلات اداری فاسد درمان، در خاطر پرستاران مانده. جالب این که شخص نامبرده با حفظ سمت، معاون پرستاری وزیر بهداشت نیز هست! از همین جا می توان به میزان استقلال این نهاد پی برد. گرچه در شورای عالی نظام پرستاری افراد مستقلی چون شریفی مقدم هم حضور داشتند و همینها مدتی بعد تشکیلات "خانه پرستار" را برای دفاع واقعی از حقوق پرستاران به راه انداختند و با پایداری در این راه، رهبری و سازماندهی اعتراضهای پرستاران را بر عهده گرفتند.

### شکل رسمی و هدفمند جنبش از سال گذشته به دنبال اعتراض به سه طرح افتاد:

"طرح تحول سلامت" که بیمارستانهای دولتی و دانشگاهی را از بیماران سرپایی و بستری انباشت و حجم کار پرستاران را فوق العاده افزایش داد. "طرح مستند سازی و ارتقای بهره وری" که پرستاران را از کار تخصصی بالینی خود دور کرد و آنها را تا سطح منشی و میرزا بنویس تقلیل داد. "طرح پرداخت مبتنی بر عملکرد" که بسیار سلیقه ای، نابرابرانه و بی توجه به سختی کار پرستاران و پیراپزشکان، میزان دریافتی اضافه کار و کارانه آنها را به شدت کاهش داد. برای آگاهی بیشتر خوانندگان در باره این سه محور و پرهیز از تکرار، رجوع به شماره های پیشین نشریه "نبرد خلق" پیشنهاد می شود.

## پایگاه اجتماعی و طبقاتی / حلقه های اشتراک

اکثریت پرستاران و پیراپزشکان برخاسته از خانواده های طبقه متوسط شهری هستند و اگر چه سابقه این رشته ها به زمان راه اندازی مدرسه عالی پرستاری و بعد از آن دانشکده های پرستاری از دهه چهل باز می گردد، اما جمعیت غالب آنها را فارغ التحصیلان پس از "انقلاب فرهنگی" و بازگشایی دانشگاهها تشکیل می دهد. بنابراین، به لحاظ سنی در مجموع جمعیت جوانی را تشکیل می دهند. آنها به دلیل تحصیل در محیط دانشگاهی، با علوم مدرن آشنایی و با تفکر دانشجویی پیوند دارند. آکادمیک شدن کار پرستاری، دیدگاه جامع نگر و جامعه نگر در آموزش نوین بالینی و دستیابی به تکنولوژی نوین آموزشی و ارتباطات، از این گروه نیرویی حرفه ای ساخته است. شاید یکی از دلایل پروژه ارتجاعی تازه دولت و وزارت بهداشت یعنی تربیت پرشمار و خط تولیدی پرستار تجربی شش ماهه، راحت شدن از شر این بخش از نیروی تحصیل کرده و صاحب فکر کشور و افزودن بر خیل نیروهای کار کم آگاه و کم کارآمد که به طبع برای سیستم کم در دسر هم هستند، همین باشد.

از سوی دیگر، این گروه به دلیل کار فیزیکی دشوار و شیفتهای چرخشی، شباهت زیادی به نیروهای کارگری دارد و شرایط حاکم بر محیط کار در سالهای اخیر (تعداد کم نیرو، استاندارد نبودن تختها و بخشها، فرسودگی تجهیزات، ناهمگرایی سرپرستاران و مترونها با پرستاران تحت اختیار خود، نگاه قییم مابانه و پزشک سالارانه روسا و مسوولان، تفاوت در پرداختها، نبود امکانات رفاهی...)، این مشاغل را در زمره مشاغل سخت و زیان آور طبقه بندی کرده و میزان بالایی از نارضایتی در صاحبان آنها ایجاد کرده است.

به این ترتیب نیروی پرستاری را می توان حلقه مشترک نیروی دانشجویی تحول خواه و نیروی کارگری برابری خواه دانست و به طبع نقاط ضعف و قوت نیروهای یاد شده را می توان در این حلقه نیز سراغ گرفت.

گروه کثیری از پرستاران و پیراپزشکان، زن هستند. نابرابری در فرصتهای شغلی و میزان پرداخت، نگاه جنسیتی روسا و کارفرمایان به آنها، نداشتن آزادی در انتخاب پوشش، آرایش و روابط شخصی، خشونت‌های کلامی و فیزیکی در محیط کار و خارج آن، تنشهای خانوادگی ناشی از دشواریهای شغلی و مالی و به دنبال آن رواج طلاق و خود سرپرستی، این گروه را در حلقه زنان معترض، حق طلب و برابری خواه قرار می دهد.

در مقایسه با معلمان، به دلیل شرایط کار ویژه ذکر شده، پرستاران را می توان به کارگران نزدیک تر و سمپات تر دانست. اشتراک پیراپزشکان با معلمان نخست، داشتن تحصیلات و آموزشهای حرفه ای، دوم، زیر ستم بوروکراسی دولتی و وزارتی قرار داشتن و سرانجام تولید محصول غیر مادی کار این دو گروه - یکی دانش و دیگری سلامت - است.

## چرخه ی کار - تولید از نوع دیگر

کارگر به عنوان نیروی کار مولد جامعه به طور مستقیم در فرآیند تولید محصول، ایجاد سود و انباشت سرمایه نقش اصلی و برجسته را دارد. محصول عمل کارگر با یا بی تغییرات یا فرآوریهایی خاص به دست مصرف کننده می رسد. این محصول می تواند اولیه، واسطه و یا نهایی باشد. منظره پیش روی کارگر همان مرحله از تولید است که وی در آن حضور و نقش دارد، این در حالی است که نقش پرستار و پیراپزشک تولید یا کمک به تولید یک - و فقط یک - محصول است: "سلامت". سلامت، خود کالا، ابزار و سرمایه ای است که برای بقای خریدار و دارنده آن ضروری است و از آنجا که این خریدار یا دارنده به احتمال زیاد خود جزیی از نیروی مولد جامعه است، پس جایگاه کارورز سلامت در چرخه تولید، حفظ و ارتقای عاملی است که می تواند به حفظ و باز تولید نیروی کار و تسلسل چرخه تولید بینجامد.

با نگاهی کلاسیک به کارورز سلامت می توان دریافت که او با سوژه ای انسانی به نام "بیمار" سر و کار دارد. تضاد بین کارورز و کارفرما هم از همین جا ناشی می شود. بر خلاف کارفرما و سرمایه دار، درمانگر سوژه خود را به شکل ابزار یا ماشین تولید یا منبع سود و سرمایه نمی بیند. گرچه با وجود بحران اشتغال و اقتصاد و رواج مناسبات سرمایه دارانه و کاسبکارانه این سالها در ایران، برقراری رابطه پولی بین پزشک و پرستار از یکسو و بیمار از سوی دیگر، به شکل رشد سرسام آور و قارچ گونه مراکز درمانی و پرستاری خصوصی در شهرهای بزرگ خودنمایی می کند که با موسسات مالی،

بانکهای خصوصی، شرکتهای بیمه و موسسات خدماتی به رقابت برخاسته اند، اما در انتهای این رابطه سوداگران، کالای واقعی سلامت نصیب مصرف کننده می شود نه کالاهای کاذب دیگر. درمانگر به دلیل آموزه های اخلاقی سنتی و حرفه ای، اشتراک احساسی و عاطفی با دیگر انسانها و داشتن تجربه مشابه در مورد بیماری خود یا نزدیکان، به گونه ای ناخودآگاه نگاه و عملکردی بشردوستانه و سمپاتیک به سوژه خود یافته و با او به وحدتی انسانی می رسد.

## آسیب و ایمنی

این وحدت سمپاتیک و انسانی خود یکی از مهم ترین ضعفهای ناگزیر کارورزان سلامت از لحاظ چگونگی اعتراض به وضع موجود و شرایط کاری و فرم مبارزات صنفی آنهاست. درمانگر نمی تواند و نباید دست به اعتصاب کامل بزند. اعتصاب او همزمان با متوقف ساختن چرخه تولید و سود، به موجودی انسانی که دارای خانواده و "حق حیات" است نیز ضربه می زند. از همین رو در بیشتر مواقع، اعتصابهایی این صنف با حفظ مسوولیتها در بخشهای اورژانس همراه است. تضاد بین مسوولیت حرفه ای - اخلاقی با حرکات کنترل نشده در هنگامه اعتراض و اعتصاب می تواند احساس گناه در فرد و انشقاق در گروه ایجاد کرده و چنانچه با تبلیغات منفی و اتهام زنی از سوی دستگاه اداری و قدرت حاکمه مواجه شود (که می شود)، آماده سر خوردگی درونی و سرکوب بیرونی خواهد شد.

جنبه دیگر آسیب پذیری جنبش پرستاری به نوپایی و جوان بودن بیش از حد آن بر می گردد. به ترتیب سن و سابقه، جنبش کارگری با پیشینه تقریبی دست کم یک قرن، یعنی از زمان باز شدن پای صنایع خرد و بزرگ در کشور و همزمان، رشد فرهنگ آزادی خواهی، پیدایش گرایشهای چپ حامی حقوق کارگران و نفوذ اندیشه مارکسیستی و پدیده انقلاب مشروطه ریشه گرفت، با تجربه تاریخی تهاجم نظامی امپریالیستها به کشور در شهریور بیست، کودتای ضد مردمی ۲۸ مرداد، پیدایی و رشد جنبش چریکی دهه ۴۰ و قیام ۵۷ پخته شد و در دوران سلطه شرکت سهامی خاص ولایت و شرکا به اوج توان و بالندگی خود رسید و امروزه می توان آن را بزرگترین و منسجم ترین نیروی کار مخالف و کابوس رژیم دانست.

جنبش دانشجویی همین روند تکاملی را از زمان پایان پهلوی اول و شهریور بیست طی کرد. حرکت معلمان از اردیبهشت ۱۳۴۰ به دنبال اعتصاب سراسری معلمان شکل رسمی یک جنبش را به خود گرفت. جنبش زنان هم بلافاصله بعد از تسلط رژیم جمهوری اسلامی و در پاسخ به دیکتاتوری و رفتارهای مرتجع و ضد زن این رژیم آغاز شد و دوام یافت. در مقام مقایسه، جنبش پرستاران هیچیک از مراحل و تجربیات تاریخی گذشته را نگذرانده و چون این گروه بیشتر عمر تحصیلی و کاری خود را در عصر چیرگی رژیم جمهوری اسلامی، "انقلاب فرهنگی" و تصفیه های دانشگاهی و در شرایط نبود آزادیهای سیاسی و اجتماعی، گسترش سانسور و تبلیغات رسمی و غیر رسمی ایدیولوژیک گذرانده، از افکار انقلابی و مترقی خالی ست، از فقدان پشتوانه تئوریک و روحیه مبارزه طبقاتی رنج می برد، گرایش مذهبی اش به نسبت زیاد است و در مجموع به نظر می رسد که با ساختار حاکمیت مرزبندی روشنی ندارد. به همین دلیل است که در اکثر تجمعات و اعتراضهای خود بر باور داشتن و وفاداری به نظام و حمایت از "دولت تدبیر و امید" تاکید دارد. حتی گاه پا را فراتر گذاشته و با شرکت در مناسباتی چون راهپیمایی روز قدس و اعلام برائت و دوری از گروههای اپوزیسیون خارج از کشور، دست به مانور ارتجاعی می زند.

این رویکرد با پوشش رفرمیستی با توجه به ویژگیهای یاد شده و دشواری اعتراض و مبارزه، چندان عجیب به نظر نمی رسد و از قضا تا اینجای کار برای این جریان نوعی چتر ایمنی فراهم کرده و آن را از اتهام سیاسی بودن و حرکت و دشمنی با نظام مصون داشته است و این در شرایط فعلی نقطه قوت جریان محسوب می شود. پرسش اما این است که تا کی می توان زیر این چتر پناه گرفت و همزمان بر آن خرده گرفت و امید اصلاح داشت؟

## آینده نزدیک، آینده دور

جنبش پرستاری در یکسالگی خود تا امروز توانسته به موفقیت‌هایی دست یابد. رای آوردن کاندیداهای مورد حمایت جامعه پرستاران در انتخابات اخیر نظام پرستاری، وادار کردن وزیر بهداشت به عذرخواهی رسمی و رسانه ای از پرستاران بابت "کف خیابانی" نامیدن اعتراض‌های آنها و از همه مهم تر، عقب نشینی ماه گذشته وزارت بهداشت از "طرح پرداخت مبتنی بر عملکرد" و واگذاری آن به بیمارستانها از این جمله اند. اما از آنجایی که نگاه رژیم به مردم همیشه غیر انسانی و بی اعتنا به حقوق اساسی آنها بوده و تجربه دولتهای برکشیده پیشین هم نشانی از اعتنا به حقوق اقتصادی، آموزش، بهداشت و درمان مردم به طور کلی و حقوق بگیران، محرومان و نیروهای کار به طور ویژه نداشته است، تکرار رفتار غیر مسوولانه و نگاه از بالای وزیر تحفه "دولت تدبیر و امید" با پرستاران و پیراپزشکان هم چندان عجیب و دور از ذهن به نظر نمی رسد. شاهد این ادعا، توهین دوباره وزیر بهداشت به پرستاران در صحن مجلس است که هنوز زمان چندان از عذرخواهی پیشین وی نگذشته، در مخالفت با قانون از پیش تصویب شده تعرفه گذاری خدمات پرستاری، تمام خدمات کد دار و تعرفه پذیر پرستاران را در عبارت بی ادبانه "آپول زدن به اندامهای تحتانی و فوقانی مردم" خلاصه کرده و به این ترتیب با بر انداختن قبای گشاد وزارت، هم چهره لمپن و ذهنیت ارتجاعی خود را در برابر دید و داوری جامعه و زمانه می گذارد و هم پایبند نبودن به قانون و ایستادگی در برابر مطالبات نیروهای پرستاری را با صدای بلند فریاد می زند. جنبش پرستاری باید این اشارات را ببیند.

وزیر و همفکرانش اجرای طرح ناعادلانه و نادرست پرداخت مبنی بر عملکرد را به بهانه نبود زیر ساختها و نرم افزارهای لازم! به روسای بیمارستانها واگذار کرده اند. سرنوشت این طرح در دستان آنها نامعلوم است و هیچ تضمینی بر اعاده حقوق پرستاران وجود ندارد. دولت و وزارت بهداشت در زمان فراوانی بودجه، دلیل و ضرورتی در تامین خواسته ها و حقوق پیراپزشکان و اجرای قانون تعرفه گذاری ندیدند، حال که "طرح تحول سلامت" به خاطر کسری شدید بودجه در آستانه ورشکستگی ست، بی تردید دیگر "حقی" در کار نخواهد بود تا کسی بخواهد آن را ایفاد و یا کسانی آن را احقاق کنند. فعالان پرستاری باید نکته ها را دریابند.

جنبش پرستاری باید دیر یا زود به این نتیجه برسد که سینه زدن مصلحتی یا حسابگرانه زیر خیمه نظام و چتر ولایت و همزمان سینه سپر کردن در برابر کارگزار همین نظام که بخشی از برنامه ثابت روزانه یا هفتگی اش ملاقات این آیت الله و درک محضر آن مرجع تقلید است، چیزی جز وقت کشی و آب در هاون کوبیدن و در نهایت، درغلتیدن به ورطه واپسگرایی همذات پندارانه با این دشمن خانگی خود ساخته نیست. جنبش پرستاری باید بداند که در حالی که تشدید رفتارهای ضد انسانی در قبال زندانیان و فعالان سیاسی و افزایش بی سابقه اعدام، اختلاس، فساد و رقابتهای جناحی و... دامنه اعتراضها را روز به روز گسترده تر و رادیکالیزه تر کرده و آنها را از حصار تنگ خواسته های صنفی فراتر می برد، چسبیدن به شعارهای وفادارانه و رفرمیستی برای رژیمی که در آن حلقه وفاداران روز به روز تنگ تر و پهنای باند مخالفانش روز به روز گسترده تر می شود، تنها به جدا افتادن از بدنه جنبش جمعی و ایجاد شکاف در صفوف معترضان خواهد انجامید و در این وقت چنانچه رژیم از پس مخالفان قسم خورده و استخوان دار خود (کارگران، دانشجویان، زنان و اقلیتهای دینی) برآید، دوباره به سراغ مخالفان وفادار خود باز می گردد و به جای ایفای حقوق آنها، حق شان را کف دست شان خواهد گذاشت!

رهبران جریان پرستاری باید بپذیرند که گروه هدفشان جزو نیروهای کار بوده و این نیرو باید رابطه خود را با سایر نیروهای کار تعریف و مرزهای خود را با حاکمیت مشخص کند. رویکردهای نو - لیبرالیستی دولتهای سر کار آمده تا به امروز، از جمله عدم استخدام، شرکتی کردن نیروهای تحصیل کرده، کاهش حقوق و مزایای رفاهی، تعدیل و در حقیقت اخراج نیروها و سیل مهاجرت این نیروها، باید این فعالان را متقاعد کرده یا بکند که ماهیت سوداگرانه رژیم جمهوری اسلامی در اساس در تضاد با نیروهای کار بوده و نباید به این امام زاده دروغین دل و دخیل بست.

پندی برای یکسالگی

باده با محتسب شهر نوشی زنهار بخورد باده ات و سنگ به جام اندازد (حافظ)

## خصوصی سازی متکی بر رانت، تحکیم استبداد (قسمت آخر)

شهره صابری

خصوصی سازی با بازگشت اقتصاددانان مدافع نظم موجود به مباحث کلاسیک که انباشت سرمایه و توزیع نابرابر منابع را برای توسعه کشورهای پیرامونی ضروری می دانستند، سرعت بیشتری گرفت. طرح این ادعا نه تنها باعث پیشرفت و توسعه ی این کشورها نیست، بلکه سیاستی به سوی تامین منافع هسته ی نظام سرمایه داری است. این سیاستها شکاف طبقاتی در این کشورها را عمیق تر میکند و به طور نظام مند سبب تامین منافع هسته ی نظام سرمایه داری می شود. در ایران و به طور کلی در سرزمینهای شرقی شرایط جغرافیایی که مسبب پراکندگی شدید مناطق حاصلخیز بود از به وجود آمدن طبقات دارای تشکل و منافع مشخص جلوگیری کرد. از آنجا که مناطق آباد و حاصلخیز همواره مورد هجوم قبایل و اقوام دیگر که در مناطق غیر حاصلخیز می زیستند قرار می گرفت، تجهیزات و آنچه تا آن زمان به دست آمده بود از میان می رفت و به دنبال آن اشرافیت زمین دار نیز شکل نمی گرفت. زیرا مالکیت به طور بلند مدت در دست نبود و زمینه ی تشکل زمین داران وجود نداشت. این از اسباب تحکیم استبداد در سرزمینهای شرقی و ریشه دواندن آن بوده است. بر این زمینه که شرح آن در نوشته های پیشین بود، خصوصی سازی جز تحکیم استبداد نتیجه ای نداشت و تماما متکی بر رانت بود. در هم آمیختگی استبداد در ایران و سیالیت نظام سرمایه داری و جهانگیر شدن آن با بهره کشی از بازارها و منابع در هم آمیختند و اتکای آن بر رانت و تحکیم استبداد را فراهم کردند.

پیش رفتن به سوی اقتصاد رقابتی و آزاد نه تنها مطابق نظر اقتصاد دانان مدافع نظم موجود موجب رسیدن سرزمینهای پیرامونی به وضعیت هسته ی نظام سرمایه داری نمی شود، بلکه موجب ظاهر شدن صورت جدیدی از مناسبات در ایران خواهد شد. در این وضعیت مبارزات در ایران با پیچیدگیهای بسیاری مواجه است. آن ترتیب خاص از دولتهای غربی در ایران عملاً شکل نخواهد گرفت. فاکتورهای رشد کشورهای غربی همچون آزادیهای فردی و رقابت، در شرایط ایران به وجود نخواهد آمد. در اینجا دولت حافظ انحصارات و اقتصاد آزاد و رقابتی نیست زیرا عمق بنیانهای استبداد و عقب ماندگی تاریخی در ایران خصایص متفاوتی را بروز می دهد. اساس این برنامه ها یعنی اقتصاد آزاد و تعدیل اقتصادی در ایران که زمره های آن از دوران تدوین برنامه ی دوم پنج ساله پس از انقلاب آغاز شد؛ خصوصی کردن فعالیتهای اقتصادی یا آزاد سازی و کاهش مداخله ی دولت در امور اقتصادی بود. مثلاً طیبیان که به عنوان بنیان گذار گرایش اقتصاد آزاد و تعدیل در ایران پس از انقلاب شناخته می شود، در مورد این برنامه ها و خطوط فکری موجود در دولت در مصاحبه ای با بهمن احمدی امویی می گوید: "فهمیدم در بدنه ی اقتصاد دانان ایران دو خط فکر وجود دارد. یک خط که مبنای آن احترام به حقوق و آزادیهای فردی است و یک گروهی که مبنای بحثهای آن عدم شناخت و قائل نبودن به حقوق و آزادیهای فردی است. وقتی شما قائل به آزادی و حقوق فرد باشید و اگر مبنای دموکراسی و رفتار دموکراتیک را بپذیرید، لاجرم نتایجی که از آن در حوزه ی اقتصاد به دست می آید، جز اقتصاد آزاد و رقابتی چیز دیگری نیست بعد اگر اقتصاد آزاد و رقابتی را پذیرفتید به تبع آن ترتیب خاصی از کارکرد دولت حاصل می شود. در این حالت دولت باید زمینه ساز و فرصت ساز باشد و سعی کند برابری فرصت را ایجاد کرده و آن شرایط را حفظ کند. سعی کند امتیازات را حذف کند. سعی کند در جایی که بخش خصوصی شکست می خورد آنرا تقویت کند. در کالای عمومی چون راه، بهداشت، تامین اجتماعی، دانشگاه و تا حدودی در تحقیقات باید متمرکز شود و در جایی که مردم می توانند کار کنند تمام فضا را به مردم واگذارد. وقتی هم دولت چنین سیستمی را بنا نهاد بحث بر سر این می شود که دولت بتواند ثبات کلی کشور را حفظ کند. حال به مسائل امنیتی و دفاعی کاری ندارم. این که تورم باید پایین باشد و باید بودجه ی متعادل و همچنین سیاست پولی منضبط داشت." همه این گفته ها بی پایه و اساس و کپی برداری از منابع تئوریک لیبرالی و نئولیبرالی بدون توجه به وضعیت موجود است. هیچ مطابقتی با شرایط و اقتضائات نظام موجود در ایران با این اراجیف صرفاً تئوریک وجود ندارد. ساده گذشتن از جایگاهی که ایران و هر کشور پیرامونی دیگر در زنجیره ی نظام طبقاتی و بهره کشی جهانی دارد، در نظر نداشتن نظام طبقاتی در ایران و خصایص متفاوت آن و نیز نظام استبدادی در ایران این گفته ها را بسیار بی پایه و



اساس کرده است. تعدیل اقتصادی اساسا به دنبال سرمایه گذاری خصوصی و هم چنین به دنبال آن تجارت آزاد است. تعدیل اقتصادی به دنبال این است که هر گونه نظارت بر بهره کشی از نیروی کار، منابع و بازار را از بین ببرد و برای اینکه قیمت ها و دست مزد ها و نرخ ارز خود به خود با همان بازوی پنهانی که لیبرالیسم از آن می گوید تنظیم شود و با دخالت های دولت این تعادل بر هم نخورد. مانعی بر سر راه تجارت آزاد نباشد، موانع گمرکی از میان برود، سیاست گذاری های اجتماعی به صورتی که در دولت های مستقل اعمال می شد از میان برداشته شود و حمایتی نیز در مورد دستمزدها در میان نباشد تا توسعه و رونق در همه جای جهان برقرار شود. اما این سیاستها همه به دنبال این هستند که منافع هسته ی نظام سرمایه داری را فراهم کنند. بازار های گسترده برای آن مهیا کنند و قشر دلال بورژوازی سرزمین های پیرامونی را فربه کنند و نیز منابع این سرزمینها را به تاراج ببرند. همواره امپریالیسم ملازم و قرین سیاست های لیبرالیستی است. مطابق این سیاست دولتها هیچ تعهدی در مقابل صنایع و نظام اقتصادی ندارند، نرخ ارز به بازار آزاد واگذار می شود، محدودیتهای گمرکی از میان می رود و همچنین دخالت های دولت در تعیین دستمزد از بین رفته یا محدود می شود.

هم اکنون در ایران گسترش مناطق آزاد تجاری صنعتی، افزون شدن عدم دخالت دولت در نظام اقتصادی از نتایج و تظاهرات برنامه ی مربوط به تعدیل ساختاری و اقتصادی است. حال باید دید که این برنامه و سیاست عملا چه نتایجی بر نظم طبقاتی در ایران داشته است؟ وجود استبداد در عدم وجود منافع مشترک طبقاتی تظاهر یافته است، چنانچه حاکمیت در ایران خود را بلامنزاع می بیند.

خصوصی سازی که یکی از ابزارها و شیوه های رسیدن به تعدیل ساختاری است، نتوانسته فضای رقابتی ایجاد کند. درآمدهای ایجاد شده در ایران که ناشی از پول نفت و کمکها و وامهای خارجی است، اغلب به صورت نقدینگی و در اختیار افرادی معدود است که در پایتخت متمرکز شده اند و به اعمال سود جویانه دست می زنند. مقدار کمی از آن صرف سرمایه گذاری در تولید می شود. تمامی اعمال سودجویانه ی این افراد معدود مرتبط با شبکه ی نهادهای پیشرفته و تقلیدی از اقتصادهای هسته ای نظام سرمایه داری است. این افراد استثنایی و تافته های جدا بافته هستند که از بقیه مردم جدا و کاملا از آفات و مضرات گریبان گیر اکثریت مردم مصونند. این معدود افراد تمایلی به واگذاری صنایع به افراد دیگر ندارند و از طرفی هم صنایعی آنچنان سود آور و مشابه صنایع غربی در کشورهای پیرامونی و از جمله ایران موجود نیست و اگر هم در برخی موارد چنین صنایعی موجود باشد، این تافته های جدا بافته تمایلی به واگذاری آن نخواهند داشت. آنچنان که هم اکنون در ایران می بینیم. از طرفی گفته اند که باز شدن دروازه ها بر سرمایه ی جهانی که خود تحت تسلط سرمایه ی انحصاری است، می تواند موجب توسعه ی سرزمین های پیرامونی شود. گرچه قرار بر این است که یگانگی جهان تحت سلطه ی این نظام صورت گیرد، اما آیا شدنی است که سهام اروپا و آمریکا در بانک جهانی بیش تقریبا ۸۰ درصد باشد و در این مهمترین نهاد سرمایه داری، آزادی و رقابت آزاد با مناطق پیرامونی وجود داشته باشد؟

مطمئنا واگذار کردن نرخ ارز به بازار آزاد، از میان بردن محدودیتهای گمرکی و حذف انواع حمایت های دولتی از صنایع و حمایت های رفاهی و سیاست گذاری های اجتماعی با شرایط ذکر شده آیا می تواند به توسعه منجر شود؟ مطابق تعاریف آکادمیک و در منابع تئوریک لیبرالیسم آیا توسعه ی انسانی، توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی و... می تواند در سایه ی فقر شدید و تشدید شکاف طبقاتی که موجب انواع نا بسامانی های اجتماعی است انجام شود؟ مطمئنا بلامنزاع بودن استبداد در ایران و عدم ایستادگی قطعی در برابر تجاوزات نظام سرمایه داری به کارگران و محرومان روز به روز عقب ماندگی در ایران را گسترش خواهد داد. از سویی انحصار این افراد معدود وابسته به رژیم در منابع و صنایع موجب شده که یکسره این نظام اقتصادی بر رانت برقرار باشد. عدم بهره مندی غیر وابستگان به حکومت از صنایع، تورم و فقر و فلاکت مردم را موجب شده است. چرا که عرضه ی تمامی محصولات در دست کسانی است که به انواع امکانات سرکوب مجهز هستند و هر طور که بخواهند عرضه کالا و خدمات را کنترل می کنند. عرضه محدود به همین عده از افراد است. و نیز کنترل قیمت ها نیز در دست همین معدود افراد است که رانت را نصیب آنها می کند. این افراد که وارثان صنایع سودآور تا اکنون بوده اند به راحتی از طریق نرخ ارز، عدم وجود محدودیتهای گمرکی که یکی از وسایل مربوط به تعدیل ساختاری بوده است و از سر باز کردن تعهدات و حمایت های اجتماعی از مردم رانت خواری کرده و منابع مالی عظیم به جیب زنند. اختلاس، دست

یافتن انحصاری به منابع، روابط خانوادگی و... همه زمینه هایی بوده اند که سبب فربگی حاکمیت دلال ایران شده است. مظاهر رانت خواری و تشدید آن به دنبال اعمال سیاست تعدیل ساختاری و خصوصی سازی بسیار واضح است. در صناعی چون پتروشیمی، خودرو سازی، تولید نفت و گاز، صنایع غذایی و... وجود درآمدهای مازاد و غیر منطقی دلیلی بر رانت خواری در حاکمیت دلال ایران است. این وضعیت کثافت بار روز به روز همپای اجرای سیاستهای مربوط به تعدیل ساختاری و خصوصی سازی گسترش خواهد یافت و در نتیجه موجب تشدید فلاکت، مذلت، فقر و شکاف طبقاتی در جامع ایران خواهد شد. بنابراین مبارزه علیه نظام طبقاتی در ایران به شناخت و عمل علیه حاکمیت ارتجاعی گره و قابل چشم پوشی نیست. پایان

## سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

### برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۹۴

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

#### ۱۰۱ حرکت اعتراضی

\*روز یکشنبه اول شهریور، تعدادی از دارندگان مسکن مهر مرودشت به علت تاخیر به وجود آمده در واحدها تجمع کردند. به گزارش مرودشت نا، دارندگان مسکن مهر مرودشت در پاسخ به تاخیر به وجود آمده در تحویل واحدها، تجمع کردند.

\*صبح روز یکشنبه اول شهریور، کارگران مجتمع مس سرچشمه در جلسه پاسخگویی به مطالبات شان با پرتاب کفش از مدیر عامل شرکت صنایع ملی مس ایران، استقبال کردند. به گزارش بابک آنلاین، کارگران شرکتی مس منطقه کرمان به علت عدم امنیت شغلی و تبعیض در پرداخت امتیازات خود؛ در چند روز اخیر دست به اعتراض و اعتصاب زده و خواستار رسیدگی به مشکلات و استعفای مرادعلیزاده مدیر عامل شرکت صنایع ملی مس ایران از مسئولان بودند.

\*روز یکشنبه اول شهریور، تعدادی از کارکنان تعمیرات بخش انتقال نیروگاههای استان تهران که شاغل در شرکت برق منطقه ای تهران هستند در مقابل وزارت نیرو تجمع کردند. به گزارش تسنیم، یکی از این تجمع کنندگان گفت؛ ما از کارکنان بخش تعمیرات انتقال نیروگاههای شرکت برق منطقه ای تهران هستیم که حدود ۶ ماه در پرداخت حقوق ما اختلال ایجاد شده است و هیچ پاسخ روشنی برای زمان پرداخت معوقات به ما داده نمی‌شود.

\*روز یکشنبه اول شهریور، رفتگران شهرداری فومن در اعتراض به عدم پرداخت معوقات و حقوق خود دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارگران نارنجی پوش شهرداری فومن به علت عدم پرداخت معوقات چهار ماهه و حقوق خود امروز دست از کار کشیدند و در ساعت ۴ بعد از ظهر در محل قدیم آتش نشانی فومن تجمع کردند. این سومین تجمع رفتگران فومنی در ده روز گذشته بوده است.

\*کارگران شرکت سداد، مجری ساخت ۱۱ کیلومتر باقی مانده آزاد راه رشت - قزوین از صبح روز یکشنبه اول شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق شان تجمع کردند.



به گزارش واحد مرکزی خبر، این تجمع در حاشیه ۱۱ کیلومتر باقی مانده آزاد راه رشت - قزوین در محدوده منجیل صورت رفت و کارگران اعلام کردند که حدود ۵ ماه است که حقوق آنها پرداخت نشده است.

\*روز یکشنبه اول شهریور، کارگران اخراجی کارخانه سیمان کارون جلوی درب ورودی کارخانه تجمع کردند. به

گزارش ایلنا، به حدود ۳۹ تن از کارگران قراردادی شاغل در کارخانه سیمان کارون در شهر کلگیر شهرستان مسجد سلیمان اعلام شده است که به دلیل اتمام اعتبار قرار داد کارشان دیگر برای آنها در این واحد صنعتی شغلی وجود ندارد. در این واحد تولید کننده سیمان بیش از ۳۲۰ کارگر رسمی، قراردادی و پیمانی مشغول به کار هستند که هر کدام از آنان دو ماه حقوق طلب دارند.

\*روز دوشنبه ۲ شهریور، تعدادی از کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد در اعتراض به ادامه بی پاسخ ماندن خواسته های خود در محوطه فرمانداری شهرستان مهاباد تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مجتمع کشت و صنعت مهاباد شامل کارخانه های «کشت و صنعت مهاباد»، «مجتمع دامداری و صنعتی مهاباد»، «مجتمع هما مرغ مهاباد» و «سردخانه زمزم مهاباد» است. این تجمع اعتراضی در روز سه شنبه ۳ شهریور برای دومین روز متوالی ادامه پیدا کرد.

\*روز سه شنبه ۳ شهریور، جمع کثیری از کارگران کفش بلا در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع اعتراضی در تهران زدند. به گزارش اشتراک، کارفرمای کارخانه کفش بلا از پرداخت بیش از ۳۰ ماه دستمزد و مطالبات کارگران شاغل در این کارخانه خودداری می کند.

\*روز دوشنبه ۲ شهریور، تعدادی از بازنشستگان پالایشگاه آبادان به منظور پیگیری بخشی از مطالبات مزدی خود در مقابل وزارت نفت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان که در رابطه با خواسته های خود پلاکارتهایی نیز در دست داشتند، خواستار دیدار با مسئولان وزارت نفت بودند. سومین روز تجمع کارگران بازنشسته پالایشگاه آبادان در مقابل وزارت نفت روز چهارشنبه ۴ شهریور، برگزار شد.

\*به گزارش هفتکل نیوز، روز چهارشنبه ۴ شهریور، تعدادی از کارگران شرکت نمک زدایی، مقابل فرمانداری هفتکل تجمع کردند. به گفته یکی از کارگران؛ بیش از ۹۰ درصد از کارگران این کارخانه متأهل هستند و تا کنون ۴ ماه است که کارگران حقوق دریافت نکرده و مزایای آنها به درستی پرداخت نمی شود.

\*روز پنجشنبه ۵ شهریور، کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل نسبت به بیکار شدن شان و عدم پرداخت دستمزد و مطالبات مزدی خود دست به اعتراض زدند. کارگران ذوب آهن اردبیل نزدیک به ۲۴ ماه است که دستمزد و مزایای خود را دریافت نکرده اند. کارگران می گویند کارفرما و کارگزاران رژیم به جای پاسخگویی به خواسته های کارگران، با آنان برخورد امنیتی می کنند و کارگران معترض را تحت فشار اقتصادی قرار می دهند.

\*صبح روز شنبه ۷ شهریور، تعدادی از کارکنان قراردادی شاغل در راه و شهرسازی برخی از شهرستانهای استان بوشهر در اقدامی هماهنگ دست از کار کشیدند. به گزارش استان ۲۴، این اقدام در اعتراض به نحوه واگذاری زمین به این کارکنان و وعده هایی است که عملی نشده است.

\*روز شنبه ۷ شهریور، جمعی از کارکنان اداره راه و شهرسازی دشتستان در اعتراض به عدم اجرایی شدن وعده مسئولان اداره کل راه و شهرسازی در زمینه مسکن آنان، دست از کار کشیدند. به گزارش استان ۲۴، حدود سه سال پیش، با وعده اهدای زمین جهت ساخت مسکن به پرسنل راه و شهرسازی، مبالغی از آنان جمع آوری شد اما با گذشت سه سال از گرفتن این مبالغ، هیچ اقدامی در خصوص اهدای این زمینها صورت نگرفته است.

\*به گزارش افق روشن، روز یکشنبه ۸ شهریور، حدود ۳۰۰ تن از کارگران خدمات شهری رشت از چهار راه صابرین از مسیر تختی به سوی شهرداری مرکز راهپیمایی کردند و خواستار دریافت دستمزد های معوقه خود شدند. کارگران در مقابل شهرداری رشت به تجمع خود ادامه دادند. در طول تجمع نیروهای انتظامی اطلاعات اطراف کارگران را محاصره کرده بودند.

\*صبح روز یکشنبه ۸ شهریور، پاکبانان شهرداری رشت برای دریافت مطالبات و حقوق شان مقابل ساختمان شهرداری رشت تجمع کردند. به گزارش خزر، هیچ کس نمی گوید که رفتگران با چه مشقتی زندگی می کنند. اگر یکی از رفتگران اعتراض کند که حقوق نگرفته است، با فشار بر روی پیمانکار، کارگر را اخراج می کنند.

\*روز دوشنبه ۹ شهریور، به دنبال وعده مدیریت، اعتصاب دو روزه کارگران پیمانکاری پتروشیمی بسپاران خاتمه یافت. به گزارش ایلنا، معترضان از طریق شرکت پیمانکاری فریمکو در واحد تعمیرات و نگهداری پتروشیمی بسپاران مشغول کارند.

\*روز دوشنبه ۹ شهریور، تعدادی از کارگران پیمانکاری زغال سنگ البرز شرقی دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، معترضان از جمله کارگرانی هستند که زیر نظر پیمانکار در تونل برناکی منطقه طزره شاهرود به استخراج زغال سنگ اشتغال دارند. در این واحد معدنی البرز شرقی حدود ۶۰۰ کارگر به صورت رسمی و ۸۰۰ کارگر به صورت پیمانکاری اشتغال دارند که اعتراض اخیر مربوط به کارگران پیمانکاری شاغل در تونل برناکی است.

\*روز سه شنبه ۱۰ شهریور، تعدادی از کشاورزان چهارمحال و بختیاری در تجمعی، خواستار رفع محرومیت های برداشت آب و رفع بی آبی های مزارع و باغات خود شدند. به گزارش آفرینش، در این تجمع که در مقابل ساختمان شرکت آب منطقه ای چهارمحال و بختیاری برگزار شد، کشاورزان نسبت به لغو برداشت آب طرح های کشاورزی خود اعتراض کردند.

\*روز سه شنبه ۱۰ شهریور، جمعی از مال باختگان پروژه آتی شهر که بیش از ۱۲ سال از موعد تحویل واحد های شان می گذرد، مقابل بنیاد مستضعفان تجمع کردند. به گزارش صما، یکی از معترضان گفت: از سال ۸۲ تمام سرمایه خود را به امید خانه دار شدن به «شرکت آتی ساز» که از شرکتهای تحت پوشش «بنیاد مستضعفان» است، سپرده ایم و قرار بود طی ۳۶ ماه واحدهای آپارتمانی را در پروژه آتی شهر تحویل دهند ولی اکنون با گذشت بیش از ۱۲ سال از آن زمان نه تنها هیچ واحدی واگذار نشده، بلکه هیچ کس هم به ما پاسخگو نیست.

\*روز سه شنبه ۱۰ شهریور، اعتصاب کارگران بخش پیمانکاری جزیره صنعتی صدرا (فرا ساحل) در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، سومین روز خود را پشت سر گذاشت. به گزارش خلیج فارس، تعداد کارگران اعتصابی حدود ۷۰۰ تن برآورد می شد و گرچه مدیر صدرا در جنوب، پیگیری‌هایی انجام داده، ولی مدیران اصلی شرکت که در تهران می باشند، ظاهراً توجهی به این مشکلات ندارند.

شرکت صنایع دریایی ایران (صدرا) که روزگاری فعال ترین بنگاه اقتصادی و مجموعه صنعتی بوشهر محسوب می شد و شمار کارکنان آن در دوران اوج فعالیت اش حدود ۴ هزار تن برآورد می شد، اینک به کمتر از ۱۵۰۰ نفر رسیده است.

\*صبح روز پنجشنبه ۱۲ شهریور، کامیونداران بافق به دلیل پایین بودن مبلغ قرارداد نقل و انتقال سنگ آهن، اعتصاب کردند. به گزارش بافق خبر، آنها خواستار افزایش مبلغ قرارداد در جابجایی هر تن سنگ آهن از معدن سه چاهون به سنگ آهن هستند.

\*روز شنبه ۱۴ شهریور، کارگران شرکت آب و فاضلاب اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست به تجمع مقابل استانداری زدند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران که در تجمع شرکت داشت، گفت: سه سال است که سنوات کار و عیدی، بن مسکن و بن کالا پرداخت نشده و لباس کار هم در این مدت به ما نداده اند.

\*جمعی از کارگران کارخانه آردل صبح روز شنبه ۱۴ شهریور در اعتراض به وضعیت نامعلوم شغل و معوقات مزدی خود، مقابل دفتر فروش این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران از ابتدای سال جاری تاکنون معطل بازنشستگی هستند و در این مدت نیز مزایای مزدی آنها به صورت نامنظم پرداخت شده است.

\*روز شنبه ۱۴ شهریور، کارکنان نیروگاه و سد در حال ساخت چم شیر گچساران به علت تاخیر در پرداخت مطالبات خود برای چندمین روز متوالی دست به اعتراض زدند. به گزارش عصرنا، این کارگران از خرداد امسال تاکنون حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. پروژه سد چم شیر که عملیات اجرایی آن از سال ۹۱ شروع شده است در حال حاضر حدود ۳۴ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و یک هزار و ۳۰۰ تن نیروی انسانی متخصص، ماهر و نیمه ماهر در ساخت سد چم شیر مشارکت دارند. نیروگاه و سد چم شیر در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر دوگنبدان در کهگیلویه و بویراحمد و برروی رودخانه زهره ساخته می شود.

\*روز شنبه ۱۴ شهریور، جمعی از کامیون داران بافق به علت پایین بودن مبلغ قرارداد حمل و نقل سنگ آهن از معدن سه چاهون به سنگ آهن چغارت اعتصاب کردند. به گزارش بافق فردا، در ابتدای شروع کار شرکت برنده مناقصه اعلام شد که به ازای حمل هر تن سنگ از معدن سه چاهون به سنگ آهن چغارت ۴۴۰۰ تومان پرداخت کند اما پس از گذشت یک روز کار اعلام شد که مدیر عامل شرکت سنگ آهن بیان کرده به ازای حمل هر تن ۳۶۰۰ تومان پرداخت خواهد شد.

\*به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران کاشی کویر در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه دستمزد و حق بیمه و نیز تمدید تعطیلی موقت این واحد تولیدی، روز شنبه ۱۴ شهریور، در قسمتی از مسیر یزد به تهران تجمع کردند.

\*صبح روز دوشنبه ۲ شهریور، کارگران کارخانه کمباین سازی اراک در اعتراض به تصمیم آستان قدس رضوی، سهامدار اصلی شرکت کمباین سازی اراک، مبنی بر اخراج ۲۰۰ کارگر دست به تجمع مقابل کارخانه زدند و خواستار بازگشت به

کارشدند. به گزارش خبرنگاران، آستان قدس رضوی (با در اختیار داشتن ۵۱ درصد سهام شرکت) از تمدید قرارداد ۲۰۰ کارگر شرکت که موعد قرارداد کاری شان تا پایان تیرماه بوده امتناع کرد.

روز چهارشنبه ۱۱ شهریور، کارگران اخراج شده کارخانه کمباین سازی اراک در تیزی تند آفتاب در ادامه اعتراض خود، پلاکارد به دست، فریاد از بیکاری را نه با الفاظی برخاسته از گلو که در نوشته ای روی پلاکارد بیان می کردند. روز شنبه ۱۴ شهریور حرکت اعتراضی این کارگران چهاردهمین روز خود را پشت سر گذاشت.

کارخانه کمباین سازی ایران، در کیلومتر ۴ جاده اراک - تهران واقع شده و بیش از ۹۰ درصد بازار فروش کمباینهای سبک، سنگین و نیمه سنگین و از ۹۵ درصد بازار فروش بیلر در ایران در اختیار شرکت کمباین سازی ایران قرار دارد.

\*کارگران شهرداری کهنوج در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق، روز یکشنبه ۱۵ شهریور، بار دیگر اعتصاب کردند. به گزارش شوباد، به دنبال اعتصاب کارگران شهرداری، خیابانها و معابر شهر کهنوج در انبوهی از زباله فرو رفت.

\*روز یکشنبه ۱۵ شهریور، کارگران مس سرچشمه در اعتراض به قراردادهای موقت و وضعیت حقوق و دستمزد خود بار دیگر مقابل وزارت صنعت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان از جمله نیروهای قراردادی شاغل در مجتمع مس سرچشمه هستند که به دلیل تغییر نکردن شرایط کاری و دستمزدشان بر اساس میزان ساعت کاری آنها و عمل نکردن مسئولان به وعده های شان برای بار دوم به تهران آمدند.

\*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز یکشنبه ۱۵ شهریور، رانندگان خودروهای حمل قطعات (تریلی) شرکت قالبهای صنعتی ایران خودرو به دلیل پرداخت نشدن دستمزدشان دست از کار کشیدند. بعد از اعتصاب رانندگان، شرکت قالبهای صنعتی ایران خودرو برای جابه جایی و حمل قطعات مجبور به استفاده از خودروهای متفرقه شد که به هر کدام از آنان بابت حمل قطعات مبلغ ۵۰۰ هزار تومان پرداخت نمود.

\*روز یکشنبه ۱۵ شهریور، کارگران شاغل در تراکتورسازی کردستان برای سومین بار طی چند ماه گذشته در محوطه شرکت اقدام به تجمع اعتراضی کردند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، یکی از خواسته های کارگران رسیدگی به وضعیت بهداشت سالن غذا خوری بود که از طرف مدیریت قول رسیدگی به این خواسته داده شد.

\*تعدادی کارگران کارخانه شیشه آبگینه قزوین پیش از ظهر روز یکشنبه ۱۵ شهریور، با تجمع در مقابل استانداری قزوین خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگرانی که در این تجمع اعتراضی حضور داشت گفت؛ در کارخانه شیشه آبگینه زمانی نزدیک به ۴۰۰ کارگر کار می کردند که در حال حاضر تعداد آنها به حدود ۲۷۰ تن کاهش یافته است.

\*روز دوشنبه ۱۶ شهریور، اعتصاب کارگران پیمانی زغال سنگ البرز شرقی در اعتراض به ۴ ماه حقوق معوقه پنجمین روز خود را پشت سر گذاشت. به گزارش ایلنا، پیش از این کارگران واحد معدنی برناکی در طزره استان سمنان روزهای ۲۲ تا ۲۴ خرداد به مدت سه روز اعتصاب کردند. این کارگران از روز پنجشنبه ۱۲ شهریور در محوطه معدن تجمع کردند.

\*تعدادی از مهندسان ناظر بیکار شده از جهاد کشاورزی در روز دوشنبه ۱۶ شهریور، در برابر استانداری تجمع اعتراضی سکوت برگزار کردند. به گزارش هومیان نیوز، یکی از معترضان گفت: «بارها و بارها پیگیری و پیگیری کرده ایم، وزارت جهاد می گوید اعتبار جذب شما را باید استان تهیه کند؛ در استان هم هنوز برای ما اعتبار تا این لحظه تأمین نشده است و

ما اینک بیکار شده‌ایم؛ ما در سال ۸۶ وارد مجموعه شدیم و همه هم مدارک دانشگاهی داریم ولی حالا بعد از این همه سابقه خدمت داریم بیکار می‌شویم».

\*روز چهارشنبه ۱۸ شهریور، کارگران پیمانکاری مس سرچشمه در پنجمین روز حضورشان در تهران دست به تجمع مقابل نهاد ریاست جمهوری زدند. به گزارش ایلنا، یکی کارگران حاضر در این تجمع اعتراضی با اعلام این خبر گفت؛ از مراجعه روز گذشته به وزارت صنعت، معدن و تجارت نتیجه‌ای نگرفتیم و برای همین برای پیگیری خواسته‌های خود به نهاد ریاست جمهوری مراجعه کردیم. کارگران معترض مس سرچشمه که از روز شنبه ۱۴ شهریور در تهران بودند؛ با وعده نهاد ریاست جمهوری مبنی بر پیگیری خواسته‌های شان به کرمان بازگشتند.

\*روز شنبه ۲۱ شهریور، کارگران شهرداری بیجار در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و حقوق شان طی چند ماه گذشته، مقابل فرمانداری بیجار تجمع کردند. به گزارش فارس، عدم پرداخت به موقع حقوق و مطالبات کارگران، مشکلات زیادی برای امرار معاش آنها به وجود آورده است.

\*گزارش برنا از غرب تهران، روز شنبه ۲۱ شهریور، جمعی از سهامداران تعاونی مسکن شرکت مخابرات با تجمع جلوی دادسرای شهریار، تقاضای رسیدگی به فروش زمینهای این تعاونی کردند.

\*روز یکشنبه ۲۲ شهریور، تعدادی از کارگران معدن گلتوت شهرستان زرنند قبل از آغاز شیفت یک کاری خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش ۷۲ عارف، کارگران این معدن به علت عدم پرداخت به موقع حقوق خود مسیر جاده کوهبنان به شهرستان زرنند را مسدود کردند. تجمع کنندگان بر پرداخت معوقات حقوقی ۲ ماه گذشته و رفع نابسامانی در پرداخت حقوق خود تاکید کردند. به علت این تجمع اعتراضی و مسدود کردن جاده، کارگران معادن زغال سنگ اصلی، پابدانای جنوبی، چشمه پودنه و ... نتوانستند به محل کار خود بروند و عملاً این معادن به حال نیمه تعطیل در آمد.

\*به گزارش ایرنا، شماری از ملوانانی که در لنجهای صیادی بوشهری مشغول به کار هستند روز یکشنبه ۲۲ شهریور، در اعتراض نسبت به آنچه ممانعت از ادامه فعالیت آنها توسط مسئولان نامیده شده، مقابل استانداری بوشهر تجمع کردند.

\*روز یکشنبه ۲۲ شهریور، جمعی از رانندگان کامیون در یزد در اعتراض به توزیع نامناسب بار در یزد، وضع پایانه‌های حمل و نقل و حضور دلالان در توزیع بار تجمع کردند. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، یکی از رانندگان کامیون که برای اعتراض در مقابل استانداری حاضر شده بود، گفت: با گذشت ۱۰ روز از اعلام نوبت توسط راننده، باز هم باری به رانندگان داده نمی‌شود.

\*روز یکشنبه ۲۲ شهریور، تعدادی از اعضای تعاونی مسکن مهر، تعاونی ۸ صبا شهر، در اعتراض به عدم تکمیل پروژه‌های عمرانی این مسکن، مقابل ساختمان فرمانداری شهرستان میانه تجمع کردند. به گزارش میانا، شرکت کنندگان در این تجمع از متقاضیان واحدهای مسکن مهر، اعلام کردند تا زمان رسیدگی به مطالبات آنها همچنان به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

\*تعدادی از اعضای تعاونی مسکن کارکنان گمرک ایران از صبح روز دوشنبه ۲۳ شهریور، در محل ساختمان مرکزی گمرک ایران در خیابان ولی عصر تجمع کردند. به گزارش فارس، مدیران عامل شرکت تعاونی اقدام به فروش زمینها بدون هماهنگی اعضا کرده و واحدهای ۳ هزار عضو همچنان بعد از گذشت ۲۵ سال تحویل داده نشده است.

\*به گزارش ثلاث، در پی درگذشت امجدی کارگر جوان شهرداری بندر سیراف به دلیل برق گرفتگی و کمبود امکانات پزشکی در محل درمانگاه این شهر، بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۳ شهریور، پس از تشییع و خاکسپاری نامبرده، جمعی از جوانان سیرافی در اعتراض به کمبود شدید امکانات برای درمانگاه، در درمانگاه بندر سیراف تجمع کردند.

\*روز سه شنبه ۲۴ شهریور، اعتصاب غذای کارگران کارخانه لوله گستر اسفراین در اعتراض به تعویق سه ماه حقوق، وارد دومین روز شد. به گزارش اترک نیوز، محصولات تولیدی این کارخانه توسط شرکت نفت خریداری شده است اما این شرکت پول محصولات را پرداخت نکرده و کارفرما در پرداخت حقوق کارکنان به مشکل خورده است. شرکت لوله گستر اسفراین در مساحتی بالغ بر ۲۱۰ هکتار ساخته شده و تنها تولید کننده لوله های فولادی بدون درز در استان خراسان شمالی است.

\*تعدادی از کارگران کشتارگاه سنتی اهواز در روز شنبه ۱۴ شهریور، برای رسیدگی به وضعیت خود برای دومین بار رو به روی ساختمان شورای اسلامی شهر اهواز تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کشتارگاه صنعتی اهواز از نیمه اردیبهشت امسال آغاز به کار کرد و کشتار دام سبک و سنگین از کشتارگاه سنتی به صنعتی منتقل شد و کارگران کشتارگاه سنتی اهواز از زمانی که کشتارگاه صنعتی آغاز به کار کرد بیکار شدند. تجمع کارگران اخراجی کشتارگاه سنتی اهواز در روز یکشنبه ۱۵ شهریور ادامه پیدا کرد و در این روز نیروی انتظامی به کشتارگاه وارد شد و کارگران را با زور اخراج کردند.



روز چهارشنبه ۱۸ شهریور، کارگران اخراجی کشتارگاه اهواز باردیگر در اعتراض به تضييع حقوق خود و عملکرد نامناسب شهرداری و شورای اسلامی شهر اهواز، در مقابل ساختمان این شورا تجمع کردند. کارگران با دادن شعار «کارگران حق آب و

خاک و کار دارند»، روز شنبه ۲۱ شهریور، برای پنجمین بار مقابل ساختمان شورای اسلامی شهر اهواز تجمع کردند. کارگران اخراجی کشتارگاه اهواز بار دیگر در روز سه شنبه ۲۴ شهریور، مقابل شورای شهر اهواز همزمان با انتخاب رئیس جدید شورای شهر تجمع کردند.

\*کارکنان ۱۱۸ بیرجند به دلیل واگذاری این مرکز به بخش خصوصی اعتصاب کردند. به گزارش روز چهارشنبه ۲۵ شهریور خاورستان، طی چند هفته گذشته مرکز ۱۱۸ تعدادی از کارکنان خود را به دلیل واگذاری این مرکز به بخش خصوصی اخراج کرد که این مشکلات اعتصاب کارمندان را در پی داشته است. قبلاً نیز در روز شنبه ۷ شهریور، تعدادی از کارمندان ۱۱۸ به نشانه اعتراض در مقابل استانداری تجمع کردند.

\*جمع کثیری از کارگران کارخانه کاشی نیلو برای هفتمین بار پس از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، در روز سنبه ۲۱ شهریور، برای وصول مطالبات خود مقابل فرمانداری ویژه نجف آباد تجمع کردند. به گزارش فارس، کارگران



حاضر در این تجمع عدم وصول حقوق معوق ۵ ماهه، عدم واریز بن کارگری در این مدت، عدم واریز حق بیمه و مزایای کارگری را از جمله دلایل خود برای این تجمع اعتراض آمیز عنوان کردند.

روز پنجشنبه ۲۶ شهریور، معاون سیاسی اجتماعی فرمانداری نجف‌آباد از تعهد مدیران کارخانه کاشی نیلو برای رفع مشکلات پیش آمده تا هفتم مهر خبر داد و با ایت تعهد کارگران به سر کار بازگشتند.

\*به گزارش فارس، همزمان با سفر علی ربیعی وزیر کار و تعاون به همراه معاون اول رئیس جمهور به خراسان جنوبی، جمعی از جوانان بیرجند در روز شنبه ۲۸ شهریور، با تجمع مقابل اداره جدید تامین اجتماعی استان با بیان اینکه نرخ بیکاری اعلام شده از طرف وزیر کار را قبول ندارند خواستار توجه به اشتغال در این استان شدند.

\*جمعی از کارگران کارخانه پارس متال روز شنبه ۲۸ شهریور، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران این مجتمع صنعتی با احتساب شهریور نزدیک به دو ماه معوقات مزدی طلبکارند و همچنین گفته می شود که حق بیمه ماههای تیر و مرداد آنها هنوز به حساب سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است.

\*روز یکشنبه ۲۹ شهریور، کارگران شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش رهیاب، کارگران تجمع کرده می گویند؛ یازده ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. یکی از کارگران که از وضعیتی که برایش به وجود آمده شدیداً گلایه دارد می گوید: برخی از ما تا سرحد طلاق هم پیش رفته ایم، بعضی از کارگران خانواده های شان از هم پاشیده شده است. الان مدارس و دانشگاهها در حال بازگشایی است و همه ما بچه مدرسه ای و دانشجو داریم و باید آنها را راهی مدرسه کنیم، اما یک ریال هم در جیبمان نیست.

\*کارگران پیمانکاری معادن زغال سنگ البرز شرقی واقع در منطقه طرزه استان سمنان صبح روز یکشنبه ۲۹ شهریور، برای سومین بار در ماه جاری در محوطه معدن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این اجتماع اعتراضی نزدیک به ۱۵۰ تن از کارگران معدن برناکی حضور داشتند. دلیل این اجتماع اعتراضی پرداخت نشدن ۴ ماه دستمزد معوقه است. در این واحد معدنی حدود ۶۰۰ کارگر به صورت رسمی و ۸۰۰ کارگر به صورت پیمانکاری اشتغال دارند. منطقه طرزه دامغان و منابع زغال سنگ آن، یکی از غنی ترین منابع زغال سنگ ایران بوده و اصلی ترین تامین کننده زغال سنگ ذوب آهن اصفهان است.

\*صبح روز یکشنبه ۲۹ شهریور، تعدادی از کارگران بیکار شده شرکت اتحاد ماشین به همراه خانواده های خود جلوی درب ورودی مجتمع مس میدوک تجمع کردند. به گزارش کارگران کرمان، شرکت اتحاد ماشین، پیمانکار دسته ۲ شرکت اولنگ بوده و تعداد ۶۴ کارگر دارد.

\*روز یکشنبه ۲۹ شهریور، کارگران کارخانه چینی بهداشتی رزبه دلیل اعتراض به حقوق و مزایا در نزدیکی درب نگهبانی این کارخانه تجمع کردند. به گزارش اردکان گویا، کارگران نسبت به بعضی از حقوق و مزایای خود اعتراض داشته و اعلام کردند که اگر تا ۱۷ مهر این مشکلات رفع نشود دوباره تجمع خواهند کرد.

\*روز یکشنبه ۲۹ شهریور، کارکنان مجتمع کشت و صنعت مهاباد در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق و مطالبات خود در برابر اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی این شهرستان گرد آمدند. به گزارش ایرنا، معترضان به عملکرد صاحبان مجتمع کشت و صنعت مهاباد (موسوم به شرکت سبز) اعتراض کردند.

\*روز یکشنبه ۲۹ شهریور، جمعی از کارگران شاغل در کارخانه های خودرو سازی و قطعه سازی استان تهران در برابر مجلس تجمع کردند و خواستار تضمین آینده شغلی خود شدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفته اند نگرانند که باز نگه داشته شدن مرزهای ایران به روی واردات خودرو خارجی، کمبود نقدینگی و کاهش خرید خودروهای صفر داخلی، منجر به اخراج کارگران در مراکز مختلف شود.

\*جمعی از کارگران پیمانکاری پتروشیمی امیرکبیر ظهر روز دوشنبه ۳۰ شهریور به دلیل افزایش نیافتن مزایای مزدی خود از خوردن وعده غذای ناهار روزانه خودداری کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران از اینکه در آستانه شروع سال تحصیلی جدید برای فرزندان در حال تحصیل آنها کمکهای نقدی کمتری در نظر گرفته شده است معترض هستند.

\*روز دوشنبه ۳۰ شهریور، تعدادی از کارگران بازنشسته کارخانه آردل که خود را سهامدار این شرکت می دانند، برای تعیین تکلیف میزان سهام خود دست به تجمع مقابل این مجتمع تولیدی لوازم خانگی زدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض خواهان تعیین تکلیف میزان سهام خود شدند.

\*کارگران معدن خصوصی چشمه پودنه در استان کرمان، شهرستان کوهبنان، صبح روز سه شنبه ۳۱ شهریور، به نشانه اعتراض به جای انجام وظیفه شغلی خود در محوطه معدن تجمع کردند. به گزارش ایلنا، جدا از آن که نحوه محاسبه مزایای کارگران این معدن نسبت به مزایای مزدی کارگران معادن مجاور کمتر است، آنها همچنین از اواسط فصل بهار تاکنون بابت مزایای مزدی خود طلبکارند.

\*حدود ۱۰۰ تن از کارمندان سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان صبح روز سه شنبه ۳۱ شهریور اقدام به تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان شماره ۲ وزارت صنعت، معدن و تجارت کردند. به گزارش عصر ایران، این کارمندان با در دست داشتن پلاکاردها و سر دادن شعارهایی به آنچه «نحوه و وضعیت انتصابات مدیران این سازمان»، «وضعیت قراردادهای کار»، «اعمال نشدن ضریب افزایشی مصوب روی دستمزدها» و «تهدید کارمندان معترض به اخراج با وجود ادعای مدیران سازمان به بر حق بودن مطالبات کارکنان» خواندند، اعتراض کردند.

\*صبح روز سه شنبه ۳۱ شهریور، کارگران شهرداری منطقه ۷ اهواز مقابل درب ورودی شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب تجمع کردند. به گزارش رخونیوز، این کارگران در پلاکاردهایی که در دست داشتند خواستار پرداخت مطالبات شهرداری از سوی این شرکت شدند و همچنین درخواست دیدار با بیژن عالیپور مدیرعامل شرکت ملی مناطق نفتخیز را مطرح کردند.

\*روز سه شنبه ۳۱ شهریور، شماری از کارکنان مجتمع کشت و صنعت مهاباد بار دیگر با حضور در جلوی اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و فرمانداری این شهرستان خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود از طرف مدیریت این واحد تولیدی شدند. به گزارش مَکریان، بعضی از کارگران دو سال است یک ریال حقوق نگرفته اند و مجریان قانون و مسئولان شهرستان، تاکنون کارچندانی برای الزام هیات مدیره به پرداخت حق و حقوق کارگران انجام نداده است.

\*از صبح روز شنبه ۲۸ شهریور، کارگران مجتمع فولاد و چدن درود، در اعتراض به آنچه نادیده گرفتن حقوق کارگران این مجتمع از سوی مدیریت عنوان شده دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، این اعتصاب در روز چهارشنبه ۲۸ شهریور چهارمین روز خود را پشت سر گذاشت.

## چالشهای معلمان در شهریور ماه

فرنگیس بایقره

### تایید اجبار خانواده ها به پرداخت پول توسط برخی مدارس

آنا، ۷ شهریور - سید رحیم میرشاهولد، مدیرکل پاسخگویی به شکایات آموزش و پرورش، با بیان اینکه مدیران مدارس برای خدمات آموزشی و پرورشی اعتبار کافی در اختیار ندارند و ناچارند برای تعلیم و تربیت بهتر دانش آموزان دست کمک به سوی خانواده ها دراز کنند، گفت: "اینکه اعلام می شود، مدارس دولتی به اجبار از خانواده ها پول دریافت می کنند را تایید نمی کنم، اما اینکه برخی مدارس به اجبار از خانواده ها پول دریافت می کنند را تایید می کنم."



میرشاهولد با اشاره به اینکه روال در آموزش و پرورش برای برخورد با این مساله این است که شرایط مدرسه را در نظر گرفته و واقعیتها را مشاهده می

کنیم و سپس نحوه رفتار مدیر را در مدرسه ارزیابی کرده و متناسب با آن تصمیم گیری می کنیم، اضافه کرد: "به مدیران مدارس توصیه می کنیم برای دریافت کمکهای اختیاری از روشهای پسندیده استفاده کنند، یعنی مردم را در جریان مسایل واقعی مدرسه قرار دهند. ما از مردم چیز پنهانی نداریم. وقتی مدرسه توانایی پرداخت پول قبض گاز را ندارد، مدیر مدرسه آن را از خانواده ها پنهان نکند."

وی افزود: "در شرایط فعلی کار در مدارس دشوار است، چرا که آموزش و پرورش چند سالی است که با مشکل کمبود اعتبار مواجه است و این مساله آثاری بر مدارس داشته و برخی از مدارس توانایی تامین هزینه های جاری مثل آب، برق، گاز و تلفن را ندارند." میرشاهولد تاکید کرد: "البته پرداخت کمک مالی کاملاً اختیاری است."

### معلم سنقری خودکشی کرد

ایلنا، ۸ شهریور - منصور کیهانی، معلم بازنشسته آموزش و پرورش شهرستان سنقر، به علت پاره ای مشکلات مالی اقدام خودکشی کرد.

منصور کیهانی که ۶۰ سال داشت، چند سال گذشته از آموزش و پرورش بازنشسته شد و نزدیک به ده سال از همسر معلول خود پرستاری کرده بود. او دارای ۴ فرزند تحصیل کرده است.

کیهانی در پشت مجتمع اداری شهرستان سنقر اقدام به خودکشی کرده است. پزشکی قانونی تاکنون علت اصلی خودکشی مرحوم کیهانی را تاکنون مشخص نکرده است.

### بازداشت محمدرضا نیک نژاد و مهدی بهلولی از فعالان صنفی معلمان

حقوق معلم و کارگر، ۱۰ شهریور - روز دوشنبه نهم شهریور ماه محمد نیک نژاد، از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران، و مهدی بهلولی، از فعالان صنفی مستقل، با مراجعه ماموران امنیتی در منزل شان بازداشت شدند.



بنابر اخبار رسیده از خانواده این دو فعال صنفی، ماموران با حکم شعبه دو بازرسی اوین اقدام به ورود و تفتیش منزل و ضبط برخی وسایل موجود در خانه همچون رایانه و گوشی همراه کرده اند. این در حالی است که هنگام مراجعه ماموران به درب منزل محمد رضا نیک نژاد، وی در منزل نبوده و با تماس تلفنی ماموران حاضر در منزل برای بازداشت فرا خوانده می شود.

از محل نگهداری این دو فعال صنفی معلمان که از فعالان عرصه رسانه و مطبوعات نیز هستند خبری در دست نیست. در تیر ماه گذشته نیز اسماعیل عبدی، دبیر کل کانون صنفی معلمان، با مراجعه به دادسرای اوین بازداشت و هم اکنون در

زندانی اوین به سر می برد. رسول بدافی، باغانی و علیرضا هاشمی از دیگر معلمان و فعالان صنفی هستند که هم اکنون به اتهام فعالیت‌های صنفی در زندان به سر می برند.

### اعتراض کانون صنفی معلمان به بازداشت فعالان صنفی

حقوق معلم و کارگر، ۱۳ شهریور - کانون صنفی معلمان ایران در پی بازداشت دو فعال حقوق صنفی معلمان بیانیه ای صادر کرد و از تلاش برای ضد امنیتی جلوه دادن این دو تن خبر داد.

در بخشهایی از این بیانیه آمده است:

"سریال بازداشتها و زندانی نمودن معلمان فعال صنفی که از بهار سال جاری کلید خورد و ظاهرا زمان اجرای حکم پرونده پیشین برخی قدیمی ترها فرا رسید، در تابستان متوجه کنشگران جوان تر شده که بالقوه توانایی جایگزینی با چهره های کاریزماتیک قبلی را دارند.

ابتدا اسماعیل عبدی، دبیر کل جوان کانون صنفی معلمان ایران، بازداشت و زندانی می شود و اکنون دو تن از فعال ترین چهره های عرصه ی فعالیت‌های صنفی معلمان؛ دو چهره ای که در چند سال اخیر با حضور پویا و مداوم خود در عرصه ی مطبوعات در دفاع از حقوق معلمان، به صدایی رسا برای جامعه آموزشی کشور تبدیل شده اند.

مشکل نیز از همین جا آغاز می شود. دولتی که همچون پیشینیان خود به رغم شعارهای پر طمطراق، در عمل تحولی بنیادین را در هیچیک از بخشهای این زیر مجموعه پر اشکال خود دنبال نمی کند. نهادهای سیاسی و امنیتی متعددی که کماکان نهادهای مدنی و صنفی و به دنبال آن کنشگران مدنی و صنفی را با دیده ی سو ظن می نگرند و تلاش در القا ضد امنیتی بودن آنان در افکار عمومی می نمایند. روشن است در این میان هر صدایی که اندک اختلالی در پیشبرد اهداف بسته طراحی شده امنیتی ایجاد نماید، محکوم به خاموشی است. و این همان جرم بزرگ محمدرضا نیک نژاد و مهدی بهلولی است.

جرم من این است که غیر از من همه ایران را دوست دارند،

همه ی باجگیران،

همه ی سرمایه داران،

همه ی پیله وران حرف...

همگان بدانند جنبش برابری خواهی معلمان ریشه در عمیق ترین لایه های ذهن حتی غیر فعال ترین آنان دارد. بازداشت و زندانی نمودن افرادی این چنین خوشنام در میان معلمان، تنها حقانیت این جنبش را آشکارتر می سازد و هواداران آن را بیشتر می نماید، بر خلاف میل کوتاه اندیشان."

### بازداشت سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران

حقوق معلم و کارگر، ۱۵ شهریور - محمود بهشتی لنگرودی، از اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران، با مراجعه ماموران امنیتی در منزلش بازداشت شد. بنابر اخبار رسیده از خانواده این عضو ارشد کانون‌های صنفی معلمان، ماموران با حکم شعبه دو بازرسی اوین اقدام به ورود و تفتیش منزل و ضبط برخی وسایل موجود در خانه کرده اند.

تاریخ حکم بازداشت مربوط به پنجم مرداد ماه بوده و هیچ اطلاعی از نهاد بازداشت کننده و محل نگهداری ایشان در دست نیست. این در حالی است که این عضو ارشد کانون دیروز در جلسه ای مشترک میان کانون صنفی معلمان و نوبخت، معاون رییس جمهور، حضور یافته



و گزارشی از مشکلات صنفی معلمان را ارائه داده بود.

### وعده وزیر در مورد پیگیری وضعیت اعضای زندانی کانون صنفی معلمان

جاری‌پرس، ۱۹ شهریور - یک عضو کانون صنفی معلمان می‌گوید که به گفته وزیر آموزش و پرورش چنانچه وضعیت اعضای زندانی کانون صنفی معلمان در حیطة کار دولت، اعم از وزارت اطلاعات، دادگستری و غیره باشد، قطعاً پیگیری می‌شود و اگر بر عهده دولت نباشد، با نهاد مربوطه رایزنیهای لازم انجام می‌گیرد.

محمد حبیبی در خصوص جزئیات دیدار وزیر آموزش و پرورش با خانواده معلمان زندانی که شامگاه سه شنبه گذشته در ساختمان اصلی این وزارتخانه برگزار شد، اظهار کرد: "تمامی خانواده های زندانیان و بازداشت شدگان اعضای کانون صنفی معلمان متشکل از خانواده رسول بدافی، محمدرضا نیک نژاد، مهدی بهلولی، علی اکبر باغانی، علیرضا هاشمی و محمود بهشتی لنگرودی در این دیدار حضور داشتند."

وی با بیان اینکه در دیدار با فانی مشکلات موجود در شرایط کنونی مورد بحث قرار گرفت، ادامه داد: "وزیر آموزش و پرورش گفته است که چنانچه این مسایل در حیطة کار دولت، اعم از وزارت اطلاعات، وزارت دادگستری و غیره باشد، قطعاً مورد پیگیری قرار خواهد گرفت."

حبیبی اضافه کرد: "وزیر آموزش و پرورش افزوده است که چنانچه این موضوع خارج از عهده دولت باشد، سعی می‌کنیم تا با قوه قضاییه و نهادهای بازداشت کننده دیگر که خارج از دولت هستند، در راستای حل و فصل این مسایل رایزنی کنیم."

وی گفت وزیر آموزش و پرورش اظهار داشته که هر کدام از معلمان زندانی مشکلات خاصی دارند که پیگیری آن اندکی مشکل است و وزیر تاکید کرده است که آموزش و پرورش همکاریهای لازم را با خانواده های معلمان زندانی انجام بدهد.

### ۷ هزار نفر متقاضی خروج از آموزش و پرورش خوزستان



ایسنا، ۱۵ شهریور - مدیر کل آموزش و پرورش خوزستان گفت: "در مدارس استان نزدیک به ۷ هزار نفر کمبود نیروی انسانی وجود دارد و ۷ هزار نفر نیز متقاضی خروج از آموزش و پرورش استان هستند."

محمد تقی زاده افزود: "شرایط غیر مترقبه ای به خاطر پرداخت نشدن مطالبات معلمان ایجاد شد و این موضوع می‌تواند به علت تاثیر گذاری در کاهش انگیزه معلمان، یکی از دلایل موفق نبودن آموزش و پرورش استان باشد.

با توجه به تحریمها، کمبود اعتبارات و مشکلات موجود در بخشهای مختلف، این مشکل در سطح کشور وجود داشت." مدیر کل آموزش و پرورش خوزستان به عوامل دیگر موفق نبودن آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: "مشکلات مالی از دیگر عوامل این عدم موفقیت آموزش و پرورش استان و ارتقا نیافتن رتبه آن بود، تمام اینها، عوامل زیرساختی هستند و اگر این مشکلات را بر طرف نکنیم، قطعاً به نتیجه ایده آل نخواهیم رسید."

وی گفت: "کمبود نیروی انسانی در استان شدید است و با وجود استخدامی جدید نیز رفع نمی‌شود."

### معاون وزیر آموزش و پرورش: وضعیت کیفی یک سوم مدارس کشور زنده است

ایسنا، ۲۶ شهریور - سید محمد بطحایی، معاون وزیر آموزش و پرورش، در مراسم معرفی مدیرکل جدید آموزش و پرورش استان کرمان گفت: "تعداد مدارس کشور ۱۰۵ هزار واحد است که یک سوم این مدارس به لحاظ کیفی در وضعیت زنده ای قرار دارند و با کوچکترین زمین لرزه ای در معرض خطر قرار خواهند داشت از این رو، بهره وری در نظام آموزش و پرورش باید بالا رود و سهم بیشتری از منابع عمومی در اختیار این نهاد قرار گیرد."

وی تصریح کرد: "در سال ۹۲، ۸،۵ در صد از منابع آموزش و پرورش توسط بخش غیر دولتی تامین شده و این آمار رو به کاهش است در حالی که مشارکت غیر دولتی تنها به معنی توسعه مدارس غیر دولتی نیست." بطحایی خاطر نشان کرد: "نرخ هزینه جاری ما به ازای هر دانش آموز دو میلیون تومان است، اما بهره وری و خروجی ما با این هزینه تناسب ندارد."



### رسول بداقی به سه سال حبس دیگر محکوم شد

حقوق معلم و کارگر، ۲۶ شهریور - رسول بداقی که در تاریخ ۱۳ مردادماه حبس شش سال حبس بدون مرخصی اش به پایان رسیده و همچنان در بازداشت موقت در بازداشتگاه دو الف به سر می برد، روز گذشته با محکومیت جدید مواجه شد. روز گذشته حکم جدید بداقی از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب صادر شد. این حکم، سه سال حبس تعزیری است. با صدور حکم جدید، وی با وجود پایان دوران محکومیت باید همچنان در زندان بماند. صدور این حکم جدید بر نگرانی خانواده، دوستان و همکاران رسول که شش سال از دیدن او محروم بوده اند و اکنون چند ماهی است که در انتظار آزادی او هستند، افزوده است.

### تجمع بازنشستگان فرهنگی مقابل نهاد ریاست جمهوری

حقوق معلم و کارگر، ۲۵ شهریور - بازنشستگان فرهنگی امروز مقابل نهاد ریاست جمهوری، تجمع سکوت ترتیب دادند. در این تجمع که از ساعت ده صبح آغاز شد، حدود سیصد تن شرکت داشتند. تجمع کنندگان با در دست گرفتن پلاکاردهایی، اعتراض خود را به شرایط موجود معیشتی و شغلی نشان دادند.

### تجمع اعتراضی دو روزه مربیان پیش دبستانی مازندران

تابناک، ۲۴ شهریور - مربیان پیش دبستانی مدارس مازندران در اعتراض به اجرا نشدن قانون پرداخت حقوق وساماندهی آنان در مازندران دست به تجمع اعتراضی زدند. یکی از مربیان با اشاره به مصوبه اخیر مجلس و تایید آن در دولت گفت: با ابلاغ این قانون به وزارت آموزش و پرورش، این وزارتخانه به ادارات کل تابعه خود در سراسر کشور ابلاغ کرده است که بر اساس نیاز استانهای مختلف نسبت به ساماندهی این مربیان و معلمان حق التدریس اقدام کنند، اما اداره کل آموزش و پرورش مازندران در پاسخ به این بخشنامه وزارتخانه اعلام عدم نیاز کرده است. در صورتی که در حال حاضر تعداد زیادی از همکاران من با حقوق ماهیانه دویست هزار تومان و بیمه پانزده روز در ماه در مدارس نسبت به تدریس پایه پیش دبستانی فعالیت دارند. تجمع مربیان پیش دبستانی ۲۵ شهریور برای دومین روز ادامه داشت.

### تجمع مربیان مهدکودک خرم آباد مقابل استانداری لرستان

فارس، ۲۶ شهریور - ظهر امروز بیش از ۱۰۰ مربی مهدکودک خرم آبادی به نشانه اعتراض در جلوی ساختمان استانداری لرستان در خرم آباد تجمع کردند. این اعتراض در تمام شهرستانهای استان بوده است که تعداد اعتراض کنندگان بالا گزارش شده است.

### معلمان پیش دبستانی گیلان مقابل اداره کل آموزش و پرورش تجمع کردند

ایلنا، ۲۶ شهریور - جمعی از معلمان پیش دبستانی گیلان در اعتراض به شرایط در نظر گرفته شده برای آزمون استخدامی آموزش و پرورش، در مقابل اداره کل آموزش و پرورش گیلان تجمع کردند.

این معلمان که همگی خانم هستند، معتقدند در بخشنامه مربوطه آمده است کسانی که حقوق بگیر آموزش و پرورش بودند می توانند در این آزمون شرکت کنند و این در حالی است که معلمان پیش دبستانی گیلان مدرکی دال بر دریافت حقوق از وزارت آموزش و پرورش ندارند، زیرا در این مدت از شهریه بچه های مهد کودک حقوق شان پرداخت می شده و بیمه نبوده اند.



تجمع کنندگان می گویند با تمام تلاشی که برای حل مشکل خود داشته اند و از نمایندگان و مسوولان برای رسیدگی به وضعیت خود کمک خواسته اند، اما تاکنون راه به جایی نبرده و برای رسیدن به حق

خود دست به تجمع در برابر نهادهای مربوطه می زنند.

دوین روز جمع جمعی از معلمان پیش دبستانی گیلان، صبح روز ۲۸ شهریور به منظور پیگیری مشکلات استخدامی شان مقابل استانداری گیلان برگزار شد.

گفتنی است، نزدیک به یک ماه گذشته نیز بیش از ۱۵۰۰ معلم از نیروهای خرید خدمات، آموزشی و پیش دبستانی گیلان و سراسر کشور روبروی مجلس شورای اسلامی تجمع کرده بودند.

### تجمع آموزشیاران نهضت سوادآموزی مقابل مجلس

ایسنا، ۳۰ شهریور - جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی امروز مقابل مجلس تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار تعیین تکلیف وضعیت آموزش دهندگان طرح فرد به فرد نهضت سوادآموزی بودند. آموزشیاران نهضت سوادآموزی پیش از این نیز بارها با تجمع مقابل مجلس پیگیر وضعیت استخدامی خود بوده اند.

**به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید**

**[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)**

## زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری



### افزایش ازدواج کودکان در بنگلادش

سلام خبر، ۳ شهریور - ازدواج اجباری دختران در بنگلادش به معضلی جدی تبدیل شده و خانواده ها به دلیل مشکلات اقتصادی و فرهنگی، دختران را زیر سن قانونی به خانه بخت می فرستند.

به گزارش "گاردین"، تازه ترین گزارش "دیده بان حقوق بشر" حاکی از آن است که حدود ۳۰ درصد از دختران بنگلادشی پیش از رسیدن به سن ۱۵ سالگی به ازدواج واداشته می شوند. اگر چه

ازدواج کودکان در این کشور از لحاظ قانونی ممنوع است، اما بسیاری با پرداخت رشوه، تاریخ تولد ذکر شده در شناسنامه این دختران را تغییر می دهند تا بتوانند قصد خود را عملی سازند.

دیده بان حقوق بشر در گزارش خود از بنگلادش خواسته پیش نویس قانونی که سن ازدواج را به ۱۶ سال کاهش می دهد، لغو کند و گامهایی جدی در راه مقابله با معضل ازدواج کودکان بردارد.

بنگلادش از جمله کشورهایی است که با توجه به فاجعه ها و سانحه های طبیعی پیاپی با معضل فقر دست به گریبان است و از آنجایی که دختران در خانواده های فقیر باری اقتصادی تلقی می شوند، در سنین کم آنها را شوهر می دهند. بر اساس تجربیات کارشناسان، قانون تحصیل اجباری در دوره های ابتدایی و متوسطه، دختران نوجوان را از خطر ازدواج زودهنگام در امان نگاه می دارد.

### هیلاری کلینتون: نگاه جمهوری خواهان به زنان شبیه تروریستهاست

دوپیچه وله، ۶ شهریور - "هیلاری کلینتون"، یکی از نامزدهای "حزب دموکرات" برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، در یک گردهمایی انتخاباتی از جمهوری خواهانی که به گفته او نگاهی مشابه گروههای افراطی و تروریست نسبت به زنان دارند، به شدت انتقاد کرد.

کلینتون بدون اشاره به گروه تروریستی خاصی گفت: "ما از برخی گروههای تروریستی و یا کسانی که نمی خواهند در جهان مدرن زندگی کنند، انتظار داریم که دیدگاههای افراطی در مورد زنان داشته باشند، اما بسیار دشوار است بپذیریم جمهوری خواهانی که می خواهند رئیس جمهور آمریکا شوند، چنین نظراتی را ابراز کنند. آنها برای آمریکای قرن بیست و یکم [انتخابی] هولناک هستند." این نامزد پیشتر دموکراتها به طور مستقیم جمهوری خواهان را متهم کرد که نگاه شان به مسایل زنان "به تروریستها شبیه است".

در واکنش به این اظهارات، "الیسون مور"، سخنگوی کمیته ملی جمهوری خواهان، با بیان اینکه کلینتون باید فوراً از "لفاظیهای تنش آفرین" خود عذرخواهی کند، افزود: "مقایسه مخالفان سیاسی با تروریستها تازه ترین نشانه سقوط کارزار انتخاباتی در حال شکست او است." کلینتون موضوعاتی همچون دستمزد برابر برای زنان، حق سقط جنین، آموزش و پرورش دوران کودکی را در محور تبلیغات انتخاباتی خود قرار داده است.

### مسوول بسیجی: متاسفانه تحرکات فمینیستها در کشور بیشتر شده است

خبرگزاری بسیج، ۸ شهریور - بیست و یکمین جلسه مدیران روابط عمومی اقشار و معاونتهای تخصصی بسیج به میزبانی سازمان بسیج جامعه زنان و با حضور معاون روابط عمومی بسیج و مسوول بسیج جامعه زنان برگزار شد.



مینو اصلانی، مسوول سازمان بسیج جامعه زنان، در این نشست با اشاره به حمله های دشمنان در موضوع زنان و خانواده تصریح کرد: "متاسفانه طی دو سال قبل، تحرکات فمینیستها در کشور بیشتر شده است، تا جایی که متولیان امر در سفر اخیر خود به نیویورک تعهدات زیادی در حوزه زنان به سازمان ملل داده اند که این تعهدات در مسایلی همچون تساوی زن و مرد یا اشتغال بیشتر زنان و ... می باشد که هدف آن تضعیف بنیان خانواده است."

اصلانی در پایان به نقش بسیج جامعه زنان در مقابل این تهاجمات فرهنگی و اجتماعی پرداخت و افزود: "به اقرار رسانه های غربی، بویژه بی بی سی، رسانه دولتی انگلستان، بسیج جامعه زنان اقدامات موثری در مقابل حمله های گوناگون کشورهای غربی به زنان انجام داده است."

### یک شورای محلی در هند دو خواهر را به تجاوز گروهی محکوم کرد

پورونیز، ۹ شهریور - شورای ریش سفیدان روستایی در ایالت "اوتار پرداش" در شمال هند، دو دختر ۱۵ و ۲۳ ساله یک خانواده را به تجاوز محکوم کرد. بنا بر حکم این شورا، دو خواهر مذکور به جرم فرار برادرشان با یک زن از کاست بالاتر از خود، باید توسط مردان خانواده دختر فراری مورد تجاوز گروهی قرار گیرند و با تن برهنه در روستا چرخانده شوند. خانواده این دو دختر به کاستی تعلق دارند که در اصطلاح آنها را "دالیت" یا نجس می نامند.



سازمان عفو بین الملل با محکوم کردن اقدام این شورا، کارزاری را به راه انداخته و از پلیس هند خواسته است اعضای این شورا را دستگیر کرده و این دو دختر را از خطر تجاوز نجات دهد.

پلیس اوتار پرادش می گوید بر طبق تحقیقاتی که انجام داده، تاکنون هیچ تهدیدی علیه این دختران صورت نگرفته است.



تاکنون بیش از ۱۲۰ هزار نفر طوماری را برای ارایه به دادگاه عالی هند امضا کرده و چندین تجمع نیز در اعتراض به این امر در کشور برگزار شده است. این دو دختر که توانسته اند از روستای خود بگریزند، علیه این شورای محلی به دادگاه عالی هند شکایت کرده و از دولت خواسته اند امنیت جانی آنها را تامین کند. آنها می گویند نگران خانواده خود هستند که در این روستا مانده اند و احتمال این وجود دارد که افراد کاست "جط" به اعضای مذکر خانواده آسیب برسانند.

"میناکشی کوماری"، دختر ۲۳ ساله این خانواده در یک گفت و گو با شرح آنچه که اتفاق افتاده، می گوید: "آنها با تهدید خانواده ما گفتند که ناموس باید در برابر ناموس قرار بگیرد. آنها می گویند آن رفتاری که با یک زن از کاست ما - زنی از طبقه جط - انجام داده اید، باید با شما انجام بدهیم. شما دو دختر در خانه دارید و هر دوی این دخترها باید مورد تجاوز قرار بگیرند." احکام صادر شده توسط این شوراها که در زبان محلی به آن "پانچایات" گفته می شود، ارزش حقوقی ندارد، اما به دلیل جایگاه برتر آنها در مناطق روستایی، این احکام از سوی مردم مورد اجرا قرار می گیرد.



### یونیسف: شمار زنان و کودکان مهاجر افزایش یافته است

یورونیوز، ۱۰ شهریور - مقدونیه در مرز بین یونان و صربستان یکی از گذرگاههایی است که پناهجویان و مهاجران در راه رسیدن به کشورهای اروپای غربی از آن عبور می کنند. حدود ۵۰۰ نفر از آنان روز سه شنبه ۱۰ شهریور با اسکورت پلیس یونان وارد مقدونیه شدند. "کریستف بولیراک"، سخنگوی صندوق کودکان ملل متحد، یونیسف، می گوید، شمار زنان و کودکان مهاجر نسبت به گذشته افزایش یافته

است. وی می افزاید: "روزانه حدود ۳۰۰۰ مهاجر از جمهوری یوگسلاوی سابق، مقدونیه، عبور می کنند. در ماه ژوئن ۱۰ درصد آنان را زنان و کودکان تشکیل می دادند. این رقم اکنون به ۳۰ درصد افزایش یافته است. حدود ۱۲ درصد از این زنان مهاجر هم باردارند."

رهبان کشورهای اروپایی با اذعان به وسعت بحران مهاجرت خواستار همگرایی و قبول مسوولیت از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا شده اند، اما از ارایه راه حل باز مانده اند. دو عامل اصلی بحران مهاجرت، فقر و جنگ در آفریقا، خاورمیانه و آسیاست و مواجهه با این بحران نه عزمی اروپایی و منطقه ای، که عزمی جهانی را می طلبد.

### جان دادن زن فقیر در بیمارستان به خاطر نداشتن هزینه زایمان

روز نو، ۱۱ شهریور - در حادثه ای دردناک زن فقیری به دلیل نداشتن پول برای بیمارستان جان خود را از دست داد. در بیمارستانی در شهرستان سلماس از توابع استان آذربایجان غربی، یک زن حامله که به تشخیص دکتر باید با عمل جراحی فرزند خود را به دنیا می آورد، به خاطر نداشتن هزینه عمل مجبور به زایمان طبیعی شده و جان خود را از دست داد.

همسر این زن حامله به اسم "ولی" یک کارگر روزمزد بوده که می گوید: "بیمارستان برای عمل جراحی همسرم از من هزینه میلیونی خواسته و وقتی به آنها توضیح دادم که از عهده تامین چنین هزینه ای بر نمی آیم، همسرم را مجبور به زایمان طبیعی کردند که در بحبوحه تولد نوزاد، جان خود را از دست داد."

همسایه ها و اطرافیان هم در مورد زوج فقیر می گویند، آنها در یک اتاق کوچک اجاره ای زندگی می کردند و زندگی بسیار فقیرانه ای داشتند.

### مولاوودی: خنثی نیستیم، طبق ماده ۲۳۰ قانون عمل می کنیم و اقدامات لازم را در ۱۴ محور انجام دادیم

ایلنا، ۱۳ شهریور - شهیندخت مولاوودی در پاسخ به این سوال که این تصور وجود دارد که معاونت شما آنطور که باید و شاید خروجی ملموسی برای زنان نداشته گفت: "این تصور برمی گردد به اینکه شناخت درستی از معاونت زنان وجود ندارد."

وی اضافه کرد: "این تصور نشان می دهد که چندان واقع بینانه به ساختار، شرح وظایف و مأموریت ما نگاه نمی کنند." وی افزود: "ما طبق ماده ۲۳۰ قانون عمل می کنیم و با همکاری دستگاههای اجرایی در راستای آنچه که قانون از ما خواسته، تفاهم نامه هایی را به امضا رساندیم و اقدامات لازم را در ۱۴ محور انجام دادیم."

معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده تصریح کرد: "ولی اینکه در دو سال آن هم با وضعیتی که ما معاونت را تحویل گرفتیم، این انتظار وجود داشته باشد که خروجی صد درصدی و منجر به تغییر وضعیت زنان و خانواده حاصل شود، انتظار به جایی نیست."

### منوع الخروج شدن کاپیتان تیم ملی فوتبال زنان توسط همسرش

فیس بوک/دویچه وله، ۲۰ شهریور - نیلوفر اردلان، کاپیتان تیم ملی فوتبال زنان، نخستین حضور تیم ایران در جام ملتهای آسیا را به دلیل عدم اجازه همسرش در خروج از کشور از دست داد. وی که هافبک چپ است، در سالهای گذشته پیشنهادهای از کشورهای منطقه نیز داشته است.



او به پایگاه خبری "نسیم" گفت: "مسابقات جام ملتهای آسیا برای نخستین بار برگزار می شود و من هم در اردوهای تیم ملی تمرینات خوبی را زیر نظر خانم سلیمانی انجام دادم، اما همسرم پاسپورتم را

برای حضور در این مسابقات نداد و به دلیل مخالفت همسرم برای سفر به خارج از ایران، این رقابتها را از دست دادم." این اقدام مهدی توتونچی، همسر خانم اردلان که خود از مجریان و خبرنگاران فعال برنامه های ورزشی سیماست و دارای مدرک کارشناسی در رشته کامپیوتر است، موجب خشم و اعتراض بسیاری شده است.

طبق قانون گذرنامه در جمهوری اسلامی، زنان شوهردار برای خروج از کشور به موافقت کتبی همسر و در موارد اضطراری به اجازه دادستان نیاز دارند. بر همین اساس، اگر همسر یک زن ایرانی اجازه خروج را پس بگیرد، از خروج زن از کشور جلوگیری و گذرنامه او تا رفع مانع ضبط خواهد شد.

نیلوفر اردلان در دو دوره بازیهای کشورهای اسلامی عنوان "خانم گل" را کسب کرد. قهرمانیهای پیاپی در لیگهای فوتبال و فوتسال زنان، دو دوره نایب قهرمانی مسابقات فوتبال زنان غرب آسیا و راهیابی به مرحله نیمه نهایی مسابقات انتخابی المپیک ۲۰۱۲ لندن از جمله دیگر افتخارات اردلان هستند.

تیم فوتبال زنان ایران در نیمه نهایی رقابتها انتخابی المپیک لندن به دلیل پوشش بازیکنان از مسابقات کنار گذاشته شد.

## کارورزان سلامت

امید برهانی

### دستاورد های مهم اعتراضات یک سال اخیر پرستاران

افشای بی سابقه نابرابریهای فاحش و طبقاتی شدن سیستم بهداشت و درمان، حساس شدن کل جامعه به این بخش از نیروهای کار، باز شدن پای مشکلات این صنف به مراجع قانونی و مجلس و سرانجام پیروزی اکثریتی نمایندگان جامعه پرستاری در انتخابات اخیر سازمانهای نظام پرستاری در تمام شهرها. تلاش مسوولان وزارتی در به سکوت کشاندن این اعتراضها از راههای مقطعی، دلجوییهای ظاهری و یا حتی برآشفستگی و توهینهای مکرر لفظی به پرستاران از یکسو و شکل گیری و سامان یافتن کادرهای تازه انتخاب شده نظام پرستاری از سوی دیگر، باعث شد تا در ماه گذشته اعتراضها کمتر به صورت تجمع و بیشتر به صورت واکنشهای رسمی این سازمانها در قالب نامه های سرگشاده و بیانیه های تند و سوال از وزیر در صحن مجلس، در مورد عدم توجه به مطالبات پرستاران و نادیده گرفتن قانون از پیش تصویب شده، تعرفه گذاری خدمات پرستاری نمود و ادامه پیدا کند. در گزارش این ماه از وضعیت و فعالیت کارورزان سلامت، از جمله تلاش شده تا مهم ترین این واکنشها و وقایع و تحلیلهای مربوط با استفاده از منابع خبری داخلی ایسنا، سلامت نیوز، شهر آرا، خانه پرستار و مهر در اختیار خوانندگان "نبرد خلق" و سایر کنشگران قرار گیرد.

### اخراج ۴ پرستار فعال و معترض بیمارستان امیر اعلم تهران



در پی اعتصاب پرستاران بیمارستان امیر اعلم تهران در اعتراض به "طرح پرداخت مبتنی بر عملکرد" و به تعطیلی کشاندن بخشها و اتاقهای عمل در آخرین روز تیر ماه، ۴ تن از فعالان شناخته شده پرستاران که دو نفر آنها هم در انتخابات اخیر نظام پرستاری جزو رای آورندگان و هیات مدیره جدید بودند، با حکم بدوی واحد رسیدگی به تخلفات اداری از کار برکنار شدند. در توجیه این رای و عمل، رییس دانشگاه علوم پزشکی تهران

اعتراضها را منطقی اما کنسل شدن اعمال جراحی و درمان در بخشها را "خط قرمز" نامید. این کار خشم پرستاران را دوباره برانگیخت و واکنشهای بسیاری در سازمانهای صنفی و رسمی پرستاران ایجاد کرد.

### موج سراسری همبستگی جامعه پرستاری با فعالان صنفی اراچی

اخراج چهار فعال پرستاری بیمارستان امیر علم تهران، موج حمایت و همبستگی همکاران آنها در سراسر کشور و اعتراض آنها به این اقدام را برانگیخته است. جوامع پرستاری با صدور بیانیه هایی ضمن اعلام پشتیبانی از فعالان مزبور، خواستار بازگشت بدون قید و شرط آنها به کار و متوقف شدن فشار بر تشکلهای و کوشندگان صنفی شدند. هیات مدیره نظام پرستاری مشهد می نویسد: "ضمن حمایت و تاکید بر انجام وظایف قانونی نمایندگان پرستاران، در مورد راههای مواجهه با تهدیدهای اینچنینی در انجام مسوولیت های قانونی تصمیم گیری خواهیم کرد."

نظام پرستاری رشت تاکید دارد: "زمان تهدید و اخراج گذشته و چنین برخوردهایی ره به جایی نخواهد برد." نظام پرستاری یزد "این حکم ظالمانه" را محکوم و به صادر کنندگان "توصیه اکید" کرده که "قبل از بیشتر جریحه دار شدن احساسات جامعه پرستاری کشور، هر چه سریع تر نسبت به این حکم تجدید نظر نمایند." هیات مدیره نظام پرستاری آبادان اخراج فعالان را "نشانه وجود عصبانیت در مسوولان نظام سلامت از حرکت های حق جوینانه جامعه پرستاری و گرفتن زهره چشم از آنان" ارزیابی کرده و ابراز امیدواری کرده که "در پیگیری این موضوع، جامعه پرستاری بر اساس اتحاد و همدلی اقدام کند."

هیات مدیره نظام پرستاری استان بوشهر هشدار داده است: "برخوردهای تند و رعب آور و غیرمتعارف نه تنها گره ای از مشکلات را باز نخواهد کرد، بلکه بازخورد آن چه بسا بمراتب سخت تر و زیانبارتر باشد." این تشکل نیز خواستار توقف و لغو حکم اخراج فعالان شده است.

هیات مدیره نظام پرستاری شیراز و شهرستانهای تابعه در بیانیه ای "به نمایندگی از طرف بیش از ده هزار پرستار استان فارس، اعتراض شدید خود را به برخورد ظالمانه با همکاران پرستار در بیمارستان امیراعلم تهران اعلام داشته".

### الزام پرستاران به اضافه کاری اجباری برای استخدام نکردن پرستاران بیکار

خبرده، ۳ شهریور - جمعی از پرستاران مجتمع بیمارستانی خمینی (هزار تختخوابی) تهران، در نامه ای نسبت به طرح "من درآوردی" رییس این مجتمع به شدت اعتراض نمودند.

در این نامه گفته می شود، دکتر خراسانی، رییس مجتمع بیمارستانی خمینی، که بزرگترین بیمارستان خاورمیانه محسوب می شود، به جای درخواست رسمی از دانشگاه علوم پزشکی تهران برای جذب نیرو، پرسنل رسمی این نهاد درمانی را تحت فشار شدید قرار داده است تا به منظور جبران کمبود شدید نیرو، مازاد بر ساعت موظف کار کنند و مبلغی ناچیز را به عنوان اضافه کار دریافت نمایند.

دکتر خراسانی تصمیم فوق را پس از ناکارآمد بودن طرح عجیب وزارت بهداشت مبنی بر استفاده از دانشجویان پرستاری در اتاقهای عمل جراحی و وقوع چندین اشتباه پزشکی در جراحیها اتخاذ نموده و به مترون، سوپر وایزرها و هدرنس ها دستور اکید داده است تا هرچه سریع تر و بر خلاف رویه قانونی و عادی، ساعات کار پرسنل، به ویژه کارشناسان اتاقهای عمل جراحی را به شدت افزایش دهند.

پرستاران ضمن اعتراض به این طرح، از دانشگاه علوم پزشکی تهران و دکتر هاشمی، وزیر بهداشت، خواستار ورود عاجل و موثر به این موضوع شده و کان لم یکن شدن طرح دکتر خراسانی را به طور جدی خواستار شده اند. آنها تاکید کرده اند در صورت عدم ورود فوری وزیر بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی تهران، بر خلاف میل باطنی، به صورت دسته جمعی نزد دیوان عدالت اداری طرح شکایت خواهند نمود.

### توهین دوباره وزیر به پرستاران



۴ شهریور - سید حسن هاشمی، وزیر بهداشت که برای ارایه گزارش عملکرد خود به مجلس رفته بود، در واکنش منفی به قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری مصوب ۸ سال پیش، تمام خدمات پرستاری تعریف شده و کد دار را در تعبیر عوامانه و لمپنی "آمپول زدن به اندامهای فوقانی و تحتانی مردم" خلاصه کرد و به این ترتیب ضمن به کار بردن اصطلاح "آمپول زن" به جای پرستار، بر رویکرد آمرانه و پزشکی سالارانه خود بر نیروهای کار پیراپزشکی و مخالفت آشکار با

ایفای حقوق قانونی آنها مهر تایید گذاشت. این دومین توهین فاحش و آشکار این پایور حکومتی به کارورزان سلامت، بعد از "کف خیابانی" خواندن اعتراضات آنها در چند ماه قبل است. حرفهای این لمپن تحصیلکرده و برکشیده دولت "تدبیر و امید" واکنشهای بسیار زیادی در جامعه بزرگ پرستاری و پیراپزشکی ایران ایجاد کرد.

### واکنش گسترده به توهین وزیر به پرستاران

توهین وزیر بهداشت به پرستاران و کارکنان بیمارستانها خشم آنها را برانگیخت. اظهارات وهن آمیز وی در مجلس با واکنش تند جامعه پرستاری مواجه شد که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

دبیرکل خانه پرستار: "جامعه پرستاری خواستار عذرخواهی وزیر است و حداقل انتظار از معاون و مسوول بورد پرستاری این است که در واکنش به اظهارات وزیر استعفا دهد."

نظام پرستاری زاهدان: "آقای وزیر! ما آمپول زن نیستیم و اگر فرصت مطالعه داشتید، یکبار کتاب استانداردهای پرستاری ما را که برگرفته از بهترین دانشگاههای جهان است، مطالعه بفرمایید. آمپول زن همانهایی هستند که سکوت کردند و بس!" هیات مدیره نظام پرستاری تهران: جناب وزیر! به حق ما در مورد قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری با توهین و بدگویی شما خدشه ای وارد نمی شود. توصیه می کنیم شان والای خود را در فرمایشات خود لحاظ نموده و به حداقل انتظار جامعه پرستاری که عذرخواهی جنابعالی از این قشر زحمتکش است، جامه عمل بپوشانید."

نظام پرستاری استان ایلام: "سخنان وزیر پزشکان در مجلس مهر تایید نهایی بر این تفکر است که ایشان نماینده قشر پرستار نبوده و فقط وزیر پزشکان می باشد، وگرنه در کجای عالم دیده شده که وزیری برای دفاع از تصویب و اجرای یک طرح در مجلس با چنین ادبیات سخیفی سخنرانی کرده و در لفافه، مجلس را علیه طرفداران طرح تعرفه گذاری بشوراند." نظام پرستاری یزد: جناب وزیر بهداشت بهتر است در مواضع تنگ نظرانه خود نسبت به جامعه پرستاری تجدید نظر کرده و قبل از تحریک بیشتر احساسات جامعه پرستاری کشور، هر چه سریع تر بابت توهین صورت گرفته به این قشر خدوم، اقدام به عذرخواهی رسمی نماید."

انجمن اسلامی دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران: "سخت است که باور کنیم وزیر محترم دولت "تدبیر و امید"، نماینده کل جامعه پزشکی و سلامت کشور چنین جملاتی را آن هم از صحن "مجلس نمایندگان مردم" بیان کرده باشند. ما دانشجویان پرستاری، استفاده وزیر محترم بهداشت از ادبیات غیر آکادمیک را ناپسند دانسته و این اقدام ایشان را محکوم می نماییم."



### تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان گرگان

گلستان ما، ۲۰ شهریور - صبح روز پنج شنبه ۱۹ شهریور، تعدادی از پرستاران بیمارستان صیاد شیرازی گرگان در اعتراض به برخی پرداختهای طرح کارانه مبتنی بر عملکرد خود، در محوطه بیمارستان صیاد شیرازی گرگان تجمع اعتراض آمیزی بر پا کردند.

پرستارانی که در محوطه بیمارستان تجمع نموده بودند، با وساطت مسوولان به آمفی تئاتر راهنمایی شدند تا در حضور مسوولان مربوطه به اعتراض آنان رسیدگی شود.

این پرستاران معتقد هستند این پرداختها مناسب نبوده و میزان این کارانه باید تغییر نماید. اما علی عموزاد مهدیرجی، معاون پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، می گوید: "عملکرد اردیبهشت ماه به پرسنل پرداخت شده که اکثرا رضایت داشتند، اما حدود ۳۰ نفر از پرستاران به طرح کارانه اعتراض داشتند."

وی افزود: "شاید این تجمع به دلیل ضعف در اطلاع رسانی ما یا کم حوصلگی همکاران ما باشد.

گفتنی است، چندی پیش برخی پرستاران بیمارستان ۵ آذر گرگان نیز اعتراضاتی را در خصوص مسایل صنفی داشتند.

### ناله بیماران از بیمارستانهای خصوصی / فاکتورهای پولساز

خبرگزاری مهر، ۲۵ شهریور - شاید یکی از آسیبهای طرح تحول نظام سلامت متوجه بیمارستانهای خصوصی باشد که باعث شده برای تامین هزینه های خودشان، جیب آن تعداد از بیماران بستری را به بهانه خدماتی که ارائه می دهند، خالی کنند.

رفتن به بیمارستانهای خصوصی برای آن دسته از بیماران که مشکل مالی ندارند، هیچ مشکلی به وجود نمی آورد. اما هستند بیمارانی از طبقه حقوق بگیر و کم درآمد جامعه که مجبور می شوند برای درمان، بیمارستان خصوصی را انتخاب کنند. در حالی که این انتخاب برای آنها خیلی گران تر از آن چیزی که تصور می کنند، تمام می شود. تا جایی که مجبور می شوند قرض بگیرند تا سلامت خود را به دست بیاورند. بخش خصوصی در یک سال و چند ماه از اجرای "طرح تحول نظام سلامت" به شدت دچار مشکلات مالی شده و از همین رو، بیمارستانهای خصوصی سعی دارند به انحای مختلف، هزینه های خود را از جیب آن دسته از بیماران که پذیرش می کنند، تامین نمایند. همین مساله باعث شده تا نحوه فاکتور نویسی بیمارستانهای خصوصی تغییر کند و هزینه هایی برای بیماران بتراشند که شاید خارج از تصور بیمار باشد. یکی از مشکلات بیماران در مراجعه به بیمارستانهای خصوصی، دریافت نقدی هزینه های بیمارستانی از بیماران است. زیرا، اکثر بیمارستانهای خصوصی از نحوه همکاری بیمه های تکمیلی گلایه دارند و همین مساله باعث شده تا نسبت به ادامه همکاری با بیمه های تکمیلی تردید داشته باشند.

محمد رضا نوروزی، مشاور وزیر بهداشت در امور بیمارستانهای خصوصی، می گوید: "فقط ۳۰ بیمارستان خصوصی درجه یک تهران از اول امسال بیش از ۵۰ میلیارد تومان طلب معوقه دارند و چرخش مالی آنها مختل شده است." نوروزی ادامه داد: "با اینکه تعرفه های پزشکی جدید مصوب دولت هنوز واقعی نیست و با قیمت تمام شده خدمات فاصله قابل توجهی دارد، اما اکثر بیمه های تکمیلی تعرفه های جدید مصوب دولت را نپذیرفته اند. به همین علت بسیاری از بیمارستانها در سال جاری قرارداد جدیدی با بیمه ها منعقد نکرده اند و بیشتر این بیمارستانها بر مبنای قرارداد و تعرفه های سال گذشته محاسبات مالی را انجام می دهند و مابه التفاوت رقم تعرفه ها را خود بیمار باید پرداخت کند."

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

## دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

### اعتراض به تبدیل خوابگاه متاهلی به مجردی به علت تبعات امنیتی



با روی کار آمدن دولت جدید و تغییرات مدیریتی در دانشگاه تهران، پروژه تبدیل بخشی از خوابگاههای متاهلی کوی دانشگاه به خوابگاه مجردی در دستور کار قرار گرفته است. علی رغم برخی تذکرات نسبت به تبعات امنیتی، اجتماعی و اقتصادی این طرح، متاسفانه نشانه هایی مبنی بر توجه به این تذکرات نیز دیده نمی شود.

مهم ترین نکته قابل توجه در این باره چیزی از جنس امنیت است. تا سال ۸۸، خوابگاه مجردی (به نامهای ۱۹-۱۸ و ۲۱-۲۰) به دلیل نزدیکی به درب جنوبی کوی دانشگاه، نزدیکی به دانشکده فنی و از

همه مهم تر، نزدیکی به خیابان امیرآباد، جزو حساس ترین و فتنه خیزترین ساختمانهای کوی بودند. اما پس از وقایع ۸۸ کوی، دانشگاه تهران با هماهنگی نهادهای ذیربط به درستی تصمیم گرفت با تغییر کاربری این دو ساختمان از خوابگاه مجردی به خوابگاه متاهلی به نام "غدیر"، هم از حساسیت کوی بکاهد و هم از دانشجویان دکتری متاهل حمایت بیشتری کند.

متأسفانه علیرغم حسن نیت مدیران جدید، شتابزدگی در مجردی سازی غدیر ۲ می تواند احتمال بازگشت به شرایط نامطلوب سال ۸۸ و ۷۸ را تقویت کند و این محدوده از کوی دانشگاه را بار دیگر به عنوان ظرفیتی قابل استفاده برای فتنه انگیزان در بیاورد. (رجانیوز، ۳۱ مرداد)

### دهن کجی دانشگاه آزاد رفسنجان به "رهبر"

حجت الاسلام رضانی پور، امام جمعه رفسنجان، با اشاره به برگزاری کنسرت موسیقی محسن یگانه در سالن فرهیختگان دانشگاه آزاد گفت: "در ۲۴ ماه رمضان در جمع دانشجویانی که خدمت رهبر رسیده بودند یکی از دانشجویان برگزاری کنسرت در دانشگاه را مطرح کرد که حضرت آقا فرمودند "یکی از غلط ترین کارهایی که در دانشگاه صورت می گیرد، کنسرتهای موسیقی است." فرد می گوید ما برگزار کردیم و مسوولان چیزی نگفتند، مگر مسوولان با شما موافق هستند که بخواهید چنین غلطهایی بکنید." وی در ادامه با بیان اینکه کلمه کنسرت بار منفی دارد گفت: "خانه ای که در آن آوازه خوانی صورت گیرد، مرگ ناگهانی در آن رخ می دهد." در همین رابطه تعدادی از بسیجیان دانشجو نیز با حضور در دفتر امور فرهنگی این دانشگاه نسبت به آنچه "عدم توجه مسوولان دانشگاه به فرمایشات رهبر انقلاب مبنی بر عدم ترویج موسیقی در محیط دانشگاهی" می دانستند، اعتراض کردند.

رئیس نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها هم با اشاره به برخی تلاشهای صورت گرفته در دانشگاهها برای برگزاری کنسرت گفت: "برگزاری کنسرت در دانشگاهها را جزو سیاستهای فرهنگی وزارت علوم نمی دانیم و این موضوع به دانشگاهها هم ابلاغ شده است و دانشگاهها هم حق برگزاری کنسرت در محیط دانشگاه را ندارند." (خبرنامه دانشجویان ایران/ مهر، ۲ و ۴ شهریور)

### سه رییس دانشگاه دیگر انتصاب شدند

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری سرپرستان دانشگاههای هنر شیراز، گنبدکاوس و فناوریهای نوین آمل را که ریاست آنها مورد تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته، به مدت چهارسال به عنوان رییس دانشگاه منصوب کرد. محمد فرهادی در احکام جداگانه ای دکتر علیرضا عسگری، دکتر حسین گلچینی و دکتر اکبر حاجی زاده مقدم را به مدت چهار سال به ریاست دانشگاههای یاد شده منصوب کرد. (ایسنا، ۲ شهریور)

### شکایت دانشگاه تهران از تشکل بسیجی

دانشگاه تهران در شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع شهید بهشتی از یک تشکل دانشجویی شکایت کرد. دلیل این شکایت مکانی است که سالهاست در اختیار این تشکل دانشجویی قرار دارد و مسوولان دانشگاه خواستار تخلیه آن هستند. (خبرگزاری فارس، ۷ شهریور)

### تجمع ساکنان خوابگاه غدیر دانشگاه تهران

جمعی از دانشجویان متاهل خوابگاه غدیر دانشگاه تهران در اعتراض به تلاش مسوولان این دانشگاه برای اختصاص خوابگاه آنها به دانشجویان مجرد مقابل دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تجمع کردند. یکی از دانشجویان دکتری متاهل ساکن در خوابگاه غدیر دانشگاه تهران گفت: "دانشگاه قصد دارد خوابگاهی را که چند میلیارد تومان برای آن هزینه شده است، دوباره به خوابگاه مجردی تبدیل کرده و دانشجویان متاهل را که دارای قرارداد هستند، بیرون کند بدون اینکه پیشنهاد و یا جایی برای آنها مشخص شده باشد." وی افزود: "علی رغم اینکه دانشگاه تهران اعلام کرده است که ما فشاری به دانشجویان نمی آوریم، فشارهای خود را با عدم رسیدگی به وضعیت بهداشت خوابگاه، قطع اینترنت، قطع تلفن آغاز کرده اند."

معترضان اعلام کردند: "از دکتر نیلی، رییس دانشگاه تهران و دکتر بهنژاد، معاون دانشجویی دانشگاه تهران، از طریق قوه قضاییه و دیوان عدالت اداری شکایت کردیم." (خبرگزاری مهر، ۱۸ شهریور)

### شهریه دانشگاههای غیر دولتی چقدر افزایش پیدا کرده؟

اسامی دانشگاه های غیردولتی	نرخ افزایش شهریه نسبت به سال تحصیلی 93.94
دانشگاه آزاد اسلامی	15 درصد در شهریه ثابت و متغیر برای ورودی های جدید 15 درصد در شهریه متغیر برای ورودی های 93 و قبل از آن (شهریه ثابت تغییری نداشته)
دانشگاه پیام نور	15 درصد در شهریه ثابت و متغیر برای ورودی های جدید 15 درصد در شهریه ثابت و متغیر برای دانشجویان فعلی
دانشگاه جامع علمی و کاربردی	15 درصد در شهریه ثابت و متغیر برای ورودی های جدید 15 درصد در شهریه ثابت و متغیر برای دانشجویان فعلی
دانشگاه های غیرانتفاعی	20 درصد در شهریه ثابت و متغیر برای ورودی های جدید 20 درصد در شهریه متغیر برای دانشجویان فعلی (شهریه ثابت تغییری نداشته)
دوره های شبانه و پردیس های خودگردان	20 درصد در شهریه ثابت و متغیر برای ورودی های جدید 20 درصد در شهریه ثابت و متغیر برای دانشجویان فعلی

تناسب افزایش هزینه ها با میزان تورم موجود در کف جامعه از انتظارات قشر دانشجویی است. ناگفته پیداست دیوار تورم برای مسوولان دانشگاههای غیردولتی کوتاه است و همه آنها افزایش شهریه ها را به گردن همین کلمه چهار حرفی می اندازند. اما گاهی افزایش هزینه ها از میزان تورم هم فراتر می رود و هیچ مقام مسوولی در این باره به دانشجویان پاسخگو نیست. افزایش قیمت کتب دانشگاهی، گران شدن کرایه های حمل و نقل، افزایش قیمت غذای دانشجویی، افزایش شهریه خوابگاه، محدودتر شدن میزان وامهای دانشجویی و افزایش شهریه

های ثابت نیم سالهای تحصیلی امروز به یک چالش بزرگ برای دانشجویان تبدیل شده است. و حال افزایش شهریه نیز از راه رسیده است. (خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۰ شهریور)

### آغاز سال تحصیلی و یک میلیون صندلی خالی دانشگاهها



یکی از معضلاتی که طی چند سال اخیر جوانان را به آن دچار کرده است، کاهش شوق و ذوق رفتن به دانشگاه یا انصراف و ترک تحصیل است. بنابه برخی آمارها، تعداد صندلیهای خالی دانشگاهها به هفت رقمی شدن نزدیک شده است. دی ماه سال قبل بود که محمد فرهادی، وزیر علوم، با صراحت اعلام کرد که آمار ظرفیتهای خالی در دانشگاهها به ۸۰۰ هزار صندلی خالی رسیده است. چند روز قبل هم دوباره فرهادی از وجود ۳۰۰ هزار صندلی خالی در کنکور ۹۴ خبر داد.

در این میان، قابل تامل ترین اظهار نظر را باید به سرپرست دانشگاه جامع علمی کاربردی نسبت داد. محمد اخباری گفت: "هم اکنون یک میلیون صندلی در دانشگاهها خالی مانده است و این روند همچنان ادامه خواهد داشت و این فرآیند روی دانشگاه ما نیز اثر خواهد گذاشت." روند افزایشی صندلی خالی در دانشگاهها از اواخر دهه ۸۰ شروع شد، در حالی که در ابتدای دهه ۸۰، صندلی خالی در دانشگاهها چندان معنی نداشت، بخصوص در دهه ۷۰ تعداد صندلیهای دانشگاهی بسیار کمتر از تعداد دانشجویان متقاضی بود.



### بسته تشویقی وزارت بهداشت برای ازدواج دانشجویی



مدیرکل فرهنگی وزارت بهداشت از ارائه بسته تشویقی وزارت بهداشت برای ازدواج دانشجویی به شرط بهتر شدن وضعیت بودجه کشور خبر داد.

دکتر حسام الدین علامه گفت: "رهبر معظم انقلاب اسلامی به درستی بحث افزایش جمعیت را مطرح کردند، نگاه ما این است که با همکاری اداره ارتقای سلامت وزارت بهداشت در بحث سه گانه "بی فرزندی"، "تک فرزندی" و "جمعیت سالمندی" در حوزه چالش جمعیتی آثار هنری را جذب کنیم. در این راستا

بسته ای را برای دانشجویان جدیدالورود در بحث سبک زندگی اسلامی ایرانی، ازدواج دانشجویی و مسایل مربوط به ازدواج آماده کرده ایم و چنانچه وضعیت بودجه کشور بهتر شود، اداره کل دانشجویی بسته تشویقی برای ازدواج دانشجویی با کمک اسپانسرها و خیرین آماده می کند." (ایسنا، ۲۴ شهریور)

### بازداشت ۶ فعال دانشجویی در تهران و کرج

حسین جندقیان، سیامک ملامحمدی (ژووان)، کیانا (دیدار) کریم پور، سپهرداد صاحبان، مهربان کشاورزی و غزال مقدم، از فعالان دانشجویی، از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

نیروهای امنیتی طی مراجعات جداگانه به دو واحد مسکونی در تهران و کرج، این فعالین دانشجویی را بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند.

گفته می شود در حداقل یک مورد، نیروهای امنیتی از زور و شکستن قفل در برای ورود به منزل استفاده کرده اند، همچنین لوازم شخصی و کامپیوترهای بازداشت شدگان را نیز پس از تفتیش منزل با خود برده اند.

از دلایل بازداشت دقیق این افراد اطلاعی در دست نیست. بر اساس گزارشات دریافتی، اکثر بازداشت شدگان از



دانشجویان و فارغ التحصیلان مهندسی دانشگاه خواجه نصیر طوسی هستند.

با وجود تایید بازداشت این افراد از سوی بازپرسی شعبه سوم زندان اوین، خانواده های این دانشجویان تاکنون موفق به ملاقات با فرزندان خود نشده و بازپرسی نیز از پذیرفتن خانواده ها و اطلاع رسانی درباره پرونده سر باز زده است.

(هرانا، ۲۷ شهریور)

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

## گزارشی از جلسه ایران خودرو و سایپا

پرویز شجاعی

در جلسه گروه ایران خودرو و سایپا و سه شرکت تولیدی و مونتاژ گروه بهمن و کرمان موتور، کار به نزاع و دعوا کشید...! در این جلسه که با حضور معاون رئیس جمهوری در تاریخ پنجشنبه ۱۲ شهریور امسال برگزار شد، نماینده ایران خودرو با عصبانیت رو به معاونت رئیس جمهور و وزیر صنایع گفت: آقایان شما در رسانه هابه مردم توهین می کنید و آنها را خائن خطاب می کنید و ما باید تاوان آن را پس دهیم!! در این هنگام معاونت رئیس جمهوری و وزیر صنایع که طی چند روز مورد هجوم رسانه ای بودند، با عصبانیت در جواب نماینده ایران خودرو گفت: آقای عزیز بیا و خدمت کن! شما نزدیک به ۲۰ سال است جنس بونجول و شترگاو پلنگ تحویل ملت می دهید و گاهی قیمت تمام شده را چندین برابر قیمت تمام شده واقعی اعلام می کنید و طی این سالها آن قدر سود بی حد و حصر برده اید و درآمدتان از جیب مشتری مستضعف و فلک زده بادرآمد ذوب آهن و صنایع پتروشیمی برابری می کند، حالا که پس از بیست سال صدای مردم فلک زده درآمده و ما نیز در جهت کمک به شما یک چیزی گفتیم که کار از این خرابتر نشود، حالا مقصر ما شدیم؟؟!!

درحاشیه این نشست و جلسه ای که در پشت درهای بسته انجام شد، دعوای مابین نماینده گروه سایپا با ایران خودرو شدت گرفت. در آن جلسه نماینده ایران خودرو به نماینده سایپا گفت: نصف بیشتر این معضل تقصیر شماست، چرا که پراید و مشتقاتش از کیفیت مطلوب برخوردار نیست. نماینده سایپا در جواب بر رسانه ای شدن آتش سوزی پژوهای جی ال ایکس در سال ۸۳-۸۴ و افتضاح بوجود آمده و گرایش مشتری به سمت تولیدات سایپا را با شعار سایپا «مطمئن» است، تاکید کرد و همین امر سبب آن شد که مشاجره بالا گرفت. در این هنگام معاونت رئیس جمهور با دعوت همگی به سکوت عنوان نمود که؛ دو راه بیشتر وجود ندارد! یا باید به مشتری احترام گذاشته و کیفیت و استاندارد را بالا ببرد تا دوباره رغبت خریدار زیاد شود و یا صبر و مقاومت کنید و با توجه به سودهای هنگفتتان در سالهای گذشته به جبران این رکود بپردازید تا تقاضا دوباره زیاد شود. بدین ترتیب با تدوین صورت جلسه مخفی، این جلسه پر از تنش پایان یافت!

هموطن عزیزم، بنده حقیر که از مدعوین این نشست مخفی بودم و با ترس و لرز این اطلاعات را به رشته تحریر درآورده ام، خود حقوق بگیر و به اصطلاح نان خور یکی از این خودروسازان که چه عرض کنم، مونتاژگران داخل هستم، با برملا شدن این گزارش به آبرو و رازداری سازمانی خود لطمه جبران ناپذیر زده ام، اما به جان عزیزانتان و فرزندانم، من واماندگی و چه کنم را در چهره این زالوها که سالهای سال جلوی چشم من و امثال من حتی به حق کارگران خود رحم نمودند را دیده ام و امروز این به همت، قدرت، اتحاد، مقاومت، ایستادگی و یکپارچگی شماست که در مقابل این کلاهبرداری تسلیم نشوید. قیمتها تا ۳ ماه دیگر برای همیشه می شکنند و با تبادل فن آوری و لغو تحریمها، این ایستادگی نتیجه ای که همانا عزت، سلامت و مشتری مداریت را به همراه خواهد آورد.

پس مقاومت کنید تا پیروز شوید و پیروزی نهایی نیز نزدیک است. من قبل از این که نان خور فلان شرکت باشم یک ایرانیم، مثل همه شما مردم نجیب و قابل احترام. حال که من پس از ۴ ساعت کلنجار با خود این متن را با عجله و دودلی نوشتم، فرصت را غنیمت شمرده و به انتشار آن در فضای مجازی بپردازید تا مردم بدانند که تلاش شان بالاخره به لطف خداوند ثمربخش بوده است.

**آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران**

**در شبکه جهانی اینترنت**

**نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان**

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

## اسرائیل: مبارزه برای تساوی حقوق جنسیتها در مدارس

مصاحبه با "کشمیت ضمیر" پیرامون جنبش فمینیستی "سکوت را بشکنید، برای رهایی و برابری حقوق مبارزه کنید" سوسیالیسم اینفو  
برگردان: بابک

نبرد خلق: در اسرائیل نیز مانند ایران یک رژیم مذهبی - ایدئولوژیک برقرار است. تحت این رژیم بسیاری از مقررات و دستورالعملهای مذهبی به پهنه عمومی تعمیم داده شده اند و بسیاری از ارزشهای فرهنگی بنیادگرایی مذهبی مانند نگاه جنسیت گرایانه به زنان و حجاب، به روابط در موسسات آموزشی و



فرهنگی پا گذاشته است. مقاومت در برابر این نگاه و اجبارات عملی متعاقب آن در مدارس، موضوع مصاحبه زیر با یک فعال جنبش دانش آموزی است که می تواند برای دانش آموزان دختر و پسر ایرانی نیز دارای تجربیات مفیدی باشد.

بر اسرائیل حزب محافظه کار ملی "لیکود" با وزیر آموزش و پرورش جنسیت گرا فرمان می راند. آیا در این کشور یک جنبش فمینیستی یا مخالف جنسیت گرایی وجود دارد؟

از سپتامبر (شهریور) سال گذشته در اسرائیل یک جنبش فمینیستی وجود دارد. نام آن "سکوت را بشکنید، برای رهایی و برابری حقوق مبارزه کنید" است. این، جنبش دانش آموزان متوسطه از هر دو جنس علیه تبعیض در ضوابط پوشش می باشد.

در اسرائیل، همچون شمار دیگری از کشورها، ضوابط پوشش وجود دارد. دستورالعملها در این باره، شلوار کوتاه تر از زانو یا پیراهن بدون آستین و حتی گاهی پیراهن با یقه باز را ممنوع می کند. مقررات پوشش در ظاهر برای دانش آموزان دختر و پسر یکسان است، در واقعیت اما بیشتر بر دختران دانش آموز اعمال می گردد.

اکنون دختران جوان دانش آموز سال آخر، شروع به اعتراض به این نوع از تبعیض کرده اند. آنها از معلمان خود می پرسند چرا نمی توانند مانند همکلاسیهای پسر خود لباسهای "راحت تری" بپوشند. پاسخی که آنها گرفتند، بسیار جنسیت زده بود: "لباس راحت تر دختران، مانع یادگیری پسران می شود!" یا: "معلمان هم مرد هستند و از درس دادن باز می مانند."

این پاسخها یک نگاه جنسیت زده را نشان می دهد که زنان را همچون یک شیء جنسی به حساب می آورد، در حالی که بدن مردان به این صفت مورد دآوری قرار نمی گیرد. این برخورد موجب شد زنان بسیاری کوشش کنند علیه آن در مدارس یا تظاهرات سراسری اعتراض کنند. دو تظاهرات بر پا شد که در آن ۲۰۰ دانش آموز شرکت کردند، اما صدها دانش آموز دیگر در مدارس خود دست به اعتراض زدند.

در این رابطه "سوسیالیسم اینفو" با "کشمیت ضمیر" گفتگو کرده است. کشمیت ضمیر یک فعال جنبش "مبارزه سوسیالیستی" در اسرائیل و فلسطین است. این سازمان همبسته با جریان بین المللی SAV (آلترناتیو سوسیالیستی) می باشد.

### فعالیت شما علیه سیاست آموزشی جنسیت زده به چه شکل است؟

در حال حاضر ما تلاش می کنیم خود را برای بازگشایی مدارس در سال آینده آماده کنیم. ما در تماس با زنان منطقه خود (حیفا) هستیم و در اوایل اوت (مرداد) با آنها دیداری داشتیم که در آن برنامه ای با اصلی ترین خواسته های خود در مورد آموزشی و پرورش جنسیتی را به بحث گذاشتیم و تنظیم کردیم.

طرح ما این است که ابتدا خود در گروه های مختلف به تبادل نظر درباره آموزش و پرورش جنسیتی بپردازیم. بیش از همه اما می خواهیم توجه همگانی را به جنسیت زدگی برانگیزیم و دانش آموزان دختر را برای مبارزه جذب و به آنها راهی موثر برای فعال شدن در سازمان مان، "جنبش سوسیالیستی"، نشان دهیم. زمانی که توانستیم نیروی کافی برای جنبش خود در گروه های فعال - بیش از همه در مدارس - جذب کنیم، روی گام بعدی متمرکز خواهیم شد، شاید یک تظاهرات محلی، یک تظاهرات سراسری یا حتی یک اعتصاب محلی یا سراسری مدارس.

### پهنه های فعالیتی که برای فعالیت هواداران این جنبش در چشم انداز وجود دارد چیست؟

جنبش ما با یک صفحه در فیس بوک شروع شد که در آن زنان تجربیات فردی خود از تبعیض جنسیتی را با دیگران در میان می گذاشتند. یکی از محورهای کنونی تلاش ما، باز کردن راه خود به شبکه های اجتماعی در مدارس و تشکیل گروه های فعالی است که خواسته های ما را طرح و به بحث بگذارند.

موضوع دیگری که ما باید با دختران جوان به گونه پیوسته در باره آن صحبت کنیم این است که "دشمن تو چه کسی است؟". آنها جنسیت زدگی و تبعیض جنسیتی در مدارس را در هیات آموزگاران و مدیران مدارس شخصی می کنند. اما باید به آنها نشان دهیم که مشکل نه در معلم و مدیر، بلکه در وزارت آموزش و پرورش ریشه دارد. مدیران و معلمان در یک دنیای عینی جنسیت زده زندگی می کنند، آنها هم مورد تهاجم جنسیت زدگی هستند.

مشکل، وزارت آموزش و پرورش و دولتی است که بودجه ای به برنامه های آموزش مسایل جنسیتی اختصاص نمی دهد، آموزگاران را با این موضوع آموزش نمی دهد و نمی خواهد هیچ پولی در مجموع آموزش و پرورش سرمایه گذاری کند. ما باید آموزگاران را به پشتیبانی از مبارزه علیه جنسیت زدگی، خشونت جنسیت گرا و تبعیض برانگیزیم.

### دولت چه واکنشی به جنبش فمینیستی نشان می دهد؟

وزیر راست گرای آموزش و پرورش می خواهد مسوولیت را به گردن آموزگاران بیاندازد. برخی از دانش آموزان نامه به او نوشته اند و در آن از او خواستند نظرش را در باره جنبش بگوید. بعد از چند هفته او به طور سطحی جواب داد که فکر می کند همه دانش آموزان دختر باید پوشش باحیا داشته باشند و وظیفه کارکنان مدارس است که مراقب این امر باشند.

### خواسته های شما چیست؟

مبارزه برای برابری جنسیتی در نوع پوشش در مدارس که به گونه دموکراتیک توسط معلمان، دانش آموزان و خانواده های آنها تعیین شود.

توقف فرهنگ تجاوز و تبعیض علیه قربانیان! نه به جنسیت زدگی و پیش داوری، آری به سرمایه گذاری در آموزش مسایل جنسیتی در مدارس و آموزش کارکنان مدارس در مورد موضوع جنسیت زدگی  
 نه به کاهش بودجه در بخش های آموزشی و اجتماعی! آری به سرمایه گذاری وسیع برای ایجاد یک سیستم آموزشی که کیفی، پلورالیستی و دمکراتیک است.

## جنگل سوزی، بحران محیط زیست

صحبت از پژمردن یک برگ نیست، وای جنگل را بیابان می کنند

حامی پرهام

آغاز انتشار گیاهان و قدمت جنگل به حدود ۴۲۰ میلیون سال پیش در دوران سیلورین برمی گردد و از همان ایام در جنگلهای بکر بین تولید کنندگان (گیاهان)، مصرف کنندگان (جانوران) و تجزیه کنندگان (جانوران ریز) یک اشتراک حیاتی متقابل و پایدار برقرار بوده است. با تکامل چرخه ی حیات و ظهور انسان، جنگل به عنوان جان پناه و منبع تغذیه تاثیر بسزایی در حیات و تولید مثل انسان داشته است.

این نیاز روزافزون منجر به دوستی و احساس نزدیکی به جنگل گردید، تا آنجا که بشر حتی شروع به تکریم و مقدس شمردن درختان نمود و ادیان و آیینهایی در ستایش جنگل پدیدار شد. در آن دوران هنوز چرخه متوازن و اشتراکی حیات جنگل پابرجا بود.

با افزایش جمعیت و ورود انسان به دوران تمدن، نوع نیاز انسان به جنگل تغییر ماهیت داده و زوال آرام پوشش گیاهی آغاز شد. شکل گیری مزارع، راههای ارتباطی که از میان جنگل می گذشت و چرای دامها سرآغاز ورود انسان به عنوان عنصر مخرب در اکوسیستم حیات گیاهی بود.

با این حال، این ادعا که فرایند مزبور منشا انسانی دارد و بنابراین عامل اصلی تخریب محیط زیست خود انسان است، پاسخ صحیحی به علت بحران موجود نیست، زیرا انسان از هزاران سال پیش تاکنون روی زمین می زیسته است، ولی بحران فوق در چند دهه اخیر به اوج خود رسیده است. این تغییر، ریشه در دیدگاه نظام سرمایه داری دارد که در آن بهره کشی از انسان و طبیعت و انباشت سرمایه به هر قیمتی از جمله تخریب محیط طبیعی برای مثال در شکل مصرف و قاچاق چوب و



ساخت و سازهای بی رویه در جنگلها به طور افسار گسیخته به پیش می تازد.

### بحران جنگل زدایی در ایران

به گفته کارشناسان "فائو"، سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل، رسیدن سطح جنگلها به کمتر از ۲۵ درصد خاک یک کشور نشان از وضعیت بحرانی محیط زیست دارد و این در حالی است که تنها ۷/۵ درصد از خاک ایران دارای پوشش جنگل و مرتع است.

همچنین براساس نظر کارشناسان "فائو"، ۱۰ درصد از کل سرزمین می بایست جزو مساحت مناطق چهارگانه طبیعی (مناطق حفاظت شده، پارک ملی، آثار طبیعی و پناهگاههای حیات وحش) باشد که در ایران این مقدار کمتر از ۵درصد است. آمار مزبور وضعیت نگران کننده جنگلها در ایران را به خوبی نشان می دهد.

با توجه به اینکه منابع طبیعی، به ویژه جنگل که در برگیرنده حیات وحش نیز می باشد، نیازمند نگهداری و حفاظت است، استاندارد جهانی در این زمینه بر وجود یک جنگل به ازای هر ۵ هکتار جنگل تاکید دارد. بر این اساس، از آنجا که ۱۸ میلیون هکتار پوشش گیاهی در ایران وجود دارد، کشور نیازمند سه میلیون و شش صد هزار نفر جنگل‌بان می باشد. این در حالی است که محیط زیست در اولویتهای جاکمیت قرار نداشته و ندارد و رسیدن به این آمار برای حفاظت از جنگل در برابر خیل دشمنانش رویایی بیش نیست.

تخریب فزاینده جنگلهای ایران به دلیل بهره برداریهای تجاری که از نیم قرن اخیر شروع شده، چندسالی است که جای خود را به آتش سوزیهای مهیب و ویرانگر داده است.

بر اساس آمار سازمان جنگلها و مراتع ایران، در ۷ سال اخیر بیش از ۱۱ هزار مورد آتش سوزی در عرصه های جنگلی و مرتعی ایران به ثبت رسیده که در نتیجه بیش از ۱۲۵ هزار هکتار جنگل و مرتع از بین رفته است و ده ها گونه جانوری اعم از پستانداران، خزندگان، دوزیستان و پرندگان و انبوهی از حشرات به کام مرگ رفته اند.

به گزارش "جام جم آنلاین"، ۱۹ مرداد ۱۳۹۴، "تا پایان تیرماه امسال ۷۸۶ مورد آتش سوزی در جنگلهای کشور اتفاق افتاده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، ۱۴۸ مورد افزایش داشته است. این در حالی است که رییس سازمان جنگلها با ارایه این آمار ادعا می کند وسعتی که طعمه حریق شده، نسبت به سال گذشته حدود ۹ درصد کاهش داشته است؛ ادعایی که با توجه به شرایط مقابله با آتش سوزیهای جنگل و این که تعداد آتش سوزیها ۲۳ درصد افزایش یافته، نمی توان زیاد به آن دلخوش کرد.

براساس آماری که سازمان جنگلها در مرداد ماه ۱۳۹۴ اعلام کرده، در چهار ماهه اول امسال مجموع سطحی که دچار حریق شده، ۶۴۳۸ هکتار بوده است.

در چند ماهی که از سال ۹۴ و شروع آتش سوزی در جنگلهای کشور می گذرد، جنگلهای زاگرس رکورد بیشترین حریق را داشته است. حدود ۷۰ درصد از آتش سوزیها در این منطقه اتفاق افتاده است. در این میان ۳ درصد آتش سوزیها در دل جنگلهای هیرکانی شعله کشیده و ۲۷ درصد دیگر نیز به دیگر رویشگاههای جنگلی مربوط می شود.

درباره میزان کاهش سطح جنگلهای شمال، رییس سازمان جنگلها می گوید: "از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۴۶ هر سال ۸۲۶۱ هکتار از سطح جنگلهای شمال کشور کاسته شده است. این کاهش در سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۷۳ سالانه برابر با ۵۲۴۳ هکتار بوده است، اما این در حالی است که به گفته جلالی از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۴ هر سال حدود ۸۰۰۰ هکتار به سطح جنگلهای شمال کشور اضافه شده است."

### اخبار تکان دهنده ای که بدون تاثیر می ماند

روزنامه ها و منابع حکومتی مملو از اخبار و گزارشها در باره آتش سوزی در جنگلها و مراتع است، بدون آنکه انتشار آنها مسوولان و مقامات را به چاره جویی و دست زدن به اقدامات مشخصی برای مهار این روند مخرب وادارد. تنها واکنش قابل اعتنا خبری در باره یک مورد آتش سوزی در جنگلهای مریوان است که به گفته فرماندار آن، ۱۵۰ هکتار از جنگلها طعمه حریق شد و عوامل حکومت به بهانه "جلوگیری از تجمع و دایر کردن اردوگاههای معاندین" اقدام به ایجاد آتش سوزی عمدی نموده اند.

در زیر به نمونه هایی چند از اخبار و گزارشهای مطرح شده اشاره می شود:

\* اتاق خیر، ۱۹ مرداد - مطابق آمار اعلامی از سوی استاندار لرستان، در سال ۹۰ شش هزار و ۸۴۲ هکتار، در سال ۹۱ حدود هزار و ۲۵۶ هکتار، در سال ۹۲ حدود دو هزار و ۶۱۹ هکتار و طی سال گذشته نیز ۵۸۱ هکتار از جنگلهای استان دچار آتش سوزی شده اند.

همچنین میزان خسارت به جنگلهای لرستان بر اثر آتش سوزی طی امسال هزار و ۷۱۴ هکتار بوده تا به طور میانگین سالانه دو هزار و ۶۰۰ هکتار از جنگلهای استان دچار آتش سوزی شود. به گفته سید محمد قاسمی، دبیر کار گروه صیانت از جنگلهای لرستان، سالانه ۱۲ هزار هکتار از جنگلهای این استان نابود می شود.

\* عصرایران، ۲۶ آذر - جنگلهای ایران از بین می روند؛ ۱۴ هزار آتش سوزی در ۱۰ سال! وزیر جهاد کشاورزی در زمان وقوع حریقهای گسترده در جنگلهای ایران در سال ۸۹، حتی یک تماس تلفنی برای آگاهی از چندوچون اقدامات صورت گرفته در این زمینه با معاون خود نداشته است.

\* ایسنا، ۲۴ شهریور - مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری فارس میزان وسعت جنگلهای خسارت دیده استان در سال گذشته را حدود پنج هزار هکتار اعلام و اضافه کرد: "در تیرماه سال گذشته شاهد ۱۹ فقره آتش سوزی در حدود یکهزار و ۲۶ هکتار از اراضی بودیم، امسال نیز در تیرماه ۲۲ فقره آتش سوزی در سطحی حدود ۳۱۷ هکتار حادث شد."

\* سایت سازمان محیط زیست، ۲۰ فروردین - در هر ثانیه ۳۶۰ متر مربع از سطح جنگلها و مراتع کشور تخریب می شود. به بیان دیگر، در هر پنج سال، یک میلیون هکتار از جنگلهای ایران نابود می شود، یا سالانه یک و نیم درصد از جنگلهای ایران از دست می رود. اگر این روند ادامه یابد، در ۶۰ سال آینده اثری از جنگلهای امروزی ایران باقی نخواهد ماند.

\* جام جم آنلاین، ۱۹ مرداد - به گفته رییس سازمان جنگلها، ۲۵ استان کشور شرایط حساسی نسبت به آتش سوزی دارند و باید به آنها توجه ویژه ای کرد این درحالی است که فقط دو پایگاه اطفای حریق مجهز به بالگرد در کشور وجود دارد و قرار است تا پایان شهریور تعداد آنها به عدد شش برسد. جلالی به قیمت بالای استفاده از بالگرد برای مهار آتش سوزی نیز اشاره کرد و یادآور شد: "هر ساعت پرواز بالگرد حدود ۱۲ میلیون تومان هزینه دارد."

همین منبع به نبود خلبان آموزش دیده برای اطفای حریق اشاره دارد و می نویسد خلبانان کنونی "به درستی نمی توانند آبی را که برای خاموش کردن آتش سوزی حمل می کنند، روی منطقه ای که آتش گرفته بریزند."

\* عصرایران، ۲۶ آذر - به دلیل نبود بودجه مناسب برای اطفای حریق و اتکای منابع مالی به اعتبارهای استانی، فقط در یک دهه گذشته ۱۳ هزار و ۸۳۲ مورد آتش سوزی در جنگلها و مراتع ایران رخ داده است که سبب خسارت ۱۴۲ هزار و ۹۴۱ هکتاری به زیست بومهای ارزشمند کشور شده است.

برخی کارشناسان بر این اعتقادند که استانداران به مساله اطفای حریق در عرصه های طبیعی توجه چندانی ندارند و فقط در شرایطی همکاری مناسب با اداره های منابع طبیعی خواهند داشت که بتوانند از آنها امتیازهای ویژه ای بگیرند. سال گذشته شایعاتی در ارتباط با به آتش کشیده شدن عمدی جنگلها به دلیل کمکهای مالی دولت به نیروهای محلی مشارکت کننده در عملیات اطفای حریق به گوش رسید. در این رابطه برخی کارشناسان محلی معتقد بودند که عده ای سودجو در قالب گروههای مردمی برای تداوم درآمدهای حاصل از مشارکت در عملیات اطفای حریق، اقدام به آتش زدن عمدی جنگلها می کنند، اما این نکته قویا از سوی فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگلها رد شد.

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

**nabard@iran-nabard.com**

## برنامه رادیو پیشگام در یادمان قتل عام زندانیان سیاسی

آن چه در زیر می آید، متن نوشتاری بخشی از برنامه رادیو پیشگام در مورد قتل عام زندانیان سیاسی است.



مرداد و شهریور امسال ۲۷ مین سالگرد کشتار جمعی زندانیان سیاسی به دستور مستقیم روح الله خمینی است. در جریان این جنایت سازمان یافته دولتی، هزاران زندانی سیاسی که دوران محکومیت خود را می گذراندند، در دادگاههای صحرائی که فقط برای درج نام آنها در لیست مرگ تشکیل شده بود، در زندانهای سراسر ایران به دار کشیده شدند.

تاکنون هویت و مشخصات بیش از چهار هزار قربانی این جنایت روشن شده و به ثبت

رسیده است. با این حال این رقم هنوز همه قربانیان را در بر نمی گیرد. قاتلان همچنان به سختی تلاش می کنند آثار این قتل عام را از دستان خود بشویند و ردی به جا نگذارند. همزمان خانواده ها، یاران، سازمانها، گروهها و گزارشگران نیز در پی آنند که هیچ گشته ای ناشناس نماند و هیچ فرزند دلیر میهن بدون آخرین ادای احترام به او به خاک سپرده نشود. کشتار جمعی ۱۳۶۷ نقطه اوج پروسه خونینی بود که رژیم خمینی از سال ۶۰ به جریان انداخت و هدفی جز خاموش کردن هر صدای منتقد یا مخالف، حذف گروههای سیاسی و صاف و برهوت کردن زمین برای حکمرانی مطلق و بدون رقیب نداشت.

در تمام این سالها ماشین قدرت خمینی از سوخت دستگیریهای انبوه، شکنجه و اعدام تغذیه می شد. از این رو می توان گفت در شلیک هر گلوله به سینه یک زندانی و در زوزه هر شلاق بر پای یک اسیر، این مساله قدرت بود که برای خمینی ولی فقیه و همدستان او طرح و حل و فصل می شد.

روح الله خمینی بعد از اجبار به پایان دادن به جنگ دیوانه وار با عراق، به گرداب شکستی استراتژیک چه در بعد اجتماعی و چه در حوزه سیاسی و ایدئولوژیک افتاد. او که جنگ ویرانگر و خانمانسوز را "نعمت الهی" می نامید، ناگهان با از دست رفتن پوشش اصلی ناکارآمدی اقتصادی و سرکوب اجتماعی رژیم اش روبرو شد.

حاکم، لخت و عریان به میانه میدان انداخته شده بود و هیچ تکه پارچه ای برای مخفی کردن کژیها و زشتی کراهت بار کردار و کارنامه اش نداشت. او به تلخی دچار شدن خود به این موقعیت را با "سر کشیدن جام زهر" مقایسه کرد. پایان جنگ، تکیه گاه رژیم را از بین برد و تعادل تاکنونی آن را برهم زد. رژیم از درون پروسه هشت ساله جنگ خارجی برای بقای داخلی، تضعیف شده بیرون آمد و حال می بایست یا در برابر جامعه قدمی به عقب بگذارد و یا جنگ را به داخل بکشد و با آن بجنگد.

خمینی و حاکمان جمهوری اسلامی راه حل دوم را انتخاب کردند و بی درنگ برای عملی کردن آن دست به کار شدند. گام اول و تعیین کننده در این مسیر جنایتکارانه، مقابله با تهدیدهای بالقوه ای بود که رژیم زهر خورده از آنها احساس خطر و نگرانی می کرد. وجود هزاران مخالف زندانی که رژیم با وجود به زنجیر کشیدن شان در سیاهچالهای خود همچنان با آثار داخلی و خارجی حضور آنها دست بگریبان بود، نمی توانست در دوران "جام زهر" قابل تحمل باشد.

در مرداد ماه ۱۳۶۷ سرانجام خمینی فتوای قتل آنها را صادر کرد. او در نامه محرمانه ای که بعدها به صورت وسیع افشا و منتشر شد، بی پرده و با لحنی خونخوارانه، سه تن از دژخیماناش به نامهای حجت الاسلام نیری، حجت الاسلام اشراقی و حجت الاسلام پورمحمدی را مامور سازماندهی کشتار زندانیان کرد.



ابعاد جنایتکارانه این دستور تا آنجا بی سابقه و تکان دهنده بود که با وجود تاکید چند باره خمینی به قتل "بدون شک و تردید" و بی رحمانه زندانیان، حتی رییس قوه قضاییه وقت، آیت الله موسوی اردبیلی، را نیز به هراس و تردید از مشارکت در این جنایت انداخت. او به خمینی از "ابهامات" خود در باره فتوای جنایت اطلاع داد و خمینی در پاسخ به وی تاکید کرد که از هر راهی و هر طور که امکان دارد، "سریعا دشمنان اسلام را نابود کنید".

به این ترتیب ماشین کشتار در سراسر میهن به راه افتاد. ملاقات زندانیان قطع و ارتباط زندانها با دنیای پیرامون به کلی مسدود شد تا قصابها در محیطی امن و آسوده به کار مشغول شوند. دسته دسته، گروه گروه از جوانان این مرز و بوم به پای میز جلادان و از آنجا به سالنهای مرگ فرستاده شدند. کامیونها و ماشینهای سردخانه دار، ساعت به ساعت پیکرهای روی هم ریخته را از زندان خارج و به گورهای دسته جمعی منتقل می کردند. تمام روزهای بی پایان مرداد و شهریور در خدمت سیراب کردن روح الله خمینی و نظام اش از خون بهترین فرزندان ایران سپری شد. جنایت ۶۷ با نام جمهوری اسلامی و ارتجاع اسلامی گره خورده و همچون داغ ننگی تاریخی تا هر زمان که نام و نشانی از آنها به جا مانده باشد، بر پیشانی آنها باقی می ماند، این جنایت نه فراموش می شود و نه بخشیده می شود تا راه بر تکثیر قاتلان و خونخوارانی چون خمینی و دستگاه ددمنش جمهوری اسلامی بسته شود، تا نسل فردا چوبه دار و گور دسته جمعی را تجربه نکند. کشتار هزاران اسیر بی دفاع نه بخشیده می شود و نه از یاد می رود تا داوری امروز جامعه و قضاوت جاودان تاریخ درس عبرتی برای همه آنها باشد که در کمین آزادی و عدالت و انسانیت، خنجر تیز می کنند و طناب دار گره می زنند.

### خاطراتی از اقوام و دوستان شهدای کشتار ۶۷ هستند.

#### یک دوست و هم بند حسن شرف الدین از زندگی و شهادت او چنین می گوید:

حسن شرف الدین را در دو سالی که باهم در زندان کارون اهواز بودیم به خوبی می شناختم، هوادار مجاهدین بود و بسیار منظم و ورزشکار و مهربان، با تمام بچه های بند صمیمی بود با اینکه پنج سال حبس داشت ولی نومیدی و خستگی و بی انگیزگی با او بیگانه بود. بعد از آزادی از زندان به رسم همیشه باید به سپاه پاسداران واقع در چهار شیر اهواز خودمان را معرفی و از پشت پنجره دفتر را امضا می کردیم درست در روز عملیات مجاهدین در غرب کشور حسن برای معرفی و امضای دفتر به چهار شیر رفت او را به داخل راهنمایی کردند و دیگر برنگشت بعد از چندی آدرس مزار او را به خانواده اش دادند و این ضرب المثل یکبار دیگر اتفاق افتاد که برادر را بجای برادر کشتند.

#### پای صحبت یکی از اعضای خانواده حمید نصیر مقدم، از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

حمید جوانی خوش قلب و مهربان و معلمی دلسوز بود. او برای محصلان نه تنها معلم، بلکه دوستی صمیمی و غمخوار بود. او به دلیل اینکه معلم روستا بود، بیشتر وقت خودش را صرف کمک به خانواده دانش آموزان می کرد. حمید انسانی جدی و دارای پشتکار بود. در سال ۶۱ دستگیر شد و مدتی در زندان خرم آباد بود بعد به زندان اوین در تهران برده شد. در این مدت بارها او را از دیدن اعضای خانواده اش که از راه دور برای ملاقات می آمدند، محروم می کردند و ما را دل شکسته و نگران بر می گرداندند. در اواسط تابستان ۶۷ بود که دیگر ملاقات نمی دادند و ما به هر دری می زدیم، نتیجه ای نمی گرفتیم. تا اینکه در اواخر مرداد ماه بود که از طرف خانواده بچه های زندانی که همدیگر را می شناختیم، به ما آن خبر باور نکردنی را دادند که بچه ها را اعدام کرده اند و حتی جنازه حمید را هم به ما ندادند و اجازه برپایی مراسم هم ندادند. خاطره ای هم از او دارم. در یکی از ملاقاتها که ما خیلی نگران بودیم به ما گفت: "خودتان را ناراحت نکنید، من فدائی هستم و جانم را فدای ملت می کنم."

#### پای صحبت یکی از اعضای خانواده سیف الله غیاثوند، از سربداران تابستان ۶۷

ایشان سرگرد ارتش بودند و در سال ۶۱ دستگیر شدند. تا مدتها به هر جایی برای آگاهی از سرنوشت او سر می زدیم، ولی هر جا که مراجعه می کردیم اظهار بی اطلاعی می کردند.

بعد از ۶ ماه به منزل تلفن زدند و گفتند که سیف الله غیاثوند در زندان اوین است. بعد از حدود یکسال و نیم معلوم شد که به او حکم حبس ابد داده اند.

تا تابستان ۶۷ ایشان در زندان بودند و هر چند وقت محل زندان عوض می شد و گاهی اجازه ملاقات نمی دادند. حدود شش سال از حبس او گذشته بود که در کل ملاقاتها قطع شد. ما فکر می کردیم این بار هم مثل دفعات پیش، قطع ملاقات موقتی است و دوباره اجازه ملاقات می دهند. اما این دفعه فرق داشت و بی خبری ادامه پیدا کرد. تا اینکه از خانواده بعضی از زندانیان سیاسی که همدیگر را در سالن ملاقات می دیدیم و می شناختیم، با خبر شدیم که جنایت رخ داده و بچه ها را اعدام کرده اند.

با شنیدن این خبر به هر دری زدیم و تا مدتها ما را به دادستانی و آنها به جای دیگه می فرستادند. در واقع اذیت می کردند، چون خودشان می دانستند که چکار کرده اند. هر جا هم که مراجعه می کردیم با توهین و تهمت روبرو می شدیم. تا اینکه در آن تابستان شوم بعد از مراجعات مکرر، ساک سیف الله را در گوهردشت تحویل دادند و از ما تعهد گرفتند که نه اعلامیه بنویسیم و نه حق داریم مراسم بگیریم و داغی بزرگ بر دل خانواده گذاشتند.

### یکی از اقوام زهرا میرزایی به رادیو پیشگام می گوید:

زهرا میرزایی هوادار مجاهدین بود و دو بار دستگیر شد. یکبار در سال ۶۱ که یک سال زندان بود و بار دوم در سال ۶۳ که به ۴ سال زندان محکوم شد و تا سال ۶۷ در زندان بود و با اینکه دوران محکومیت اش به پایان رسیده بود، ولی رژیم از آزادی او ممانعت به عمل آورد و همزمان با عملیات مجاهدین در غرب کشور وی تیرباران شد. زهرا از اقوام نزدیک همسر بود و با هم دوستی نزدیکی داشتیم، هر روز همدیگر را می دیدیم، بسیار مهربان و دلسوز بود در فداکاری بی نظیر بود با اینکه بیست سال بیشتر نداشت در تمام کارها و مشکلات فامیل خود را درگیر می کرد و بی تفاوت نبود مرگ زهرا ضایعه ای بزرگ برای فامیل بود.



### پیام دوستانی از خرم آباد

رفقا، حامیان کارگران و زحمتکشان، شب ستیزان، دوستداران آزادی! درود بر شما که باز هم در تابستانی دیگر یادمان اختران تابناک سپهر آزادی و مبارزان آزادی و رهائی طبقه کارگر ایران را که شانه های سترگ شان بر عرش می ساید، برگزار می کنید.

شب پرستان در این اندیشه بودند که با فرو کشیدن این اختران، بساط ظلمت گسترده می شود و آسمان رهائی تیره و تار می گردد ... زهی خیال باطل. پیکر بر خاک فتاده هر رفیق بسان بذری سر بر افراشت و روئید و بارور گردید و نهالی نو سر برآورد؛ پرچمی شد برافراشته تر از قبل و تخم کین شد که آشتی با ستم را نمی پذیرد و اینک هزاران لاله سرخ از آن روئیده است.

رفقا و آزادیخواهان جانباخته در دو رژیم استبدادی، پیکاری آشتی ناپذیر برای شکستن سکوت گورستان که توسط دیکتاتورها بر میهن مستولی گردیده بود آغازین و نام پر افتخار شان را بر آسمان آزادی میهن ثبت نمودند.

اینک ما هم پیمانان و حامیان خورشید و ارگان فدائی، پیمان می ببندیم به آرمانهای رفیقان مان برای آگاهی و رهائی کارگران و زحمتکشان وفادار بوده و پایبندی و از این بابت بر خود می ببالیم. بر شانه های سترگ تان بوسه می زنیم و استقامت و پیروزی برایتان آرزو داریم. تیغ اجل نبرد هرگز چنین سری را/ کاین سر ز سر بلندی بر طاق عرش ساید.

# رویدادهای هنری ماه

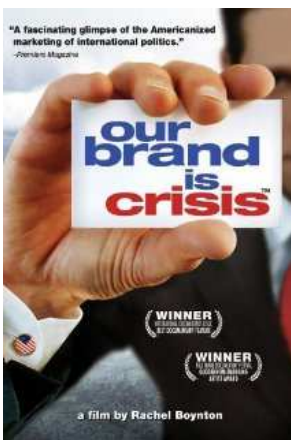
لیلا جدیدی

سخن روز:

- "به راستی که قدرت بدون خرد، بدون عشق، راه به ویرانی، راه به توحش می برد و قربانی بیمار را به جنون توهم می رساند" (ارژنگ داوودی (۱۸ مهر ۱۳۳۲)، فعال و زندانی سیاسی ایرانی)

- "حقیقت انسان به آنچه اظهار می دارد نیست، بلکه حقیقت او نهفته در آن چیزی است که از اظهار آن عاجز است. بنابراین اگر خواستی او را بشناسی، نه به گفته هایش، بلکه به ناگفته هایش گوش کن" (زیگموند فروید (۱۸۵۶ - ۱۹۳۹)، عصب شناس اتریشی و پدر علم روانکاوی)

فیلم



## فیلم کمدی - سیاسی ساخته جورج کلونی

جورج کلونی در چهلمین فستیوال فیلم تورنتو تازه ترین فیلم خود را که کمدی سیاسی به نام "مدل ما بحران است"، معرفی کرد. این فیلم بر روایت تاکتیکهای کمپین ریاست جمهوری در آمریکای جنوبی و نتایج آن تمرکز دارد.

جورج کلونی در این فستیوال در مصاحبه ای گفت: "دیدگاههای "دونالد ترامپ" در باره مهاجران مکزیکی احمقانه است. تاریخ به مناظره جمهوریخواهان خواهد خندید. هر کس حرفهایی به تا این حد غیر قابل تحمل می زند، باید به او خندید."

دونالد ترامپ، میلیونری که در حال حاضر در صدر لیست نامزدهای جمهوریخواهان برای ریاست جمهوری قرار دارد، بارها مهاجران مکزیکی را قاچاقچی مواد مخدر و انتقال دهنده بیماریها خطاب کرده است.

"سندرا بولک"، هنرپیشه اول این فیلم، نقش یک استراتژیست آمریکایی را بازی می کند که به بولیوی دعوت می شود تا به یک سناتور برای پیروزی در انتخابات کمک کند.

سندرا بولک در کنفرانس خبری در تورنتو گفت: "این فیلم نمایش روشهایی است که ثروتمندان و سرمایه داران تفکرات مردم را به سمت موضوعات مورد علاقه خود هدایت و از واقعیتها دور می کنند. وی افزود: "ما باید کنترل اوضاع را خود در دست بگیریم."

## جشنواره فیلم "ونیز" روز دوم سپتامبر با نمایش فیلم "اورست" ساخته "بالتازار کورماکور" آغاز شد.

این فیلم داستان واقعی گروهی را روایت می کند که برای فتح اورست در سال ۱۹۹۶ عازم این بلندترین قله جهان شدند و برخی از آنها همانجا جان خود را از دست دادند، بی آن که فرصت پایین آوردن اجساد شان وجود داشته باشد.



در بخش مسابقه امسال چهره های سرشناسی چون "مارکو بلوچیو"، "آتوم اگویان"، "آموس گیتای"، "چارلی کافمن"، "یرژی اسکولیموفسکی" و "الکساندر سوخوروف" حضور دارند.

"مارکو بلوچیو"، فیلمساز کهنه کار ایتالیایی، با فیلمی به نام "خون خون من"، "آتوم اگویان" با فیلمی به نام "به خاطر داشته باش"، "یرژی اسکولیموفسکی"، فیلمساز لهستانی، با فیلم تازه اش به نام "یازده دقیقه" و "الکساندر سوخوروف" با فیلم "کشتی روسی" به جشنواره آمده اند.

باوجود انبوه فیلمهای ایرانی ارایه شده به دفتر جشنواره، تنها یک فیلم ایرانی پذیرفته شد: "چهارشنبه، نوزدهم اردیبهشت"، ساخته وحید جلیل وند.



### شکست سیاسی - تجاری "محمد رسول الله"

عدم استقبال از فیلم "محمد رسول الله"، کارگردان آن را به درخواست کمک از دولت واداشت. کارگردان این فیلم سفارشی، در نامه ای به وزیر کشور از وی خواست به استانداران سراسر کشور دستور دهد که از فیلم وی حمایت کنند.

مجید مجیدی در این نامه که توسط یک رسانه داخلی افشا گردید، خواستار قرار دادن فیلم او "در سبد فرهنگی خانوارها" و به طور مشخص، "پیش خرید بلیطهای در نظر گرفته شده با قیمت تخفیفی" و "توزیع مناسب" فیلم شد.

این فیلم، عنوان پر خرج ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را یدک می کشد و ساخت آن نزدیک به ۹۵ میلیارد تومان (۴۰ میلیون دلار) هزینه برداشته است. تامین کننده مالی "محمد رسول الله"، "بنیاد مستضعفان" است که از طریق یک بنگاه خود به نام "موسسه نور تابان" بر روند تهیه و پخش آن نظارت دارد.

در همین حال، شورای صنفی نمایش، یک ارگان دولتی وابسته به وزارت ارشاد که اکران فیلمها را "مهندسی" می کند، اعلام داشت که روز شنبه ۲۱ شهریور، بلیط "محمد رسول الله" در سراسر کشور نیم بها به فروش می رسد.

۱۴۵ سینمای کشور موظف به اکران این فیلم شده اند. حذف یا کسر فیلمهای دیگر از روی اکران سینماها برای نمایش دستوری "محمد رسول الله" موجب اعتراضاتی نیز شده است. علی ملاقلی پور، کارگردان فیلم "قندون جهیزیه"، در واکنش به کسر ستانسههای فیلم خود به نفع "محمد رسول الله"، با راهپیمایی در خیابانهای تهران و وارد شدن به زمین فوتبال در حین برگزاری مسابقه در استادיום آزادی، نسبت به این امر دست به اعتراض زد.

## کتاب

### اعتراف فردریک فورسایت به همکاری با سرویس اطلاعاتی بریتانیا

"فردریک فورسایت"، در زندگینامه خود با عنوان "بیگانه؛ زندگی من" که به تازگی منتشر شده، اعتراف کرده است که بیست سال تمام با سرویس اطلاعاتی بریتانیا همکاری می کرده است.

طرفداران این نویسنده سالها بود که گمان می بردند با توجه به جزییات دقیق در داستانهای جاسوسی وی، فورسایت حتما برای دستگاههای اطلاعاتی بریتانیا فعالیت می کرده است.

فورسایت که کتابهایی چون "روز شغال"، "پرونده اودسا" و "سگهای جنگ" را نوشته، گفته است که از او خواسته شده بود که در جریان جنگ "بیافرا" در سالهای پایانی ۱۹۶۰، از نیجریه اطلاعات بفرستد.

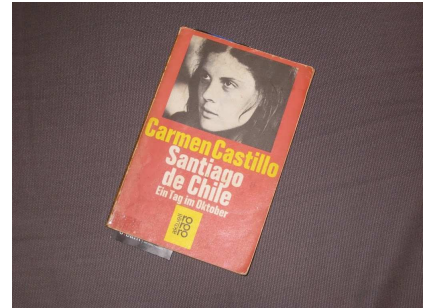
این نویسنده ۷۷ ساله گفت: "وزارت امور خارجه (بریتانیا) کشته شدن کودکان در جنگ داخلی را تکذیب می کرد، چون (دولت) از رژیم دیکتاتور نیجریه حمایت می کرد." او که به عنوان خبرنگار برای رسانه هایی چون "رویترز" و "بی بی سی" کار می کرده، بسیاری از کتابهای داستانی اش را که به بیش از بیست اثر می رسد، بر اساس تجربیات شخصی خود در کشورهای مختلف نوشته است. بیش از ۷۰ میلیون نسخه از این آثار در سراسر جهان فروخته شده است.

تازه ترین کتاب او "فهرست قتل" نام دارد که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد.

"روز شغال" که از مشهورترین رمانهای جاسوسی جهان است و به ماجرای ترور ژنرال "دوگل" می پردازد، در سال ۱۹۷۳ به کارگردانی "فرد زینه مان" ساخته شد. فیلم دیگری با عنوان "شغال" با اقتباس از این کتاب در سال ۱۹۹۷ با بازی "بروس ویلیس" و "ریچارد گیر" به روی پرده رفت که نتوانست موفقیت نسخه اولیه را تکرار کند.

## کتاب "سانتیاگو، یک روز اکتبر" با ترجمه فارسی منتشر شد

"سانتیاگو، یک روز اکتبر" در باره شیلی و آئنده، کودتا و روزهای پس از آن، از مبارزه با کودتاچیان علیه سلطه نیروی خون ریز، سرکوبگر و روزهای سیاه می گوید. این کتاب تجربیات مبارزاتی انقلابیون شیلی را بازگو می کند و داستان زندانیان، شکنجه شدگان، اعدامیان و ناپدیدشدگان در رژیم "اگوستو پینوشه" را شرح می دهد.

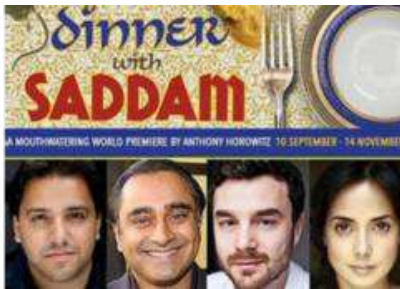


"سانتیاگو، یک روز اکتبر" اثر "کارمن کاستیلو" (Carmen Castillo)، نویسنده شیلیایی مقیم فرانسه، مستند ساز و همسر رهبر سازمان "میر" می باشد که براساس گفتگو با یکی از رهبران اصلی مبارزات آن دوران "میگوئل انریکوئز" (Miguel Enriquez) رهبر "میر" نوشته شده است. شیدا نبوی آن را به فارسی ترجمه کرده است.

## تئاتر

### لغو مراسم روز پایانی جشنواره تئاتر استانی آذربایجان شرفی

مراسم روز پایانی بیست و هفتمین جشنواره تئاتر آذربایجان شرقی که از نهم شهریور در تبریز آغاز شده بود، با صدور اطلاعیه ای از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لغو شد. پیش از این و طبق برنامه ریزیهای صورت گرفته مقرر بود اختتامیه جشنواره بیست و هفتم تئاتر استان که توسط انجمن هنرهای نمایشی تبریز و با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی برگزار می شد، ساعت ۱۸ دوازدهم شهریور در مجتمع سینمایی ۲۲ بهمن تبریز اجرا شود که این مراسم با اطلاعیه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تا اطلاع ثانوی لغو شده است. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در اطلاعیه خود علت لغو این مراسم را "به نمایش در آمدن صحنه هایی مغایر با ضوابط ابلاغی و موارد مورد تایید دبیرخانه جشنواره در اجرای برخی از گروههای راه یافته به بخش مسابقه" عنوان و تصریح کرده است.



### "شام با صدام" روی صحنه رفت

"آنتونی هوروویتز"، نویسنده بریتانیایی، نمایشنامه ای با عنوان "شام با صدام" نوشته که در لندن روی صحنه رفته است. او گفته است که هدفش از نوشتن این نمایشنامه، "کاوش عراق پس از حمله آمریکا بوده است". این تئاتر کمدی که در آن "استیون برکاف" نقش صدام حسین را بازی می کند، روایت شبی است که صدام با یک شیشه شراب به خانه اش در بغداد نزد خانواده اش می رود و می گوید که قصد دارد شام را همراه آنان بخورد.

آنتونی هوروویتز که به تازگی آخرین رمان "جیمز باند" به قلم او منتشر شده، می گوید: "عراق حالا دیگر حوصله ما را سر برده. آن قدر درباره اش شنیده ایم که دیگر هر چه می شنویم، چیزی به شنیده ها و دانسته های ما نمی افزاید. به نظر می رسد کمدی تنها راهی است که می توان بار دیگر با آن به سراغ عراق رفت و مردم را به فکر دوباره واداشت."

### نمایش مهره سرخ؛ نگاهی اسطوره ای به سرشت انسانها

نمایش "مهره سرخ"، نتیجه چند سال پژوهش و همکاری شاهرخ یادگاری، آهنگساز، طراح صدا و کارگردان هنری ساکن "سن دیگو" و شاهرخ مشکین قلم، رقصنده، بازیگر و کارگردان تئاتر ساکن پاریس است. این نمایش آمیزه ای از موسیقی،

رقص، تیاتر، نقالی و پرده داری است. داستان نمایش از افسانه "رستم و سهراب" شاهنامه فردوسی برگرفته شده و از اثر حماسی سیاوش کسرایی، "آرش کمانگیر" نیز الهام گرفته است. این نمایش چندرسانه ای پس از گشایش در سن دیگو و سه اجرای موفق در جشنواره تیرگان امسال در تورنتو، روز شنبه ۲۹ اوت در "رویس هال" دانشگاه لس آنجلس به زبان فارسی و با زیرنویس انگلیسی به روی صحنه آمد.

## موسیقی

### افت فروش سی دی در آمریکا

بر اساس آمار صنعت موسیقی آمریکا، فروش سی دی در نیمه نخست امسال ۳۱ و نیم درصد افت داشته است. فروش سی دی از ماه ژانویه تا ژوئیه، ۴۱ میلیون اما در سال گذشته ۵۶ میلیون و هشتصد هزار نسخه بوده است. دلیل عمده این کاهش، پخش اینترنتی موسیقی بوده که گردش مالی آن با ۲۳ درصد افزایش به بیش از یک میلیارد دلار رسیده است.

پخش اینترنتی موسیقی در حال حاضر حدود یک سوم از درآمد صنعت موسیقی در آمریکا را تشکیل می دهد؛ هر چند درآمد از موسیقی نسبت به سال پیش با نیم درصد کاهش به ۳ میلیارد و ۱۷۰ میلیون دلار رسیده است. با این حال هنوز درآمد ناشی از دانلود دیجیتال موسیقی با رقم یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار، از درآمد اشتراک برنامه های پخش اینترنتی موسیقی بیشتر است.

## شعر

### اعلامیه

برای رفیق شاهرخ زمانی  
داغی که پرچم ماست

حسن حسام

این بار

باز

عاشق گُشان رنگارنگ

با نیرنگ

خونسرد مثل مرگ

اعلام کرده اند:

مرگِ کبود

این موج پر خروش را

خاموش کرده است

\*

دزدانِ کارِ کارگران

از ترسِ مرگ

سر گرم غار غار

تا نشکفد صدایی در خشم کارگر

اعلام کرده اند:

این منتهای جسارت  
این منتهای عشق و عدالت  
مرده است !

\*

ای گردِ سرخِ دلاور  
شاهرخ جان !  
شبکور چشم ندارد.

در سرزمین دربند  
تا بی شماره

سر

و

بازو

درکار

کارزار است

دریا دلان

به جون موج

تا اوج

با خشم می خروشدند

\*

اما

اما

به ما بگو

آیا

ای سرخِ سرخ

دلاورِ رعنا

با آن نگاه و لبخند،

در بادِ هرزه تابِ اهریمن

پرپر شده

فسرده و خاموش گشته ای؟

\*

باور نمی کنیم

باور نمی کنیم

باور نمی کنیم مقتول دین و سرمایه

قتلت که مرگ نیست

تو زنده ای

تا بارور شود زمینِ بی حاصل.

از شوره زار،

گل و گندم

رقصان به بار نشیند

توزنده ای  
در جنگلی ز انسان  
در بی شماره کارگران  
در بازوان شان  
در زانوان شان  
در سرهای شان  
و سودا های شان

\*

هلا  
بنفشه ی رخشان  
گل همیشه بهاران  
در این شبانه ی تاریک  
و سنگلاخ و جاده ی باریک  
با مایی  
در مایی  
ستاره ی راه

## از زنده یاد رفیق شاهرخ زمانی و درباره او

### مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی

گزارشی کوتاه کانون مدافعان حقوق کارگر



جسد شاهرخ زمانی را روز دوشنبه تحویل خانواده اش دادند. تنها با این شرط که آنها هیچ شکایتی نکنند و گزارش پزشکی زندان که مرگ او را سکتی مغزی اعلام کرده بود، بپذیرند. خانواده ی شاهرخ بی درنگ جسد را به تبریز، شهر عاشقان، شهر مبارزان و خطه قهرمان خیز آذربایجان منتقل کردند. بلافاصله فعالان کارگری

و دوستان شاهرخ از سراسر ایران خود را به تبریز رساندند تا در زادگاه ستارخانها و باقرخانها، حیدر عمواغلیها، صمدها، دهقانیهها و نابدلها و... این بار بر مزار شاهرخ، یاری از تبار آنان گرد هم آیند. حضور فعالان کارگری از تهران، کرج و سمنجان چشمگیر بود.



سیل جمعیت خیره کننده بود، هر چند نه در خور شاهرخ، چرا که از روز قبل نیروهای امنیتی با افراد زیادی تماس گرفته بودند و آنان را از رفتن به مراسم منع کرده بودند. اما تعداد مشتاقان به شرکت در این مراسم آنقدر زیاد بود که احتمالاً نیروهای امنیتی نیز نتوانسته بودند با همه تماس بگیرند. چند نفر از فعالان تبریز را هم به ستادهای خبری احضار کرده بودند و یکی از فعالان اجتماعی تبریز نیز در طول مراسم بازداشت بود.

در طول مراسم و هنگام خواندن نماز میت؛ یکی از حاضران با صدای بلند اعلام کرد: "شاهرخ چه نیازی به خواندن نماز دارد... با این حال مراسم برگزار شد. چند مامور خاص از بازکردن صورت شاهرخ هنگام خاکسپاری جلوگیری کردند. هر چند حضور ماموران چشمگیر بود اما آنها با سیل جمعیت کاری نمی توانستند انجام دهند. مراسم با خواندن قطع نامه ی تشکلهای کارگری ادامه یافت. اطلاعیه تشکلهای مستقل کارگری به تعداد نسبتاً قابل توجهی میان جمعیت توزیع شد. سپس همزمان با گلباران مزار شاهرخ، مراسم با سر دادن شعارهایی از جمله: "زنده باد شاهرخ زمانی"، "درود بر شاهرخ زمانی"، "شاهرخ معلم ماست، راه شاهرخ راه ماست" و "درود بر کارگر مبارز" ادامه یافت.

شعارها همه گیر بود و در میان اندوه و رنج فراوان، جمعیت نمی خواست مزار را ترک کند. اما اجباراً با پایان یافتن مراسم به تدریج آماده ی ترک مراسم شدند. پس از پراکنده شدن جمعیت و در میانه راه خروج از آرامستان، ماموران یکی از شرکت کنندگان را که گمان می کردند بیانیه تشکلهای کارگری مستقل را توزیع کرده، دستگیر کردند. بلافاصله این مساله مورد اعتراض حاضران قرار گرفت. ماموران ابتدا گفتند فقط چند سوال و حاضران هم گفتند در حضور خودمان. به تدریج تعداد معترضان به این دستگیری بیشتر شد و راه رفت و آمد ماشینها بسته شد. هنگامی که پس از دستبند زدن ماموران قصد بردن فرد دستگیر شده را داشتند، اعتراضات شدت گرفت و پس از کشمکش فراوان و دست به دست شدن وی، بالاخره برای خاتمه این وضعیت ماموران جلو چشم همه دست وی را باز کردند و شرکت کنندگان در مراسم همراه با وی محل را ترک کردند.

خانواده شاهرخ مراسم پذیرایی بسیار خوبی را تدارک دیده بودند. هنگام صرف غذا یکی از فعالان کارگری گفت: "این غذا با همه ی خوبی به دلم نمی چسبد زیرا که شاهرخ ۵ سال از خوردن چنین غذاهایی محروم بود". مراسم پذیرایی با اعلام مراسم روز ۵ شنبه خاتمه یافت.

### پیام تشکر خانواده شاهرخ از شرکت کنندگان در مراسم ۲۴ شهریور ۹۴

با درود به جان باختگان راه آزادی، ما شاهرخ عزیزمان را از دست دادیم و در حال حاضر روزهای سختی را پشت سر می گذاریم، اما حضور چشم گیر کارگران، دانشجویان و انسانهای شریف در مراسم تشییع پیکر شاهرخ مرهمی بر دردهایمان بود، لذا ما بدین وسیله از همه کسانی که به هر نحوی (با حضور خود، با تماس تلفنی یا ارسال پیام و یا اعلام دفاع و حمایت در شبکه های اجتماعی و ...) در این روزهای سخت ما را همراهی کردند، به ویژه اعضای تشکلهای مستقل کارگری کمال تشکر و قدردانی را داریم و بدون شک می دانیم در آینده نیز ما را تنها نخواهید گذاشت و انتظار داریم با فداکاری و صلابت راه شاهرخ را ادامه بدهید.

از طرف خانواده شاهرخ زمانی

چهارشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۴ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۵

### برگزاری مراسم گرامیداشت شاهرخ زمانی توسط زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج

بنا به گزارشات رسیده زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج با تجمع در سالن ۱۲ مراسم گرامیداشت شهید راه آزادی مردم ایران را برگزار کردند. غروب روز دوشنبه ۲۳ شهریور ماه تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی از جریانهای مختلف در سالن ۱۲ زندان رجایی شهر کرج دور هم جمع شدند و مراسم یادبود به مناسبت مرگ مشکوک شاهرخ زمانی را برگزار نمودند. مراسم با ۱ دقیقه سکوت به نام آزادی و به نام شهدای زندانی و به نام شاهرخ زمانی با مدیریت باغانی، معلم

زندانی آغاز شد. در ادامه مراسم وکیل زندانی محمد سیف زاده و سعید ماسوری، خالد حردانی و سعید رضایی در وصف تاریخ مبارزه با استبداد صحبت کردند. سپس دانشجوی زندانی میثاق یزدان نژاد هم خاطرات شاهرخ را در دل زندانیان زنده کرد. پس از آن زندانی سیاسی زانیار مرادی ترانه کردی اجرا نمود و در ادامه برنامه صالح کهندل و حسنی نیز ترانه ای آذری سرودند. در خاتمه پس از مراسم سنتی، شعر معروف مرغ سحر تقدیم به روح شهید راه آزادی شاهرخ زمانی گردید. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

پیش از این مراسم زندانیان سیاسی سالن ۱۲ زندان گوهردشت کرج در اعتراض به مرگ مشکوک جانباخته راه آزادی شاهرخ زمانی از گرفتن شام امتناع کردند.

منبع:سایت فعالین حقوق بشر و دموکراسی

۲۳ شهریور ۱۳۹۴

## نامه شاهرخ زمانی به دخترش

یکسال پیش ( ۲۴ شهریور ۹۳)

آری دختر عزیزم:

در کشوری که مشتی انگل زالو صفت با بهره کشی میلیونی انسانها و دزدی و غارت علنی هزاران میلیاردی ثروتهای عمومی، یکی از غنی ترین کشور جهان، با رتبه دهم معدن جهان را به کشوری با هشتاد درصد مردم زیر خط فقر یکی از بالاترین آمار گرانی، بیکاری میلیونی، میلیونها کودک کار و خیابان، تورم، فحشا و تن فروشی، بیکاری، بی مسکنی، طلاق، اعتیاد و افسردگی تبدیل کرده اند، در چنین شرایطی چگونه می توانم بی تفاوت به سرنوشت هم زنجیرانم فقط به فکر تو و خودم باشم؟

چگونه می توانم به سرنوشت صدها هزار کودکان کار و خیابان و دهها هزار دختران گرسنه و آواره خیابانها در کنار ثروتهای هزار میلیاردی طفیلیهای انگل با ماشینهای چند میلیاردی شان بی تفاوت باشم؟ چگونه می توانم به بی سوادی هر دو نسل آینده ۱۱ میلیونی فقرا در کنار بورسیه های چند صد میلیاردی دلواپسان حکومتی بی تفاوت باشم؟

آیا می توان نشست و نگاه کرد که ششصد نفر مافیای زر و زور حکومتی یک چهارم کل نقدینگی کشور یعنی یکصد و پنجاه هزار میلیارد وام بانکی را پس نمی دهند و یک میلیون و دویست هزار نفر جوان در صف انتظار وام ۵ میلیونی صف کشیده اند؟

چگونه می توان از کنار دستگیری و شکنجه و اعدام هزاران نفر آزادیخواه و برابری طلب به خاطر دفاع از حقوق قانونی و مشروع شان گذشت؟

بله دختر عزیزم، انسان واقعی نمی تواند از کنار این همه تبعیض و نابرابری و بی عدالتی بی تفاوت بگذرد. تو ناراحت نباش، عزیزی را در اینجا در نظر بگیر که عروسی که سهل است اجازه رفتن به ختم همسر و پدر و مادر و فرزند خود را نیافتند تا اربابان ثروت و قدرت خوش خدمتی خود به سرمایه داری را به اثبات برسانند.

صد در صد بدان و آگاه باش که این حکم تاریخ است، عاقبت ستمگران و ظالمین زباله دان تاریخ است. بشنو از پدرت که در چنین جامعه ی طبقاتی کشتارگاه عاطفی انسانها، خداوند زر و زور و تزویر با تزریق سم فردگرایی بر محور منافع شخصی و مصرف گرایی آدمی را تا سطح حیوان تنزل می دهد. فقط کسانی می توانند در این لجنزار هویت انسانی خود را حفظ کنند که برخلاف جریان آب شنا کرده و به قول انقلابیون فرانسه با شعار "یکی برای همه، همه برای یکی" و مطالعه آثار مترقی انقلابی بر ضد ستم و بهره کشی و افکار فردگرایانه حیوانی مبارزه مستمر کرده و کمک و همیاری و عشق به همنوع را در جریان مبارزه سرلوحه خود قرار داده فقط و فقط در این چارچوب عشق اصیل و واقعی به همسر و فرزندان می تواند معنا پیدا کند و استمرار یابد، چرا که در غیر این صورت آدمی بت واره و شیفته پول و قدرت و موقعیت اجتماعی

بالا و در نتیجه شیفته موقعیت فردی خود و بیگانه از مدار و هویت انسانی و طبقاتی خود چگونه می توان - فداکاری و عشق همنوع خود از جمله همسر و فرزندان را داشته باشد؟  
دخترم :

ضمن آرزوی خوشبختی امیدوارم با در پیش گرفتن یک زندگی انسانی، ظلم ستیز همسر خوب و فداکار برای یکدیگر و انسانهایی ایثارگر و مفید به حال جامعه باشید.  
کسی که شما و همه ی انسانها را دوست دارد.  
شاهرخ زمانی  
زندان رجایی شهر  
دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۳ هـ ش

## کُمدی حقوق بشر ولایت فقیهی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۲۴ شهریور

قتل فعال کارگری، زنده یاد شاهرخ زمانی به وسیله مزدوران ولی فقیه، موج گسترده ای از تنفر عمومی در ایران و جهان ایجاد کرده است. در واکنشهای ایجاد شده به قتل این فعال و سازمانگر جنبش کارگری، فِلیش اتهام به سمت رژیم نشانه رفته و خواست تحقیق نهادهای بی طرف بین المللی برای رسیدگی به این قتل در ابعاد گسترده مطرح شده است.  
همزمان با قتل شاهرخ زمانی، روز یکشنبه ۲۳ شهریور، یک فعال کارگری دیگر به نام محمدرضا کریمی دستگیر شد. به قتل رسانیدن زندانی سیاسی که از همه امکانات دفاع از خود محروم است، عملی بزدلانه از طرف رژیم است. تعداد زیادی دیگر از زندانیان سیاسی در سیاهچالهای رژیم، به خاطر عدم درمان با خطر مرگ روبرو هستند. رفتار مزدوران رژیم در سیاهچالها که به دستور مستقیم خامنه ای و روحانی انجام می شود عملی جنایتکارانه و ضد انسانی است.  
در حالی که رژیم ایران از نظر نقض حقوق بشر شناخته شده در سراسر جهان است و بارها به همین دلیل در مجامع مدافع حقوق بشر محکوم شده، بی شرمانه جایزه حقوق بشر به ایادی و مزدوران خودش تقدیم می کند.  
روز دوشنبه ۲۳ شهریور، سفیر رژیم در سوریه، جایزه «حقوق بشر اسلامی» را به مفتی اعظم دیکتاتوری بشار اسد تقدیم کرد. یک کمدی کامل؛ مزدوران یک دیکتاتور به ایادی یک دیکتاتور دیگر جایزه «حقوق بشر» می دهند.  
در رویدادی دیگر، روز دوشنبه ۲۳ شهریور، آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه ولی فقیه، در سخن پراکنی خود در ملاقات با کارگزاران هیات ایتالیایی مدعی شد که دیدگاه رژیم اش مبتنی بر «نگاه عقلانی شیعه» است و با «تفکرات افراطی همچون داعش» تفاوت دارد. دفاع وی از قانون ارتجاعی قصاص، بخش «عقلانی شیعه» این مرتجع است.  
به گواه کارنامه بیش از سه دهه حکومت ولایت فقیه، تمامی اعمال و رفتار رژیم مانند داعش است. قتل شاهرخ زمانی و زجر کش کردن زندانیان سیاسی مانند نرگس محمدی و .... همانی است که داعش انجام می دهد. این داعش شرمگین قصد دارد جنایت را در مدل «شرایط فرهنگی» مشروعیت بخشد.

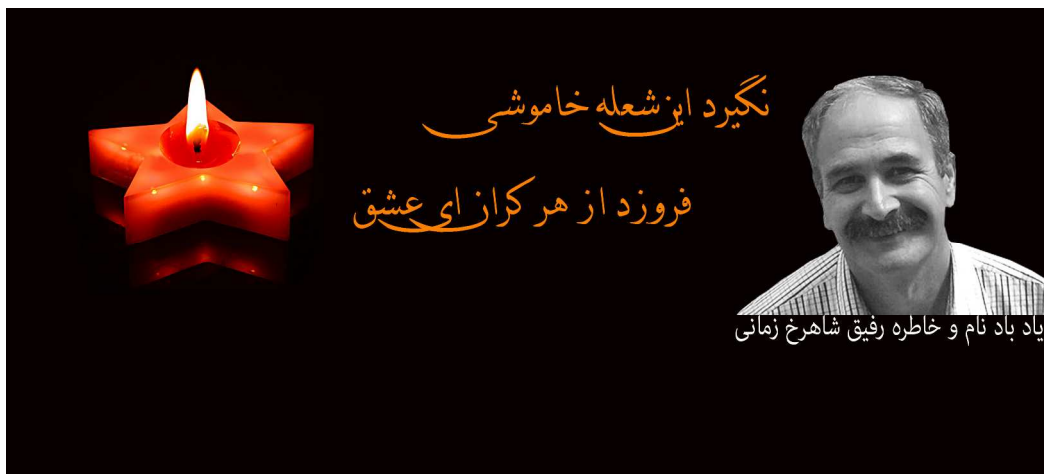
## ای سرو ایستاده این مرگ توست که می سازد

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲۸ شهریور

هر فرد عدالتخواهی که شاهرخ زمانی را می شناخت و با مبارزات و مقاومت او آشنایی داشت، نمی تواند با قتل مزورانه و بزدلانه او به دست مزدوران رژیم نخست تاثر و غم و سپس خشم و نفرتی بیکران را حس نکند. اما غم و نفرت تنها واکنش کارگران و زحمتکشان به از دست دادن این رفیق انقلابی و کمونیست نبوده و نخواهد بود. انگیزه گرم و نیرومندی در رگ اراده آنان برای رویارویی با دستگاه ظلم و ستم ولی فقیه جاری شده است.

فعالان کارگری و سیاسی، مردم از گوشه و کنار کشور زیر تهدید نیروهای امنیتی رژیم بر سر مزار او گردهم آمدند و با



خواندن سرود "آفتابکاران جنگل" و شعارهای "شاهرخ معلم ماست، راه شاهرخ راه ماست"، یاد رفیق استوار و پر اراده خود را گرامی داشته و بر ادامه مبارزه علیه ستم سرمایه داری چپاولگرانه رژیم تاکید کردند. "پرچم مبارزه شاهرخ

زمانی بر زمین نخواهد ماند"، پیام کارگران پروژه های پارس جنوبی، فعالان کارگری جنوبی، فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان، جمعی از کارگران پتروشیمیهای منطقه ویژه ماهشهر و بندر امام، بخشی از کارگران محور تهران - کرج و فعالان کارگری شوش و اندیمشک بود. آنها خواستار افشای تمامی ابعاد پرونده خونبار جنبش کارگری شدند.

پیام تشکلهای کارگری که در مراسم رفیق شاهرخ زمانی خوانده شد، از "غم جانکاهی از فقدان او" می گوید، اما در ادامه تاکید دارد: "ما زانوی غم در بغل نخواهیم گرفت و مرگ شاهرخ را به پرچمی برای اتحاد و همبستگی کارگری که او پیشتازش بود تبدیل خواهیم کرد." این تشکلهای شامل اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران نقاش استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلات کارگری و هیات بازگشایی سندیکای نقاش تهران بود.

در اطلاعیه سندیکاهای کارگری ایران آمده است: "ما پرتوان تر آرمانهای او را که جز بهروزی و اتحاد طبقه کارگر اندیشه ای نداشت، پیش خواهیم برد." روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک نیز در اطلاعیه خود می گوید: "مرگ نقطه پایان زندگی شاهرخ زمانی نیست. پیامش همچون خودش زنده و ماناست." فعالان "جنبش لغو کار روزمزدی" می نویسند: "قتل شاهرخ بسان قتل هر کارگر مبارز دیگر باید زمینه ای برای پیکار مصمم تر و آگاه تر و استوارتر ما در راستای ایفای این نقش اساسی و حیاتی باشد."

اینها تنها نمونه هایی از واکنش جنبش زنده کارگری ایران به قتل شاهرخ زمانی است که جایگاه ویژه او در جنبش کارگری و نیز سطح مبارزه و آگاهی این جنبش را نشان می دهد. تیر رژیم به سنگ خورده، راه شاهرخ پرتوان تر ادامه می یابد.

## تیر خلاص رسانه حکومتی به زنده یاد شاهرخ زمانی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۳۱ شهریور

در حالی که انجام تحقیقات مستقل بین المللی برای روشن شدن چگونگی قتل شاهرخ زمانی، زندانی سیاسی مقاوم و فعال کارگری تبدیل به خواستی عمومی شده، شاهرخ زمانی در عطاری رسانه های حکومتی تبدیل به «اصلاح طلب» ی شده که محسن ازه ای قاتل، هم از تحقیق در مورد چگونگی «سکته» ی وی حرف زد.

خبرگزاری حکومتی ایسنا روز یکشنبه ۲۹ شهریور در متن گزارش خود از جلسه پرسش و پاسخ محسن ازه ای، سخنگوی قوه قضائیه رژیم، هر کجا که نام شاهرخ زمانی را به کار برده در پراوتز او را «فعال سیاسی اصلاح طلب» معرفی کرده و ابلهانه پس از قتل این مبارز راه آزادی و برابری، یک تیر خلاص هم به او شلیک می کند. چسباندن صفت اصلاح طلب به

رفیق مبارز شاهرخ خیلی بیش از دروغهای روزمره رسانه های حکومتی بی پایه و مسخره است. اما علت کاربرد آگاهانه چنین صفتی در این خبرگزاری حکومتی قابل تامل است.

شاهرخ زمانی در نامه به دخترش بر هر گونه آشتی با رژیم ولایی و استبداد دینی تاکید کرده و برای او این یک خط قرمز بود. وی می نویسد: «چگونه می توان از کنار دستگیری و شکنجه و اعدام هزاران نفر آزادیخواه و برابری طلب به خاطر دفاع از حقوق قانونی و مشروع شان گذشت.» رسانه حکومتی می خواهد محبوبیت این فعال کارگری را به جیب «اصلاح طلبان» حکومتی بریزد.

بر اساس گزارش ایسنا، محسن اژه ای در برابر پرسش فردی در سالن، می گوید: «مگر افرادی که در زندان به سر نمی برند دچار سکتة نمی شوند؟ زندانی هم همین طور است.» اژه ای ادامه می دهد «این که دلیل سکتة این فرد چیست در حال بررسی است و پزشک باید نظر نهایی را بدهد.»

این جلاد بی شرمانه وضعیت زندانی در شکنجه گاهها را با وضعیت یک فرد آزاد برابر می داند. وی در حالی چنین ادعایی را مطرح می کند که خانواده شاهرخ زمانی و همبندان او وضعیت سلامتی رفیق شاهرخ را مناسب اعلام کرده اند که هیچ شرایط جسمانی که منجر به سکتة وی شود وجود نداشته است. در حالی که اصل قتل غیر قابل انکار و فقط چگونگی آن مورد سوال است، اژه ای پیشاپیش نوع آن را «سکتة» اعلام می کند. این نوع تحقیق فقط در عطاری استبدادی ولایت فقیه یافت می شود.

حرفهای محسن اژه ای و این که رژیم به یک تحقیق مستقل و بی طرفانه تن نمی دهد، بار دیگر بر این که زنده یاد شاهرخ زمانی به وسیله ایادی استبداد مذهبی به قتل رسیده، مهر تایید می گذارد. اعتراض همگانی و پافشاری بر انجام تحقیقات مستقل بین المللی می تواند ابعاد این جنایت را روشن کند.

## فراسوی خبرها.....

### ترور سازمانیافته فعالان جنبش دموکراتیک و سکولار مردم عراق

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۱۰ شهریور



روز یکشنبه ۹ شهریور، ۴ تن از فعالان و سازماندهگان جنبش مردم عراق توسط نیروهای جهل و نیستی ترور شدند. بر اساس خبر العربیه و برخی دیگر از رسانه های معتبر، خالدالعکلی، روزنامه نگار، فعال اجتماعی و وبلاگ نویس عراقی که یکی از فعالان و سازماندهگان تظاهرات بود در روبروی خانه اش در بغداد و سه تن دیگر در ناصریه و بصره ترور شدند.

خیزش نوین مردم عراق، جنبشی دموکراتیک، صلح طلبانه و سکولار است

که اقشار گوناگون اجتماعی را در بر می گیرد. این جنبش با اعتراض به قطع برق در گرمای طاقت فرسای تابستان عراق آغاز و تبدیل به جنبشی علیه فساد حکومتی و به ویژه علیه باند نوری المالکی شد. در پی تداوم همایشهای اعتراضی این جنبش در روزهای آدینه و هر چه گسترده شدن آن، حیدرالعبدی نخست وزیر عراق، انجام یک سلسله اصلاحات در رابطه با فساد حکومتی را در دستور کار قرار داد که مورد حمایت این جنبش قرار گرفت. خواست پیگیری و مجازات عاملان فساد، خلع ید از نوری المالکی، دست نشاندۀ فاسد ولی فقیه، اصلاح دستگاه فاسد قضایی و... در ردیف خواسته های این جنبش است.

یکی از آخرین اقدامات عبادی، قطع فعالیت آزادانه رژیم ایران در فرودگاههای عراق است که منجر به کوتاه کردن فعالیتهای جولانگرا سپاه قدس و قاسم سلیمانی خواهد شد. در زمان صدارت مالکی، رژیم ایران آزادانه از پایگاههای

هوایی عراق برای ارسال اسلحه و تجهیزات نظامی به سوریه استفاده می کرد و گونه ای که قاسم سلیمانی و سپاه قدس به راحتی جولان و فرمان می دادند. این خودمختاری پاسدار سلیمانی حتی مورد اعتراض بخشی از نیروهای سیاسی در حکومت عراق قرار گرفت.

بر آمد گستردگی جنبش پر توان مردم عراق و شکاف در قدرت سیاسی، به زیر ضرب رفتن دخالت‌های رژیم ولایت فقیه است. بر همین منظر این جنبش ضد استبداد ولایت فقیه است. بالندگی این جنبش در کشور همسایه ما، به نفع مردم ایران و همه نیروهای مترقی در منطقه است. ترور فعالان اجتماعی در عراق همچون ترورهای دیگر نیروهای مترقی، از طرف بزدلان ارتجاع صورت گرفته و محکوم است. یاد زنده یادان خالد العکلی، مسلم هیثم الرکابی، ولید سعید الطائی و شیخ صباح الکرموشی که هر چهار تن نقش موثر در سازماندهی جنبش مردم عراق داشتند جاودانه خواهد بود.

## تراژدی آوارگان سوری، حال نوبت جام زهر منطقه ای است

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۱۸ شهریور

همزمان با جاری شدن سیل شهروندان آواره شده سوری به اروپا، رژیم جمهوری اسلامی و مداخله ویرانگر آن در این دو کشور هر چه بیشتر زیر ذره بین بین المللی قرار می گیرد.



رییس جمهور ترکیه، کشوری که گذرگاه اکثریت آوارگان به اروپا به شمار می رود و خود نزدیک به دو میلیون پناهنده سوری را آسکان داده، روز دوشنبه رژیمهای جمهوری اسلامی و روسیه را مسوول بحران انسانی سوریه معرفی کرد. آقای اردوغان این دو رژیم را متهم کرد که با پول و اسلحه، به بشار اسد در ایجاد این شرایط یاری می رسانند.

در یک واکنش دیگر، رییس دولت اسکاتلند، آقای نیکلا استروژن، خواهان مشارکت جمهوری اسلامی در "حل بحران مهاجرت در اروپا" شد.

این فراخوان مشترکی است که کلیه دیپلماتها و پایوران اروپایی که در روزهای اخیر به تهران سفر می کنند، به میزبانان خود منتقل می کنند. فشار سیاسی مزبور و گنجاندن آن در دستور مذاکره، می تواند دلیل اجبار پایوران جمهوری اسلامی را به توضیح پیاپی موضع خود در مورد سوریه در همه دیدارهای مقامات اروپایی توضیح دهد.

میزان فشاری که رژیم مَلاها از این جانب متحمل می شود را می توان از واکنش عصبی وزیر خارجه "رهبر" و نیز وزیر خارجه دولت دریافت. اولی (آقای ولایتی) مُشت بر میز کوبیده: "کشورهای اروپایی بابت پذیرش چند صد هزار پناهجوی سوری قشقرق راه انداخته اند" و دومی (آقای ظریف) در دیدار با نخست وزیر جمهوری چک پرخاش کرده: "برخی کشورها به خاطر چند ده آواره جنجال می کنند."

سازمان ملل در آخرین گزارش خود پیرامون بحران سوریه، از آواره شدن ۱۱ میلیون شهروند سوری خبر داده است. بیش از چهار میلیون نفر از این جمع به از طریق کشورهای همسایه از سوریه خارج شده و ۷ میلیون نفر نیز در داخل سوریه مجبور به ترک خانه و کاشانه خود گردیده اند که اکثریت آنها در صف انتظار برای فرار از جهنم برپا شده توسط بشار اسد و متحدانش هستند .

مُهاجرت و آوارگی بیش از یک سوم جمعیت سوریه، بیانگر آن است که جنگ کثیف آقای خامنه ای در این کشور، پیش از همه جنگی علیه شهروندان غیرنظامی و مدنیت این کشور است؛ یک تبهکاری دولتی که با هر روز ادامه یافتن آن، سویه های جنایتکارانه و غیر انسانی تری به خود می گیرد. پاکسازی دینی - قومی مناطق مرزهای غربی و همجوار لبنان که در نیمه راه به آوارگی ده ها هزار تن انجامیده، از جمله جلوه های تازه این جنگ است .

تشدید بحران انسانی آوارگان سوری، نگرانی پیرامون تاثیر سُست شدن تحریمهای نفتی و مالی رژیم مَلاها بر کانونهای تنش در منطقه را افزایش داده است. بدون مکانیزمهای پیشگیرانه و نیز مجبور ساختن آقای خامنه ای و همدستانش به سر کشیدن جام زهر منطقه ای، دسترسی آنها به منابع مالی بیشتر به خوبی می تواند در خدمت تقویت سیاستهای مُداخله گرایانه و جنگ افروزی قومی و دینی قرار گیرد.

غرب امروز در هیات موج پناهجویان سوری چشم در چشم نتیجه سیاست پیشین خود مبنی بر باز گذاشتن دست رژیم خانوادگی اسدها - به هر بهانه ای - برای سرکوب اعتراضهای توده ای و اپوزیسیون سکولار دوخته است. دادن اجازه پروار شدن به رژیم مَلاها به بهانه توافق هسته ای، می تواند دامنه و آثار این سیاست شکست خورده را بسا گسترده تر به رُخ آن بکشد .

## آوارگان جنگ و راه حل مدافعان دیکتاتوری اسد

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۱۷ شهریور

اظهار نظرهای پایوران رژیم در دیدار با وزیر خارجه اسپانیا، پیرامون تروریسم و امواج پناهجویان سوریه، شرم آور است. دفاع تمام قد پایوران رژیم ولایی از دیکتاتوری اسد در این ملاقاتها، نقش رژیم ایران در پدید آوردن بحران آوارگان جنگی سوریه را برجسته می کند.

روز دوشنبه ۱۵ شهریور، ظریف وزیر خارجه رژیم، کسانی که در مورد بشار اسد به گفته او «شرط و شروط» گذاشتند را «مسئول خونریزیها» در سوریه دانست. وی بحران آوارگان جنگی را از اقدامات دولتهای خارجی اعلام کرد. البته وی دخالت نظامی، نیرویی و مالی رژیم ایران در سوریه را از جمله اقدامات «دولت خارجی» اعلام نکرد. بخش مضحک حرفهای ظریف تاکید بر «راه حل سیاسی» بحران سوریه و پایان جنگ در این کشور با حضور بشار اسد است. وی استفاده از «نهادهای قانونی، ابزارهای موجود و..... مراجعه به آرای عمومی» را، البته در چارچوب دیکتاتوری بشار اسد پیش نهاد می کند.

ظریف که به گفته خودش در رابطه با «موضوع حقوق بشر و نحوه حمایت از حقوق پناهندگان» با وزیر امور خارجه اسپانیا صحبت کرده، از وارد شدن به علت فرار امواج انسانی از سوریه خودداری می کند، همان طور که به موضوع نقض حقوق بشر در ایران و پدیده بیسابقه فرار مغزها از ایران اشاره ای نمی کنند.

در رویدادی دیگر، علی اکبر ولایتی مشاور بین المللی خامنه ای و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام ولایت فقیه، از داشتن «راه حل سیاسی» در سوریه صحبت کرد و این که اگر همه دنیا به این نتیجه برسند مشکل سوریه حل خواهد شد.

مهمتر از سخن پراکنیهای ظریف و ولایتی، حرفهای روحانی در رابطه با تروریسم و برقراری صلح در منطقه است. او هم مثل همردیف قبلی خودش، احمدی نژاد با مشتکی حرفهای کلی برای حل جنگ، تروریسم و بحران آوارگان جنگی نسخه پیچید. نسخه هایی که با وجود حاکمیت دیکتاتورها فاقد ارزش است.

پدیده آوارگان جنگی که این روزها شاهد صحنه های دردناک آن هستیم، نتیجه جنایات دیکتاتورهای حاکم است. تمامی کسانی که از دیکتاتورها حمایت کرده و برای تداوم حیات آنها آذوقه می رسانند، مسئول بی خانمانی و قربانی شدن کودکان، زنان و مردانی هستند که خسته از جنگ به دنبال محلی برای زندگی امن خودشان را به هر آب و آتشی می زنند.

قطع شریان کمک رسانی به رژیم اسد و به ویژه قطع کامل مداخله رژیم ایران از نیروهای تروریستی و دیکتاتوری بشار اسد، اولین گام و مهمترین پارامتر کمک کننده برای حل بحران سوریه و مساله امواج انسانی آواره از این کشور است.

## ضیافت بر سر مزار "حق مسلم" و "خط قرمز"ها

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲۱ شهریور

با پیروزی دمکراتهای آمریکایی (موافق برجام) بر جمهوریخواهان مخالف، بار دیگر رمالهای رژیم از هر جناح و باند و دسته با پرویی تمام، ضمن جشن و پایکوبی بر سر مزار "حق مسلم" و "خط قرمز"های خود، گنده گوییهای قابل توجهی کرده اند. آنها در واکنش به این رویداد ادعا می کنند که با توانمندی خود غرب را به پای میز مذاکره آورده و پیروز شدند. سخنگوی وزارت خارجه مرضیه افخم ادعا می کند، دولت آمریکا با پذیرش شکست و ناکامی تحریمها، ناگزیر به عقب نشینی از خواسته اصلی خود در مذاکرات شد و در نهایت هم به رفع تحریمها تن داد و هم حق غنی سازی هسته ای ایران را پذیرفت.

غلامعلی جعفرزاده، یک نماینده اصولگرای مجلس ارتجاع با اعتراف به اینکه برنامه هسته مخارج سنگینی در بر داشته، ادعا می کند که آمریکاییها مجبور شده اند پای میز مذاکره بیایند و سرانجام به رژیم باج دادند.

اما اقتدار جمهوری اسلامی و باج دهی غرب را می توان از این زاویه ارزیابی کرد که از مدتها پیش علاوه بر تلاشهای پنهان و نهان و صرف مخارج سنگین و تلاشها برای پای میز مذاکره نگه داشتن ۶ کشور، در همین اواخر لابیهای رژیم از هر گوشه و کنار و با هر شکل و شمایل دوره افتاده بودند تا دمکراتهای آمریکایی نگذارند این برنامه به مجلس سنا برای رای گیری راه یابد.

از جمله لابیهای که در جوار لابی بدنام رژیم موسوم به "نایاک" و فعالیتهای "صلح طلبانه" آن فعال بود، از حسین موسویان، عضو تیم مذاکره کننده هسته ای در دولت خاتمی می توان یاد کرد. وی در یک معرکه گیری هسته ای در دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا در روز رای گیری سنای این کشور، با ۱۲ دلیل برای حمایت کنگره آمریکا از توافق هسته ای پافشاری کرد. تنها دو دلیل آن شامل "منتفی شدن هرگونه احتمال ساخت بمب با اجرای این توافق" و "حداکثر مکانیسمهای شفافیت و راستی آزمایی در این برنامه" می باشد.

همه اینها در حالی بود که خامنه ای در شوق و دلواپسی می گفت که دشمنان آمریکایی در حال رفتار دوگانه هستند و برخی لبخند می زنند و برخی در حال تهیه مصوبه علیه جمهوری اسلامی هستند.

این تنها باراک اوباما نیست که به لطف جمهوری اسلامی توانست با کوتاه کردن دست رژیم از سلاح هسته ای نام خود را پیش از پایان ریاست جمهوری اش در تاریخ کشورش ثبت کند، بلکه به طور متقابل حکومت ولایت فقیه هم با نوشیدن زهری که تمایل دارد آن را اکسیر زندگی وانمود کند، به صف ورشکستگان تاریخی پیوست.

**آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران**

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)



## در گذشت مجاهد خلق عبدالعلی قنبری در آلبانی



به گزارش دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، «صبح روز چهارشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۹۴، مجاهد خلق عبدالعلی قنبری با ۴ دهه سابقه مبارزه علیه رژیمهای شیخ و شاه در اثر ابتلا به سرطان و تأخیر در معالجه به خاطر محاصره ضدانسانی پزشکی لیبرتی در بیمارستان در آلبانی جان باخت. او بیست و هفتمین شهید محاصره پزشکی در اشرف و لیبرتی است.

مجاهد خلق عبدالعلی قنبری متولد ۱۳۲۷ از دهه ۵۰ به هواداری از مجاهدین خلق برخاست و به همین خاطر دستگیر و شکنجه شد و بیش از شش ماه در زندان به سر برد. وی پس از انقلاب ضد سلطنتی به طور حرفه ای به صفوف مجاهدین پیوست و تا آخرین روزهای حیات خود به رغم شدت بیماری دمی از مبارزه و مجاهدت باز نایستاد.

چهار تن از پزشکان مجاهدین در لیبرتی در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ (اول دی ۱۳۹۱)

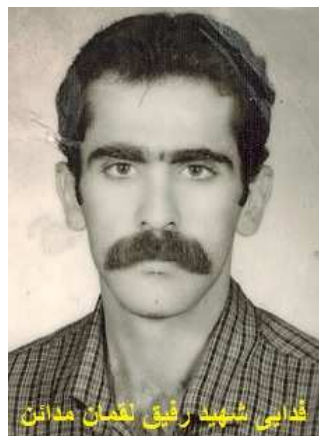
در یک نامه مشترک به معاون یونانی با اشاره به اعمال فشارها و کارشکنیهای نیروهای عراقی در معالجه بیماران لیبرتی، از خطراتی که به خاطر این محاصره متوجه برخی از بیماران صعبالعلاج از جمله عبدالعلی قنبری است، ابراز نگرانی کردند.»

فقدان مجاهد خلق عبدالعلی قنبری را به خانواده و بستگان او، به مجاهدین خلق و به همه آزادیخواهان تسلیم می گوئیم.

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**

[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

## شهادای فدایی در مهرماه



رفقای فدایی: چنگیز قبادی، محمدعی سالمی، حسین سید نوزادی، مهرنوش ابراهیمی، منوچهر بهایی پور، حسن حامدی مقدم، علی دبیری فرد، محمد رضا همتی، غلامرضا صفری، حسین علی زاده، رحمت شریفی، حسن جلالی نائینی، لقمان مدائن، جهانشاه سمیعی اصفهانی، محمدرضا فرشاد، ژیلای سیاب، پروین فاطمی، رحیم خدادادی، فرشاد فرجاد، پری ثابت، اسماعیل بیدشهری، تورج حیدری بیگوند، زهرا بیدشهری، مصطفی رسولی، سید احمد لاری، کرامت قبادی، زاهد سجادی، سیامک اسدیان (اسکندر)، مسعود بریری، علیرضا صفری، فریبا شفیعی، ابراهیم شریفی، علی حسن پور، محمد کس نرانی، غلامحسین رینی ونداندزاد، غلامرضا سالاری، سروش نیکخواه، عارف بلوکی، ماشا الله پورطرق، محمد سعید خراسی، احمد اسلامی جوزانی، حسن بشیری، محمد امین ترابی، محمود خدادادزاده، فاطمه رخ بین، فتح الله فرید، طاهره قاسمی، ناصر مرادی، محمد

فیروزی، یدالله سالاری، موسی پیشداد، حسین روحانی، مهوش جوکار، پرویز عندلیبیان، مهدی خانزاده، خیرالله حسن وند، عبدالله یزدانی، علی محمدنژاد، عباس مکاری، مریم توسلی، فاطمه روغن چی، عزت الله معلم، قربان قریبی، سید ربیع حسینی، رمضان قربانی، شهسوار شفیعی، جعفر دلیر، بهرام بهلوکی، روح الله الماسی، مهناز نجاری، غلامحسین مجیدی، احمد سلیمانی، عباس گودرزی، حسن سبعت، حسن جان لنگرودی، کامران علوی، فرشید فرجاد، احمد کیانی، فرسید راجی، ناصر مرادی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

# انتشارات تصویری



## فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



## دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)



## چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

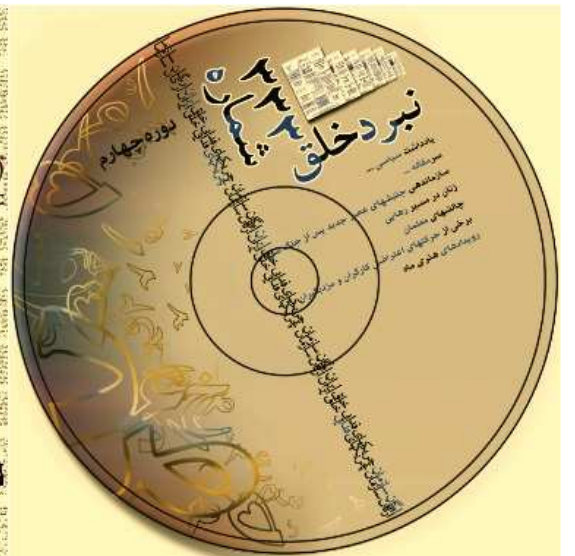
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



## ۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

# NABARD - E - KHALGH

**No : 363 23 sept 2015**

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

**Price: \$ 1 – 1 euros**

**NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE**

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

NABARD CULTURAL ASSOCIATION : Published by

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)